

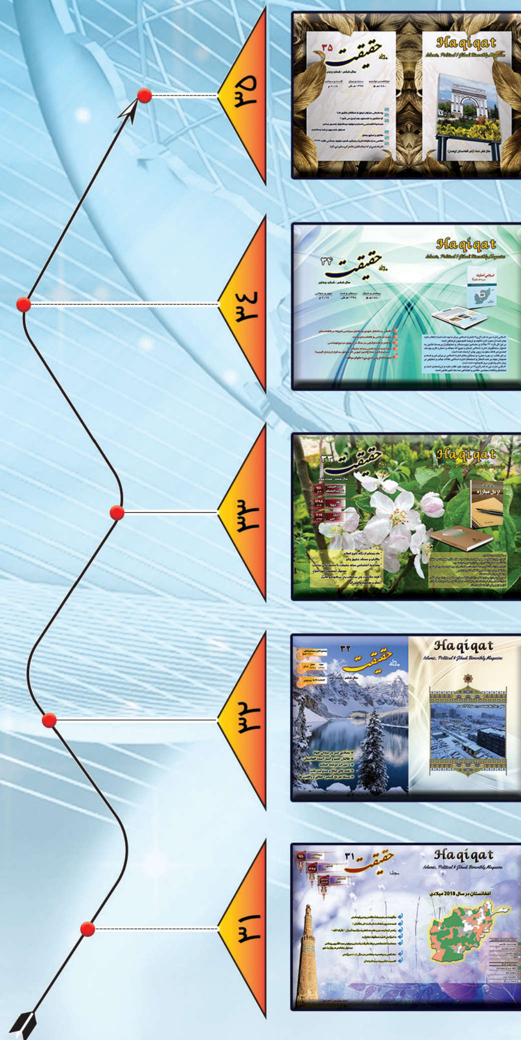
مجلهٔ حقیقت ۳۶

سال ششم - شماره ششم

محرم
صفر ۱٤٤۱هـ ق

عقرب
قوس ۱۳۹۸هـ ش

اکتوبر
نوامبر 2019 م



- رنگ باختن جمهوریت در برابر شریعت
- چند اصل بنیادی برای پیروزی یک حرکت جهادی
- انتخابات ۲۰۲۰ امریکا و معضل افغانستان
- گفتگوی ویژه و داغ مجله حقیقت با محترم مولوی احمدالله وثیق معاون کمسیون فرهنگی
- ملا برادر آخند؛ رهبری برخاسته از میان حادثه‌ها!
- له یوه کلیوال سره د زړه خواله
- طالبان برنده در آزمون‌ها ...!

بسم الله الرحمن الرحيم

مجلهٔ حقیقت

سال ششم، شماره ششم

محرم و صفر ۱٤٤۱هـ ق

عقرب و قوس ۱۳۹۸هـ ش

اکتوبر و نوامبر ۲۰۱۹م

فهرست مطالب

صاحب امتیاز:
کمیسیون امور فرهنگی
امارت اسلامی افغانستان

مدیر مسئول: احمد تنویر

دیزاین: صابر بلوچ

تماس:
Haqiqat_mag@yahoo.com
کانال تلگرام مجله حقیقت:
T.me/haqiqat_mag

یادآوری:

مجله در ویرایش و تصحیح مطالب نویسندگان دست باز دارد.

مطالب نشرشده در «حقیقت» انعکاس دهندهٔ آراء و نظریات نویسندگان آن مطالب است.

ادارهٔ مجله بدون سرمقاله مسؤلیت هیچ مطلب دیگر را برعهده نمی گیرد.

سرمقاله

کنکاوی در انتخابات ناکام ششم میزان

همانگونه که در شمارهٔ قبل مجله تذکر رفته بود که انتخابات نمایشی ششم میزان سالجاری خورشیدی با چالش ها و مشکلات زیاد مواجه خواهد شد و هیچ خیری در آن به نفع ملت، بهبود اوضاع کشور و حل معضله نخواهد بود در عمل از آن بدتر به وقوع پیوست چنانکه مجاهدین امارت اسلامی با بیش از ۵۰۰ حملهٔ خورد و کلان و با حضور سنگین خود بر اوضاع امنیتی سبب اختلال حداکثری در آن پروسهٔ نمایشی گردید اما به نسبت سال های قبل و بخاطر در نظرداشت مصئونیت بیشتر از افراد ملکی، حملات مجاهدین بیشتر بر اطراف متمرکز بود تا بر مراکز حساس شهرها؛ ولی در عین حال از یک واقعیت غیر قابل انکار دگر در انتخابات ششم میزان نمی توان اغماض کرد که آن انتخابات را نه تنها شرایط امنیتی، بلکه کاملا ملت با عدم اشتراک خود، عملا تحریم کردند و این حرکت ملی یک موضوع مهم را به جهان منعکس کرد که افغان ها دیگر به هیچ پروسهٔ فرمایشی و نمایشی غرب در زیر چتر اشغال باور نداشته و گاهی فریب نیرنگ و چرب زبانی شیادان جاه طلب را نمی خورند.

چرایی ناکامی انتخابات ششم را در عوامل بسیاری می توان جستجو کرد اما مهم ترین عامل آن دلسردی ملت از انتخابات بود، ملت مسلمان افغانستان پس از اشغال کشور با چشم سر چندین مرحله از این دست انتخابات را در دوده اشغال مشاهده کرد که چه رسوایی ها به همراه داشت؛ از ثبت نام کاندیدان مجهول الهویه و یا مردم بدسابقه در تاریخ کشور گرفته تا درامه های کمپاین های نمایشی، و از اشتراک بعضی افغان های فریب خورده در روز رای گیری تا قضاوت مداخله جویانهٔ خارجی ها و تاثیر مستقیم بر نتایج، و بالاخره از تقلب و دغل در آرای ناچیز تا معامله گری های سیاسی در پشت درهای بسته، همه و همه نه اینکه هیچ دردی از هزاران درد ملت دردمند را علاج ننمود بلکه بر زخم هویت ملی و ارزشها و معنویات افغان ها نیز تاثیرات بسیار بسیار منفی بر جای گذاشت.

انتخابات که از قبل توسط دست های خارجی در کشور مهندسی شده و دقیقا بر اجرای مراحل آن طبق محاسبهٔ زمانی، پلان گذاری شده و سپس به مرور زمان طبق خواستهٔ اشغالگران به اجرا در می آید و هرگز نه حضور ملت در اصل آن تغییر می آورد و نه به دلخواه ملت انجام می شود و نه کسی که لایق رهبری ملت با افتخار افغانستان باشد خود را کاندید می کند؛ هر آدم عاقل که با خود صغرای و کبرای کند در لحظه نتیجهٔ سلبیه را از آن به دست می آورد پس چنین انتخاباتی چگونه می تواند قابل اعتماد و باور ملت قرار بگیرد؟

تنها چیزیکه اشغالگران خارجی به بهانهٔ انتخابات آرزو دارند اینست که فقط در همان روز رای گیری چندین صف طولانی از صف ها جلوی دوربین رسانه ها برود و بس، باقی ترتیب امور را خودشان نه مطابق میل افغان ها بلکه طبق آجندا و منافع خاص خویش به پیش می برند؛ یعنی بیشتر از انتخابات استفادهٔ ابزاری در جهت مشروعیت بخشیدن به تداوم حضور نحس شان در کشور کرده و برای توجیه مشروعیت غیرقانونی خود در افغانستان یک بینی خمیری می سازند که این نیرنگ دشمنان اشغالگر و مزدوران آنها نیز لله الحمد در انتخابات ششم میزان رنگ باخت و طشت رسوایی شان و چند مزدور از بام افتاد.

حال که بر همه واضح و مبرهن گردید که در افغانستان کنونی هیچ مکر و حیلهٔ دشمنان در هر نام و عنوان نتیجه نمی دهد بهتر آنست که اشغالگران و مزدوران شان به باورهای عینی کشور تن داده و قبول کنند که هرگز نمایش نامه های مثل انتخابات در شرایط فعلی که فضای زمینی و هوایی در اختیار قدرتمندان دنیا قرار داشته و افغانستان از هیچ امتیاز استقلال بهره مند نیست، این موارد تکراری نمی توانند راه حل معضله شوند؛ اگر رسوایی های فنی و غیر فنی پسا انتخابات را در کنار تقلب، جعل و تزویر روز انتخابات و سر و صداهای تهدید و اعتراض آمیز کاندیدان پس و پیش از انتخابات را کنار هم گذاشت، این پروسه نه اینکه هیچگونه کمکی به وحدت ملی افغان ها، انسجام و یکپارچگی شان نکرده و به خیرشان نیانجامیده بلکه بیش از پیش تعصبات قومی و لسانی، تفرقه و دشمنی را در بین آحاد ملت دامن زده و مشکلات را بیشتر برجسته ساخته است.




ملا برادر آخند؛

رهبری برخاسته از میان حادثه ها!

نویسنده: قاری حبیب
ترجمه: محمود محمودی

ملا عبدالغنی برادر متولد قریه دیوان ورخ ولسوالی دهراوود ولایت ارزگان همان طالب دهاتی است که به عملیات های کوچک جهادی در ولایت خویش قناعتش نشد و برای شرکت در معرکه های گرم و آتشین جهادی به قندهار رفت، تا با رویارویی با نیروهای اشغالگر روسی تشنگی جهادی خویش را رفع کند. ملا عبدالغنی برادر مانند ملا محمد عمر، ملا نیک محمد و تعداد دیگر از جمله کسانی بود که عشق معرکه های آتشین آن را بعد از ارزگان به قندهار آورد و در آنجا شاهراه قندهار – هرات را به مقبرۀ تانگ های روسی مبدل ساخت.

ملا عبدالغنی در همان سالها به ملا برادر مشهور شد. او همراه با ملا محمد عمر مجاهد تا سقوط رژیم کمونستی جهاد کردند و پس از آن هر دو در منطقۀ سنگ حصار ولسوالی ژړی قندهار به درس و امامت پرداختند.

زمانیکه ملا محمد عمر مجاهد علیه تفنگ سالاران حرکت و به خاطر پایان دادن خشونت های تنظیمی به پا خواست، ملا برادر از جمله نزدیکترین دوستانش بود. در زمان حاکمیت طالبان هم ملا محمد عمر مجاهد به ملا برادر آخند وظایف مهم را می سپرد و در تحریک طالبان شخص دوم با نفوذ شناخته می شد.

بیایید به تماشای چند صحنه از زندگی ملا برادر آخند در هژده سال گذشته بنشینیم تا برای مان واضح گردد که این مرد سر بلند در مقابل کمره های آژانس های خبری جهانی در کنفرانس مسکو از میان کدام حادثه ها و واقعات کامیاب بیرون شده و با عزم فولادین خویش امواج کدام طوفان ها را شکسته است.

آخرین محافظ کندهار:

تقریبا تمام دنیا به فرمان جورج بوش علیه افغانستان به پا خواستند و بزرگترین ائتلاف نظامی - در طول تاریخ- علیه طالبان حمله نمود. طالبان غیور تا یک ماه مقاومت حیرت انگیز نمودند و پس از اینکه توسط بمباران و انداخت بمب های کیمیاوی و زهری قتل عام مسلمانان آغاز شد، طالبان مصلحتاً عقب نشینی نمودند. در جریان یک و نیم ماه خط جنگ تا قندهار رسید. تنها قندهار و بعض مناطق اطرافی باقی مانده بود، و درین وقت به فرمان مستقیم ملا محمد عمر مجاهد، مجاهدین شکست نا پذیر امثال ملا برادر از قندهار دفاع میکردند.

حینیکه بمباردمان اشغالگران به شدت ادامه داشت و کرزی با همکاری امریکایی ها شهر ترینکوت ارزگان را اشغال کرده بودند، درین وقت ملا محمد عمر مجاهد به ملا برادر فرمان داد تا به ترینکوت حمله نماید، ملا برادر مجاهدین را جمع نموده و به سوی ارزگان حرکت کرد. زمانیکه کرزی و کماندوهای سی آی ای کاروان ملا برادر را مشاهده کردند که با سرعت به سوی ترینکوت در حرکت است، از شدت وارخطایی از یک سو راه فرار در پیش گرفته و از طرف دیگر خواهان طیاره شدند تا کاروان ملا برادر را بمباران کنند. طیارات امریکایی ها در نزدیکی شهر ترینکوت کاروان ملا برادر را بمباران کرد، ده ها موتر تخریب و افراد سوار در آن شهید گردیدند. ملا برادر آخند از جملۀ انگشت شمار افراد بود که از آن بمبارد زنده بیرون شد و به قندهار بازگشت.

چند روز پس ازین بمباران، کرزی به همکاری امریکایی ها به شاولیکوت آمد. درین وقت قندهار در شرایط بدی قرار داشت. گل آغاز شیرزی از طرف جنوب و شرق خود را به حومۀ میدان هوای رسانیده بود. امریکایی ها به شکل موقت میدان هوایی را روی ریگ ساخته بودند و از آنجا بدون وقفه شهر قندهار را بمبارد می کردند. نیروی متجاوز تمام طاغوت های جهان در قندهار جمع شده بودند، ولی مردان با همتی مثل ملا محمد عمر مجاهد، ملا برادر آخند، ملا اخترمحمد عثمانی، ملا عبدالرزاق نافذ، ملا اخترمحمد منصور و ملا غلام نبی وجود داشتند و عزم متین شان قبول نکرد تا در مقابل کفر جهانی تنازل نموده و تفنگ

خویش را به زمین بگذارند. آنها آخرین زور خود را آزمودند و آخرین قطرات خون خویش را در راه الله نذر کردند. در چنین یک وضعیت جنگی طبعی است که حوصله کم و مورال متزلزل میشود، ملا برادر آخند راهی دیگری در پیش گرفت؛ وی به خاطر عقب راندن کرزی و امریکایی ها از راه شاولیکوت حرکت کرد ولی در جریان راه مورد حمله طیارات امریکایی ها قرار گرفت، بمبی به موترش اصابت کرد و خودش زخمی شد و قندهار باستان را در حالی ترک کرد که بدن زخمی و نا توانش توان اجرای فرمایشات عزم متینش را نداشت.

دست و پنجه نرم نمودن با امتحانات:

ملا برادر آخند پس از سقوط قندهار به منطقه خود در دهراوود رفت. مدتی در قریه خود دیوان ورخ مخفیانه زندگی نمود. ولی زمانیکه امریکایی از موجودیت وی آگاه شدند، دنبالش را گرفتند، ملا برادر آخند مجبور شد تا به ولسوالی چارچینو برود در بهار سال ۱۳۸۱ خورشیدی زمانیکه او در درهٔ کشی مخفیانه می زیست امریکایی ها جایش را کشف و بالایش حمله شبانه انجام دادند. در قریه هلیکوپترها پائین کرده شدند و عساکر امریکایی قریه را محاصره نمودند، اما ملا برادر آخند پس از تبادل آتش در حالی از منطقه بیرون شد که در قسمت ران وی مرمی اصابت کرده بود. درین حمله امریکایی ها پنج فرد ملکی را شهید و بیشتر از ۳۰ نفر را با خود بردند.

درین وقت امریکایی ها وی را به شدت تعقیب می کردند، برای دستگیری اش جایزه تعین نموده بودند و حتی از طیاره برای دستگیری وی اوراق تبلیغاتی می انداختند. ملا برادر در همین وقت به زمینداور هلمند رفت و در آنجا در قریهٔ (اذان) در مزرعهٔ یکی از دوستانش روی دشت مسکن گزید و خانواده اش را هم به آنجا انتقال داد.

در آن سالهای دشوار اشغال، ملا برادر آخند که به صفت فرد دوم طالبان شدیدا زیر تعقیب امریکایی ها بود، این وضعیت دشوار عزم جهادی اش را ضعیف نساخت، به شکل دوامدار با مجاهدین در ارتباط و مصروف تنظیم قیام جهادی علیه امریکایی ها بود. پس از گذراندن چند وقت در زمینداور هلمند، از آنجا به ولسوالی خاک سفید فراه رفت و مدتی درازی در آنجا گذراند، تا اینکه از طرف ملا محمد عمر مجاهد توسط یک پیام صوتی به حیث نائب وی انتخاب و همراه با ملا عبیدالله آخند مسئولیت فرمان جنگ بر خلاف امریکایی ها را به عهده گرفت.

ملا برادر آخند تا اوایل سال ۲۰۱۰ میلادی رهبری جنگ علیه امریکا را به عهده داشت. در زمستان سال ۲۰۱۰ وقتیکه امریکایی ها نظر به استراتیژی اوباما تعداد عساکر خویش را در افغانستان به حد اقل رسانیده و عملیات بزرگ مارجه را راه اندازی کردند، برای فشار چند جانبه علیه طالبان، ملا برادر به همکاری حکومت پاکستان دستگیر و زندانی شد.

دوره زندان ۹ ساله در پاکستان برای وی آزمون بزرگ دیگری بود که به کمک الله عزوجل از آن با سر فرازی بیرون شد. رژیم کابل، امریکا و حکومت پاکستان باربار کوشش نمودند تا وی را به خاطر بر آورده شدن اهداف شوم خویش استعمال کنند، ولی با آوردن فشار ها و تهدید ها به این هدف خود نرسیدند. تا اینکه به برکت قربانی مجاهدین حالا به اینجا کشانید که امریکا راه فرار در پیش گرفته و برای خروج خویش مذاکرات با طالبان را بهانه قرار داد و در جریان مذاکره ملا برادر آخند از زندان رها شد.

در کنفرانس مسکو:

امروز ملا برادر اخند در کنفرانس مسکو اشتراک می کند، و درین کنفرانس حامد کرزی، عطامحمد نور، پاچا خان زدران و عده دیگری هم آمده اند که از تهاجم امریکا دفاع و نقش شاه شجاع را در همکاری با قوت های اشغالگر انجام دادند. هژده سال قبل این اشخاص، که اکثر شان سابقهٔ جهادی دارند به جای الله عزوجل به امریکا تکیه کردند. وعدهٔ همکاری و نصرت رب متعال را فراموش و از فرعونیت بوش و بلیر مرعوب گشتند. ولی بر خلاف آنها ایمان داران امثال ملا برادر آخند به رسن الله عزوجل چنگ زدند و آنرا محکم گرفتند. هر نوع سختی را تحمل و با هر قسم مشکلات تن دادند، جان، مال و خانوادهٔ خویش را به خطر انداختند ولی آن ریسمان محکم الهی را رها نکردند و الله عزوجل برای شان در بدل این استقامت عزت دنیوی و منزلت نصیب گردانید.

امروز در مسکو خبرنگاران به کرزی و عطانور گوش نمی دهند بلکه تشنه به سخنان ملا برادر آخند هستند، پشت وی با کمره ها و مایک های خود می دوند. ملا برادر آخند منحیث یک شخصیت ربانی نه تنها اینکه سمبول قهرمانی ملت افغان است بلکه الهام بخش آزادی، رشادت، سربلندی و عزت به ملت های است که از امریکا می ترسند و از هیبتش می لرزند.

از الله عزوجل استدعا داریم که این سمبول وقار و سربلندی را در موقف حقش استقامت بیشتر نصیب کند و در حفظ و امان خویش نگه اش بدارد!

آمین یا رب العلمین



طالبان برنده در آزمون ها ...!

محمود احمد نوید

در دو دهه اشغال افغانستان مردم افغانستان و به ویژه آزاد مردان طالب، تنها نیروی بود که در تمام آزمون ها آزموده شد چنان آزمون های که بسیاری ها دشوار فکر کرده و تسلیم شدن در برابر آن آزمون ها را از مقابله با آنها ترجیح دادند، چنان آزمون های که غیرت می خواست، شجاعت، درایت و استقامت می خواست، ایستادگی و صلابت می خواست، مردانگی و ایثار می خواست، در برابر همه آن آزمون ها قرار گرفت اما تعدادی اندک دوام آورد و همان اندک دوام آورده امروز افتخار ملت افغان گردیده اند، هر جای که نام شان برده می شود دوست و دشمن بر آنها غبطه می خورد.

آری از ابتدای اشغال افغانستان توسط امریکا در سال ۲۰۰۱ تا اکنون چه آزمون های سخت که نبود و در راه طالبان قرار گرفت، از وعده و وعید گرفته تا هجرت و تبعید، از زندان های و سیاه چال ها گرفته تا در بند گوانتانامو و صدها زندان مخوف و شکنجه گاه های مخفی و ترسناک دشمنان، در همه جا طالبان افکنده شدند از هر دری وارد شدند تا این جماعت را تسلیم خواسته های شان کنند اما که نتوانستند و در عوض چنان دشمنان شان خوار و ذلیل گردید که نظیر نداشت.

طالب را وعده های پیسه های هنگفت دادند، قصرهای مجلل، موترهای آخرین سیستم و ...، طالب را شکنجه های بسیار نمودند، عذاب دادند و سخت ترین شکنجه ها را نمودند ...، طالب را تبعید کردند به دور دست ها، از فرزند و عیال و دوستان و عزیزانش جدا کردند اما ... اما طالب لحظه تسلیم خواسته های دشمنان خود نگردید و یک قدم از مسیر پرعزت خود بر نگشت و گاهی بر آنهمه مصیبت آخ نکشید و همواره با پیشانی باز به استقبال دردها و غم ها رفت و گفت توکلت علی الله فهو حسیب من توکلم بر خدای پاک است و او مرا بس است.

آنچه که از طالب، پیکری از فولاد ساخت که در برابر تراشه های تیز زخمی نشده و در حمل کوه های غم زانو نزده و در برابر دنیایی از دشمن عقب ننشست او

یگانه مرواریدی بود که هر انسان نمی تواند صاحبش شود اما طالب شد آن مروارید گرانبها ایمان بود بله طالب چون ایمان داشت هیچ چیز را جز خدای یکتا و رضامندی اش را نمی دید در همه جا خیر و شر خود را در میزان رضایت حق می نگریست اگر خالق یکتا راضی بود در بدترین شکنجه ها خوشحال بود و اگر خالق بی نیاز ناراضی بود در بهترین و خوش ترین حالت ها، طالب هرگز احساس راحتی نمی کرد این چیز بود که طالب را از دیگران جدا کرد.

آن عامل ترقی طالب، ایمان، استقامت و عمل صالح اش بود او بر گفته های خود صادق و عامل بود آنچه وعده می کرد عمل کرده و هر سختی را برای رضای خدا تحمل می نمود، تسلیم هیچ دشمنی نگردیده و تا لحظه آخر و تا زمانی که جان در بدن داشت و نفس در روح، مثل شیر ژیان به سراغ مشکلات رفته و همه را در می نوردید هیچ چیز نمی توانست طالب را از راهی که انتخاب کرده برگرداند و همه چیز هر چند که بسیار سعی و تلاش می کرد بالاخره تسلیم عزم راسخ طالب می شد و چنان در پیش طالب کم می آورد که هر شاهد حال شگفت زده می گردید.

طالب مرد دنیا نبود، بلکه دنبال آخرت بود و رضامندی الله متعال را از هرچیز ترجیح می داد، نه اینکه اهل و عیال اش را دوست نداشته باشد و فرزندان دلبندش را نخواهد و جدایی و دوری آنها بر قلب پاک طالب سنگینی نکند نه اینطور نبود بلکه با وجود همه احساسات و عواطف انسانی، طالب به همه پشت می کرد تا از هدف اصلی اش غافل نشود هدفی که بخاطر آن خلق شده و رسالت داده شده بود، او می دانست همه مظاهر فریبندهٔ دنیا دست به یکی کرده و او را به تشویش می اندازد تا از مبارزه و قربانی دست بکشد اما طالب یک تنه در برابر همه می ایستاد همه را جواب گفته و به همه چیز جز آنچه سبب رضامندی الله متعال می شد نه گفته و فقط مسیری را می پیمود که آخرش منتهی به الله پاک می شد حالا هر چند که آن مسیر سخت بود، خار داشت، درد داشت، اذیت می کرد و تحمل را می برید؛ اما طالب با توکل محض بر ذات الله متعال همه آن سختی ها را برداشت می کرد و فقط الله را طلب کرده و رضامندی او را انتظار کشیده و آرزو داشت.

و این چیزها بود که خلاصه طالب را در هر آزمون برنده اعلان کرد و نامش را جاویدان و راهش را پر رهرو گردانید اکنون کمتر کسی از نام طالب می ترسد و یا به نام طالب افتخار نمی کند بلکه هر انسان با احساس و هر مسلمان با غیرت وقتی نام طالب در پیشش برده می شود به آن افتخار ورزیده و شکر گذار خداست که در امتی است که طالب بخشی از آن امت است.

>> آری از ابتدای اشغال افغانستان توسط امریکا در سال ۲۰۰۱ تا اکنون چه آزمون های سخت که نبود و در راه طالبان قرار گرفت، از وعده و وعید گرفته تا هجرت و تبعید، از زندان های و سیاه چال ها گرفته تا در بند گوانتانامو و صدها زندان مخوف و شکنجه گاه های مخفی و ترسناک دشمنان، در همه جا طالبان افکنده شدند از هر دری وارد شدند تا این جماعت را تسلیم خواسته های شان کنند اما که نتوانستند و در عوض چنان دشمنان شان خوار و ذلیل گردید که نظیر نداشت.

***

>> طالب مرد دنیا نبود، بلکه دنبال آخرت بود و رضامندی الله متعال را از هرچیز ترجیح می داد، نه اینکه اهل و عیال اش را دوست نداشته باشد و فرزندان دلبندش را نخواهد و جدایی و دوری آنها بر قلب پاک طالب سنگینی نکند نه اینطور نبود بلکه با وجود همه احساسات و عواطف انسانی، طالب به همه پشت می کرد تا از هدف اصلی اش غافل نشود.

گفتگوی ویژهٔ مجلهٔ حقیقت با

محترم مولوی احمدالله وثیق صاحب

معاون کمسیون فرهنگی
امارت اسلامی افغانستان

ترتیب: ابو اُسوه حقانی

اشاره:
از آنجا که ششمین سالنامهٔ مجله حقیقت را داشتیم و به دنبال یک گفتگوی داغ و صمیمی برای خوانندگان عزیز خود بودیم فرصتی دست داد تا با یک تن از مسئولین ارشد ادارهٔ تکلیف کش و خدمت گذار امور فرهنگی امارت اسلامی و خدمت های ارزشمند این اداره که ترجمانی قربانی های جهاد مقدس فعلی را بر دوش دارد گفتگوی ویژه ترتیب داده و از فعالیت های فرهنگی بیشتر در جریان قرار گرفته و با این اداره بیشتر آشنا گردیدم که از حُسن اتفاق معاون کمسیون فرهنگی جناب محترم وثیق صاحب چندی پیش سفری به دوحه قطر و در معیت معاونت سیاسی امارت اسلامی محترم ملا برادر آخند (حفظه اللّه) سفر چند روزه رسمی به کشور چین داشته که وزن و تنوع این گفتگو را جالب و خواندنی تر کرد.

ادارهٔ مجله:
مولوی صاحب محترم ابتداء اگر بطور خلاصه فعالیت های مهم کمسیون فرهنگی را به خوانندگان عزیز ما تشریح کنید؟

وثیق صاحب:
بسم الله الرحمن الرحیم - الحمدلله و کفی و الصلوٰه والسلام علی نبیه المصطفی. اما بعد: اول بسیار تشکر از شما که فرصت گفتگو با مجله وزین حقیقت را فراهم کردید که از طریق مجله شما صدای خود را به ملت عزیز خود و جهانیان رسانیده و نسبت به فعالیت های کمسیون فرهنگی امارت اسلامی معلومات مختصری را با خوانندگان شما شریک بسازم.

در جواب سوال شما باید عرض کنم همانگونه که شما هم مستحضر هستید در وقت فعلی جنگ سرد یا به اصطلاح جنگ تبلیغاتی امروزه در تمام دنیا به مهمترین جنگ تبدیل شده است و هر نظام مثلیکه به سایر قوا (مقننه، مجریه و قضائیه) اشد ضرورت دارد چهارمین قوه و یا نیرو قوت رسانه و تبلیغات است که یک نظام به آن بسیار ضرورت دارد، بر همین اساس امارت اسلامی افغانستان نیز حسب ضرورت به کمسیون امور فرهنگی و بخش تبلیغاتی توجه خاص نموده و تشکیلات مهم در این زمینه دارد، و از طریق آن صدای مظلومیت ملت خویش را به دنیا منعکس کرده و از طرق مختلف قربانی های

جهاد را به ملت خود و دنیا به شکل لازم ترجمانی می کند.
وحشت های اشغالگران را به طور وسیع پوشش داده و از جنایات دشمن پرده بر می دارد، مظلومیت ملت افغان در برابر تهاجم خارجی را به طور گسترده یادآوری می کند و در این باره نهایت سعی و تلاش خود را می نماید تا حدالامکان از جهاد مقدس جاری و قربانی فعلی بهترین انعکاس را داشته باشد.
کمسیون فرهنگی تشکیلات وسیع دارد که بنده عجالتا به مهم ترین آنها اشاره می کنم:

ریاست کمسیون

رهبری کمسیون از سه تن (رئیس و دو معاون وی) تشکیل شده که تمام بخش ها و کارهای کمیسیون را زیرسرپرستی و مراقبت دارند.

سخنگویان امارت اسلامی

امارت اسلامی دو سخنگوی رسمی دارد که در چهارچوب کمسیون فرهنگی فعالیت می نمایند، و روزانه تمام حالات و جریانات و اتفاقات خبری روز را به شکل وسیع به رسانه های داخلی و خارجی مخابره می کنند، محترم ذبیح الله مجاهد صاحب و محترم قاری یوسف احمدی صاحب دو تن سخنگویان رسمی امارت اسلامی هستند که قضایای مهم و معلومات درباره موضوعات مختلف، موقف رسمی امارت اسلامی را بیان کرده، و در صورت ضرورت با رسانه های مختلف مصاحبه کرده، و اخبار و رویدادهای کشور را جمع آوری، توثیق و نشر می کنند.
در زیر مجموعه این سخنگویان رسمی، در ۳۴ ولایت کشور خبرنگاران رسمی امارت اسلامی است که روزانه اخبار و جریانات را به سخنگویان امارت اسلامی راپور داده و آنها پس از بررسی های لازم خبر را منتشر می سازند.
سخنگویان رسمی علاوه بر این تمام روز با رسانه های مهم و مطرح کشور در تماس بوده و به پرسش های خبری آنها پاسخ می دهند که در این باره خود رسانه ها اعتراف دارند که همیشه هرگاه ضرورت شود به سخنگویان رسمی امارت اسلامی دسترسی دارند.

ویب سایت الاماره

سایت الاماره یکی از سایت های فعال خبری است که روزانه رویداهای خبری و صدها مورد دیگر را نشر و انعکاس می دهد، ویبسایت الاماره یگانه آدرس رسمی و مرجع معتبر خبری امارت اسلامی است که موقف رسمی امارت اسلامی را در قضایای مختلف انعکاس می دهد، ویبسایت الاماره به پنج زبان زنده دنیا (پشتو، فارسی، عربی، انگلیسی و اردو) ۲۴ ساعته فعالیت آنلاین دارد و ده ها مجموعه خبری را پوشش می دهد.
در کنار سایت خبری، تحلیلی الاماره، سایت سمعی و بصری است که ویدیوهای مختلف از صحنه های جهادی را بازتاب می دهد و از جریانات و رویدادهای جنگی، سیاسی، تعلیمی و دعوتی فیلم ها و ویدیوهای جالب و دیدنی ساخته و انعکاس می دهند.
در کنار آن، سایت سمعی و ترانه های صوتی و جهادی است و همچنین تقاریر علماء و مشایخ کرام که در موضوعات مختلف جمع آوری شده و همچنین رادیو صدای شریعت است که از طریق انترنت بطور آنلاین در ۲۴ ساعت را می توان شنید.
سایت اسلام، سایت مهم است که راجع به احکامات مهم دین مبین اسلام معلومات علمی بسیار خوبی را ذخیره کرده و در اختیار علاقه مندان قرار داده است در آن سایت از تمام احکام و سوال و جواب های شرعی می توان استفاده کرد و ده ها موضوع علمی و فقهی در آنجا جمع آوری گردیده است.
نیز درس قرآن و درس حدیث در آن سایت بطور مسلسل از علمای زبده کشور گنجانده شده است.
سایت مجله الصمود است که به زبان عربی نشرات داشته و مقالات مجله الصمود و سایر مطالب مهم عربی را بازنشر می کنند.

بخش سمعی و بصری

یکی از فعالیت های عمده کمسیون فرهنگی قسمت سمعی و بصری است که در آن تشکیلات وسیع وجود دارد، صحنه های جنگی را به شکل

ویدیویی به دست آورده و به صورت فیلم ها و کلیپ های مختصر و طولانی توسط گروه تخنیکی جور شده و در اختیار علاقه مندان قرار می گیرد، استدیوهای مهم الاماره مثل الاماره، منبع الجهاد، و الهجره و ... سایر استدیوها فیلم های بسیار با کیفیت از عملیات های نظامی، تعلیمی و دعوتی جور کرده و در اندازهای مختلف در اختیار علاقه مندان قرار می دهند.

در قسمت فعالیت های سمعی و بصری یکی رادیوی صدای شریعت را داریم که هم اکنون نزدیک به چهارساعت به دو زبان پشتو و دری نشرات داشته و در بعضی ولایت های کشور از طریق استیشن های رادیویی مورد استفاده مردم عزیز ما قرار می گیرد.

امارت اسلامی سالانه تقاریر صوتی، فلم های متنوع بصری و سایر مواد مفید نشراتی را در قالب میموری (هشت جی بی) و یا فلش به تعداد زیاد ثبت کرده و در اختیار والی صاحبان و سایر مسئولین نظامی از طریق حلقه های فرهنگی خود قرار داده و در حد گسترده توزیعات دارند که خوشبختانه این مورد با استقبال گرم مردم نیز مواجه شده است.

مجله ها و مطبوعات

از دگر فعالیت های کمسیون فرهنگی ارایه مطبوعات و چاپ مجلات است امارت اسلامی ٦ مجلۀ رسمی دارد که هر کدام در وقت اش چاپ و در اختیار علاقه مندان قرار می گیرد؛ مجله های امارت اسلامی عبارت از: خرک، شهامت، مورچل، حقیقت، شریعت و الصمود است که به وقت خود چاپ شده و موضوعات مهم سیاسی و تحولات مهم جاری را در قالب خبر، مقاله، تبصره سیاسی و گلبن های ادبی بازتاب می دهند.

در این شرایط حساس و انقلابی واقعا چلاندن شش مجله آن هم به زبان های مختلف با امکانات اندک و محدود و پرسونل بسیار کم واقعا یک کار مهم است که دوستان ما در بخش مجله زحمت و خواری کشیده و به کار خود بی وقفه ادامه داده و فعالیت دارند.

ادارۀ تاریخ، تالیف و ترجمه

همچنین ادارۀ تاریخ، تالیف و ترجمه را داریم که هم اکنون در هر سه ماه یک کتاب نو را در موضوعات جالب و مختلف به زبان پشتو و دری به چاپ داده و ارایه می کنند و در کنار چاپ کتاب ها، برادران زحمتکش ما در امور چاپ، رساله های علمی دگر، جنتری ها، بیرق ها و پیغام های مناسبتی و عیدی را چاپ و نشر کرده و در اختیار علاقه مندان قرار می دهد.

سایر اداره ها نیز، اداره چاپ و توزیع که در بخش خود بسیار اخلاص کرده زحمت می کشند، اداره ترانه خوانی و استعدادیابی شعر و شاعری است که هر چند وقت یکبار دایر گردیده و برای شاعران و ترانه خوان های جهادی محفل ادبی برگزار می نماید و ... از دیگر فعالیت های مهم کمسیون فرهنگی است که می توان نام برد.

ادارۀ مجله:

در چند ولایت کشور نسبتا فعالیت های فرهنگی فعال تر است و دلیل اش را در چه می دانید؟

وثیق صاحب:

در تمام ولایت های کشور الحمدلله نماینده های فرهنگی ما بسیار فعال استند و یکسان خدمت می کنند، در هر ولایت ما نماینده مطبوعاتی داریم و نماینده های مطبوعاتی باز در هر ولسوالی از خود یک آتشۀ فعال دارد و در جمع آوری اخبار و رویدادهای مهم نظامی، تعلیمی و دعوتی به همدگر کمک کرده و فعالیت های روزمرۀ خود را با دفتر سخنگویان رسمی امارت اسلامی شریک می سازند. منتها نسبت به شرایط نظامی در کدام ولایت های که ساحات مفتوحه زیاد باشد و یا مجاهدین نظامی فعالیت بیشتر داشته باشند طبعا نماینده های مطبوعاتی ما نیز فعال تر می باشند، و تمام پیشروی های مجاهدین را پوشش می دهند.

البته لازم به ذکر است که ما چهار حلقه فرهنگی در ولایات مختلف کشور داریم، حلقه های فرهنگی از خود دفتر و تشکیلات دارند مسئولین حلقه ها از طریق نماینده های مطبوعاتی تمام

جریانات روز کشور را تعقیب می کنند، مسئولین حلقه ها در صورت ضرورت و تشدید فعالیت های نظامی، افراد مطبوعاتی زیادتر به ساحات جنگی می فرستند تا بهتر اوضاع را پوشش خبری بدهند.
فکر میکنم دلیل فعالیت بهتر در برخی ولایت شرایط امنیتی و پیشرفت های نظامی باشد و گرنه تمام نماینده های ما به طور یکسان در خدمت اطلاع رسانی از اوضاع کشور با ارایهٔ اخبار دقیق قرار دارند.

ادارهٔ مجله:
کمسیون فرهنگی رابطه اش با سایر اداره های امارت اسلامی چگونه است مثلا با کمسیون سیاسی، تعلیم و تربیه، جلب و جذب و ...؟
وثیق صاحب:
همانگونه که مستحضر هستید در هر نظام چقدر که هماهنگی بین تشکیلات مختلف آن نظام باشد همان قدر آن نظام موفق خواهد بود و چقدر انسجام بین تشکیلات و اداره های گوناگون صورت بگیرد همان قدر کارها بهتر به پیش خواهند رفت و از آنجا که کمسیون فرهنگی منعکس کنندهٔ صدای تمام اداره های امارت اسلامی و کمسیون ها است لذا ارتباط یک چیز مهم و طبعا ضروری است؛ ما الحمدلله به شمول کمسیون سیاسی با تمام کمسیون ها اعم از نظامی، جلب و جذب، تعلیم و تربیه، تحصیلات عالی و ... ارتباطات قوی و خوب داریم و همیشه بیانیه ها، پیام ها، و مواضع آن اداره ها راجع به مسائل مربوطه شان را از طریق ویبسایت الاماره و استدیوهای جهادی و غیره انعکاس می دهیم.
مثلا راپورهای ماهانهٔ کمسیون جلب و جذب را همیشه به سر وقت منتشر می کنیم، پیام های رسمی تعلیم و تربیه و سایر اداره های امارت اسلامی را انعکاس می دهیم؛ و بخاطر بهبود روابط هر چند وقت یکبار بین کمسیون های تعلیم و تربیه، جلب و جذب، تلفات ملکی و ... نشست های مختلف برگزار کرده و در مورد راه های روابط بهتر و تقویت ارتباطات با همدیگر بحث و تبادله نظر می کنیم.

ادارهٔ مجله:
در انتقال و توزیع مواد فرهنگی به نقاط مختلف کشور اگر کمی معلومات به خوانندگان ما بدهید که به چه ترتیب است و همکاری والی صاحبان و سایر مسئولین با شما چگونه بوده و چه گفتنی در این باره دارید؟
وثیق صاحب:
چنانچه قبلا اشاره گردید ما در تمام کشور چهار حلقه فرهنگی داریم و کوشش می کنیم در وقت ضرورت هنوز هم حلقه های فرهنگی خود را گسترش بدهیم و هر حلقه از خود دفتر و تشکیلات دارد، هرگاه از دفتر مرکزی کمسیون فرهنگی مواد به دفاتر حلقه های فرهنگی برسد باز آنها در مورد توزیع و نشر آن به ولایت های مربوطهٔ خود اقدام می کنند، و بسیاری از مواد فرهنگی را خود دفاتر حلقه نیز چاپ و نشر می کنند، مثل بعضی مجله ها، پیغام های عیدی رهبری و سایر اطلاعنامه های ضروری.
سپس به نام والیان یا معاونین شان به هر ولایت مکتوب نوشته می شود که فلان مواد به شما رسیده در توزیع آن همکاری فرمائید و جا دارد ما در اینجا از والی صاحبان و سایر مسئولین نظامی خود تشکر کنیم که در این باره با نماینده های مطبوعاتی ما همکاری کرده و همین طور آرزو داریم که همکاری بیشتر داشته باشد تا این مواد که قربانی ملت و مجاهدین ما در آنجا گنجانده شده بهتر به مردم عزیز ما برسد.
بعضی وقت این طور هم شده که از طرف دفاتر حلقه ها و یا دفتر مرکزی کمسیون فرهنگی تعدادی از برادران را به تشکیل فرستاده و در سیاحت علمی و گشت و گذار در ساحات مجاهدین مواد را در جاهای مورد نیاز می رسانند.
باز هم از والی صاحبان، معاونین شان و روسای کمسیون ها آرزو داریم که با نماینده های مطبوعاتی در توزیع همکاری بفرمایند چرا که این خانه مشترک ماست و چقدر که اهداف مشترک ما به ملت برسد همان قدر سبب خوش نامی و کامیابی ما می شود.

ادارهٔ مجله:

از مسایل فرهنگی که بگذریم از طریق رسانه ها دریافتیم شما سفری به دوحه قطر و سپس سفر رسمی به کشور چین داشتید اگر در این مورد معلوماتی داده شود و اینکه در این سفرها چه اهدافی را تعقیب کردید؟

وثیق صاحب:

بله، همانگونه که شما مستحضر هستید پس از چندین ماه متوالی مذاکره و گفتگوی تیم مذاکراتی امارت اسلامی با طرف امریکایی، و پس از نه بار مذاکرات مستقیم، که بزرگان سیاسی امارت اسلامی بسیار تکلیف کشیده و شب و روزهای زیاد با امریکایی ها بر موضوعات مختلف مخصوصا بر ختم اشغال، و عدم استفاده از خاک افغاستان به تاوان هیچ جهت بیرونی، زحمت های زیاد کشیده شده بود و بالاخره تمام جهت ها به موافقه رسیدند که مسودهٔ موافقت نامه را امضاء و دستخط کنند ، از آنجا که آن نشست مهم بود و باید تمام لحظه های آن ثبت می شد، از کمسیون فرهنگی نیز دعوت شد چند نفری به دوحه (پایتخت کشور قطر) سفر کرده و در آن مجلس اشتراک کرده و با کامره و یادداشت قلمی آن روز را ثبت کنند؛ اما بعد از توئیت ترامپ، که کل مذاکره لغو و مراسم نهایی مذاکرات کنسل شد، ما با استفاده از فرصت در دوحه با بسیاری از اعضای ارشد تیم مذاکراتی ملاقات و مجلس ها داشتیم که مشکلات عمومی مجاهدین و فعالیت های کمسیون فرهنگی و سایر اداره ها را به تفصیل با بزرگان دفتر سیاسی بالخصوص محترم ملا برادر آخند - حفظه الله - رئیس دفتر سیاسی و معاون سیاسی امارت اسلامی شریک نمودیم. سپس محترم ملا صاحب حفظه الله برای ما گفت تا در سفر چین ایشان را همراهی کنیم و در آنجا نیز بسیار یک سفر پر دستاورد داشتیم و در ضمن مباحث سیاسی که محترم ملاصاحب حفظه الله و هئیت همراه شان نظر به شرایط سیاسی گفتگو نمودند ما نیز با استفاده از فرصت درباره فعالیت های فرهنگی کمسیون فرهنگی با مقامات ارشد چینی گفتگو کردیم.

ادارهٔ مجله:

از ملاصاحب بگویید ملا برادر آخند، در معیت شان چه احساسی داشته و اینکه مقامات کشورهای خارجی با ایشان چگونه برخورد داشته و برای شما چه چیز از همه بیشتر جالب بود؟

وثیق صاحب:

تشکر از شما (با لبخند) یک گپ در دل ما بود که در بارهٔ محترم ملاصاحب ملا برادر آخند چیزی بگویم که خوشبختانه شما سوال کردید، واقعیت اش را بگویم در چند روز که ما در معیت محترم ملاصاحب ملا برادر آخند - حفظه الله - بودیم ایشان را یک شخصیت لایق، مدیر، مدبر، متین، و صاحب صفات نیک یافتیم، ملاصاحب الحمدلله



بسیار زیرک، با تدبیر و درایت و بسیار پرکار است، بیشتر اوقات در دفتر سیاسی حضور دارد و با جهت های مختلف و اعضای تیم مذاکراتی دیدار و گفتگو می کند، اگر مسایل مذاکره باشد در مورد آن و اگر نباشد در مورد آیندهٔ افغانستان و نظام اسلامی با دوستان گفتگو می کند، و با جهت های سیاسی و شخصیت های دلسوز و غمخور کشور گاه گاه ملاقات ها داشته و همه را با پیشانی باز و خوشرویی استقبال می کند. در سفر به چین، الحمدلله ملاصاحب را مقامات ارشد کشور چین بسیار در انداز قوی دیپلوماتیک استقبال کردند، وقتی طیارهٔ ما در بیجینگ

(پایتخت کشور چین) بر زمین نشست
در میدان هوایی بین المللی بیجینگ مقامات ارشد وزارت خارجهٔ چین به استقبال ملاصاحب و هئیت همراه آمده بودند، احضارات درجه یک در شهر گرفته بودند و با هشت یا ده موتر بنز ملاصاحب را همراهی کرده در شهر در بسیاری سرک ها، پولیس ترافیک، راه را بر روی کاروان ملاصاحب خلوت کرده و یک استقبال شاندار از ایشان به عمل آوردند که اگر خلاصه بگویم مثل یک رئیس جمهور از ایشان پذیرایی کردند.
چیزی که برای من در سفر چین خیلی جالب بود آن لحظه به یادم آمد که روزگاری بعد از آنکه امریکایی ها کشور ما (افغانستان) را اشغال کرد و نظام ما از شهرها بیرون شد همه می گفتند دگر هیچ وقت طالب سر بلند نخواهد کرد و نام طالب در هر جا جرم بود و کسی از ترس، نام طالب را گرفته نمی توانست؛ اما آن روز برایم بسیار جالب بود که یکی از کشورهای قدرتمند و سوپر طاقت منطقه «چین» در یک مراسم بسیار با شکوه از محترم ملاصاحب و هئیت همراه پذیرایی می کرد این همه به برکت خون و قربانی ملت مظلوم و مجاهدین غیور ما بود که کشور مهم مثل چین آنگونه به ما احترام می گرفت.
و نکتهٔ دگر که خیلی مهم است از ملاصاحب، اینکه ایشان بسیار غم ملت خود را می خورد، وقتی ترامپ مذاکرات را لغو کرد ما و جناب ایمل صاحب در یک ملاقات خصوصی با ایشان نشسته بودیم که ملا صاحب گفت این لغو مذاکرات هیچ جای تشویش نیست چون ملت ما شجاع است و از جنگ هرگز نمی ترسد اما چیزی که ناگوار است و مرا آزار می دهد اینست که دشمنان ما بسیار بی رحم هستند ملت ما را شب و روز بمباران می کنند و بر خورد و کلان و زن و مرد رحم ندارد و مراسم خوشی و غم ما را با بی رحمی بمباران کرده و مرتکب جنایت می شوند این چیز مرا آزار می داد و خیلی خوشحال می شدم اگر مذاکرات نتیجه می داد چون ملت مظلوم ما مقداری از رنج و مصیبت خلاص می شد و بسیار خوش داشتم ملت خود را خوشحال ببینم، البته اکنون نیز تلاش خواهیم کرد تا از هر طریق ممکن معضلهٔ خونین کشور را حل کنیم. ان شاء الله تعالی

ادارهٔ مجله:
و اگر از کشور چین خاطره جالب دارید خوش می شویم با خوانندگان ما شریک کنید؟

وثیق صاحب:
خاطره ها در آن سفر بسیار بود اما یک خاطره که برای ما نیز جالب بود اینست که در شهر «شانگهای» چین وقتی کنار یک آبادی و تعمیر بزرگ ایستاده بودیم من به ملاصاحب نزدیک شدم و گفتم ملاصاحب این مردم بسیار پیشرفت نکرده اند؟ ایشان سرش را تکان داده و گفت بلی واقعا، گفتم کاشکی ما هم بتوانیم روزی کشور خود را اینگونه آباد کنیم، محترم ملاصاحب با بسیار دلسوزی گفتند بلی واقعا، حداقل هیچ نشود همان تسهیلات اولیه مثل برق، گاز و سرک ها، شفاخانه ها، مکاتب و سایر سهولت های اولیه و عام المنفعه را برای ملت مظلوم ما فراهم شود هم بسیار مهم است.

ادارهٔ مجله:
تقاضای مردم ما به رسانه های صوتی و تصویری زیاد است اگر بفرمائید برای راه اندازی فعالیت های سمعی و بصری چه اقدامات مهم تا حالا شده و در آینده چه پروگرامهایی را روی دست دارید؟

وثیق صاحب:
در این باره ما بسیار تلاش کرده و می کنیم تا از طریق سمعی و بصری تمام فعالیت های جهادی خود را با کیفیت خوب و عالی به ملت خود انعکاس بدهیم، از همین خاطر در تشکیلات کمسیون فرهنگی، ادارهٔ سمعی و بصری یک ادارهٔ بسیار وسیع است و تشکیلات و پرسونل و امکانات بسیار برای شان فراهم کرده و باز هم تلاش می کنیم فراهم شود چرا که هر قدر بتوانیم از طریق سمعی و بصری به ملت خود و به جهان صدای مظلومیت خود را انعکاس

بدهیم همان قدر برای ما سبب خوشحالی و موفقیت است.
در بخش سمعی ما اصدارات صوتی داریم، تقاریر علماء و مشایخ را ثبت کرده و همچنین ترانه های حماسی و نعت های حماسی شاعران و ترانه خوان ها را بازتاب می دهیم. در این بخش همچنین رادیو صدای شریعت را داریم که هم اکنون در بسیاری از ولایت های کشور روزانه نزدیک به چهار ساعت نشرات دارد و اخبار یومیه و جریانات روز را در دو زبان پشتو و فارسی انعکاس می دهد که باز هم تلاش می کنیم استیشن های قوی تر پیدا کرده و در جهت ترقی کار هنوز هم بیشتر خدمت رسانی کنیم.
در بخش بصری و ویدیویی ما در کنار سه ستدیوی فعال خود (الاماره، منبع الجهاد و الهجره) دگر استدیوها نیز داشته و تمام تلاش ما بر اینست که فلم های با کیفیت و مخاطب پسند ترتیب داده و با کامره های پیشرفته و روز ثبت، و در اختیار علاقه مندان خود قرار دهیم.
برادران مسئول و دوستان را به ساحات مختلف نظامی، تعلیمی و دعوتی خود فرستاده و از آنجا مصاحبه های صوتی، تصویری و نوشتاری را ترتیب داده و می دهیم.
نیز از طریق سوشل میدیا الحمدلله ضمن آنکه سخنگویان رسمی ما در صفحات اجتماعی بالخصوص در تویتر فعال هستند بسیاری از مبارزین اسلام خواه ما نیز در صفحات اجتماعی (تویتر، فیسبوک، تلگرام، واتساپ، یوتیوب، انستاگرام و ...) فعال اند و به زبان های زنده بسیار خوب نشرات دارند و ما هماهنگی را تا حدود زیاد بین گروپ ها و اکاونت های مختلف ایجاد کرده و باز هم در تلاش استیم که ایجاد کنیم، و در این باره بار بار خود دشمن نیز اعتراف کرده که طالبان در بخش تبلیغات از ما پیش است.
سخنگویان ما ۲۴ ساعته آنلاین هستند و در این باره دشمن خود اعتراف دارد، (خدا کند خسته نشده باشید من برای شما یک چیز بیان کنم که چند وقت پیش) یکی از رسانه های دشمن گفت که طالبان در مدت کم پس از اینکه خبری را در سایت خود نشر می کنند انعکاس خبر آنها در ظرف مدت ۲۲ یا ۲۵ دقیقه از بس هماهنگ فعالیت دارند در سرخط خبرهای مهم رسانه های جهان قرار می گیرد.
و چند وقت پیش وقتی از یک تن از مقامات رژیم کابل پرسیده شد که طالبان چرا در بخش تبلیغاتی از شما پیش است وی گفته بود که تشکیلات شان زیاد است و در حدود ۲۲۰۰ نفر پرسونل دارند حالانکه این تعداد نیست اما از بس دوستان و همکاران ما هماهنگ و با اخلاص فعالیت دارند در چشم دشمن فعالیت ما بسیار کلان و گسترده معلوم می شود، و به راستی که کامیابی همان است که دشمن خود اعتراف کند؛ «الفضل ما شهدت به الاعداء».

ادارهٔ مجله:

این یک مصاحبه اختصاصی از طرف مجله حقیقت به مناسبت سالنامه ششم آن است شما در ارتباط به مطبوعات و مجله های امارت اسلامی چه نظر داشته و اگر برای ادارهٔ مجله حقیقت و خوانندگان آن کدام پیغام خاص دارید استفاده می کنیم؟

وثیق صاحب:

بسیار خوشحال استم که ششمین سالنامهٔ مجلهٔ وزین حقیقت را پیش رو داریم، یقینا جای بسی افتخار است که در زبان دری این مجله را داریم، ما از کار ادارهٔ مجله و همکاران بسیار خوش استیم که مجله همیشه سر وقت و با ابتکارات جدید و جالب، چاپ و نشر می شود، این از اثر اخلاص دوستان در این مجله هست و همین طور آرزوی موفقیت بیشتر برای مجلهٔ حقیقت و سایر مجله ها و مطبوعات امارت اسلامی را دارم.
یک امتیاز مجلهٔ حقیقت اینست که عطش فرهنگی ولایات شمالی ما را تا حدودی برطرف کرده است و ما از این بابت خوش هستیم و

هنوز هم ان شاء الله امید است که این مجله بدرخشد.
به خوانندگان مجله و همینطور به اداره و کارکنان آن، توصیه من اینست که هنوز هم سعی و تلاش کنند تا ابتکارات جدید و سلسله فعالیت های جالب و خواندنی را در مجله بیاورند و مطابق با ذوق مخاطبین خود نشرات داشته باشد.
مجله، الحمدلله در سوشل میدیا و آنلاین نیز خوب درخشیده و در اکاونت های مختلف و سایت ها مقاله های آن را می بینم و این مایه خرسندی ماست.

ادارۀ مجله:

محترم مولوی صاحب بفرمایید فعالیت روز مره شما چگونه سپری می شود و برای جامعه و اهل فکر و اندیشۀ کشور چه گفتنی خاص دارید؟

وثیق صاحب:

از آنجائیکه در شرایط خاص به سر می بریم و کارهای ما عموما نامعلوم و همیشه در حال تغییر است و به خاطر بهبود فعالیت ها سفرها می داشته باشیم لذا تنظیم الاوقات خاص ندارم، اما با آنهم کوشش می کنم وقت های خود را تا حدود زیاد منظم کنم، بنده بعد از نماز صبح و اذکار و ادعیه ابتداء بخاطر اهمیت کارهایم، اخبار مهم رسانه ها، و ویب سایت های خود را مرور کرده چیک می کنم که کدام چیزی ضروری نیامده باشد و در حدود نیم ساعتی مصروف می شوم؛ سپس تا ناشتا سپورت می کنم، ورزش واقعا به سلامتی روح و جسم آدم کمک می کند وقت باشد سپورت را قضا نمی کنم، سپس امور یومیه را به پیش می برم، از آنجا که مشکلات دوستان و ضروریات اداره و پرسونل نسبتا زیاد است واتساپ و ایمیل های خود را چیک کرده و تا حدالامکان به رفع ضروریات اولیه می پردازم.
توصیه ام به تمام دوستان اینست که حتما برای مدیریت اوقات خود یک نظم و انتظام داشته باشند چرا که وقت با ارزش ترین چیز انسان است که خوبست بسیار قیمتی بگذرد.
مبالغه نشود دوستان و همکاران ما همه متوجه کارهای خود هستند و آنها روز رخصتی و جمعه و غیره ندارند، بارها اینطور شده که من خبری را در یک بجه شب، یا سه بجه و چهار بجه در سایت آپدیت کرده و یا در یک کار فرهنگی خود را مصروف کردم چرا که همه وقت خود را به کارهای خود اختصاص داده ایم و آن را وظیفۀ اولیه خود می دانیم.
در قسمت دوم سوال شما باید بگویم، همانگونه که مستحضر هستید اشغالگران با تجاوز به کشور ما تنها سرحدات و اراضی ما را اشغال نکردند بلکه آنها فرهنگ و ذهن ملت ما را نیز اشغال کرده و تهاجم شان تنها نظامی نبوده بلکه فرهنگی نیز بوده است و امروز بر هیچ کسی پوشیده نیست که جنگ مهم جنگ تبلیغات است ما از تمام اهل فکر، قلم و اندیشه آرزو داریم که با برادران مجاهد در تمام عرصه ها یکجا شوند اگر می توانند با قلم خود، جان خود، مال خود، فکر خود و یا هر چیز دگر به جهاد جاری کمک کنند دریغ نکرده و همکاری نمایند بالخصوص در بخش های فکری و دعوتی با ما همکاری کرده و از نظریات و پیشنهادات خود ما را مستفید بگردانند یقینا جامعۀ که پیشروی آن را اهل فکر و اندیشه داشته باشد ناکام نمی شود و هر چند در زندگی نا ملایمات داشته باشد اما بالاخره پیروز خواهند شد.

ادارۀ مجله:

بسیار خوش شدیم از اینکه وقت خود را در اختیار ما و خوانندگان عزیز ما قرار دادید؟

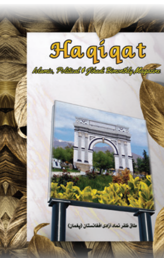
وثیق صاحب:

الله متعال از شما هم راضی باشد که از طریق مجلۀ خود وسیله شدید تا ما پیام خود را با خوانندگان و ملت عزیز خود شریک کنیم، بنده موفقیت های روز افزون برای شما و مجلۀ شما را از رب منان استدعا داشته و موفقیت و کامیابی شما را در زندگی دنیا و آخرت آرزو دارم.
پایان.










سفر فرهنگی امارت اسلامی

(مضمون ویژه به مناسبت ششمین سال مجلهٔ وزین حقیقت)

به‌قلم نویسنده و تحلیلگر سیاسی: احمد فارسی

همزمان با یورش نظامی نیروهای اشغالگر، یورش فرهنگی شدید نیز بر این کشور آغاز گردید. رادیوها، تلویزیون ها و رسانه های مختلف چاپی، سمعی و بصری به حمایت و تمویل مادی و معنوی اشغالگران آغاز به فعالیت های گوناگون کردند. تبلیغات علیه مجاهدین، نشر و پخش افکار دموکراسی و آزادی (بی بند و باری)، فساد اخلاقی و اجتماعی روز به روز افزایش یافت. این زمانی بود که زمین و آسمان در اختیار مطبوعات دشمن قرار داده شده بود و حتی طیاره های دشمن نیز در این راستا آنان را همکاری می کرد و برخی از اعلانات نظامی را از هوا به زمین پرتاب می کرد. رادیو آزادی در راس این مطبوعات نشریات بیست و چهار ساعتهء خودرا آغاز کرد و پایگاههای خاص در داخل افغانستان از طریق موج های FM دست به تبلیغات شدید علیه مجاهدین می زدند.

امارت اسلامی در این مقطع زمانی توان مقابله فرهنگی را نداشت و جبهات نظامی نیز منظم نبود. این خلا باعث شده بود که خبرهای یک جانبه از جانب دشمن به تمام جهان رسانیده شود و در نتیجه جهان بشمول مسلمانان جهان پنداشتند که دیگر نام و نشانی از طالب و مسلمان در افغانستان باقی نماند. گمان به این می رفت که افغانستان دیگر مبدل به یک ایالت امریکایی گردید و در آینده کسی جرأت نخواهد داشت

نامی از اسلام و مسلمانی بگیرد و در صورت دیگر متهم به بنیادگرایی، تروریزم و طالب شده، یا به گوانتانامو منتقل می گردد و یا هم در زندان های مخفی و تاریک دیگری می افتد که نه آنجا قانونی برای انسانیت و بشریت دارد و نه مرجعی است که درباره زندانیان آنجا بپرسد.

بعد از مرور زمانی آهسته آهسته امارت اسلامی آغاز به منظم ساختن تشکیلات و صفوف خود نمود و به همین سلسله کمیسیون فرهنگی نیز تشکیل یافت.

در اوایل این کمیسیون مواجه با عدم تجربه و نبود وسایل بود زیرا این جنگ آسان و کوچکی نبود که کمیسیون نوزادی بتواند در مقابل آن به شکل عاجل تبارز کند و موقف دفاعی قوی یی را اتخاذ نماید. جنگ جدید با وسایل متمدن که همه در اختیار دشمن قرار داشت آغاز گردیده بود. مجاهدین امارت اسلامی که جز آشنایی سطحی تعارف بیشتر با جهان انترنت و وسایل اجتماعی یی که در آن زمان بود نداشتند و نمی دانستند از کجا آغاز کنند. بالاخره تصمیم بر آن شد تا امارت اسلامی صفحهء انترنتی خودرا فعال کند و از این طریق اخبار امارت اسلامی را به گوش هموطنان و جهان برساند. اما این هم گام ساده و آسانی نبود بلکه به افراد با تجربه و متخصص نیاز داشت تا این سنگر را از نقطهء صفر آغاز کنند و در مقابل قوی ترین و بی رحم ترین دشمنی ایستادگی کنند که معتقد به عدم تفریق میان مبارزین نظامی و مبارزین فرهنگی است.

خلاصه اینکه نشرات انترنتی امارت اسلامی آغاز گردید اما خیلی به زودی مورد آماج حملات دشمن قرار گرفت و با مرور چند روزی یکبار مورد شکار دشمن قرار می گرفت. این حالت، دنیا را به جایی رسانیده بود که مسلمانان هیچ خبری از امارت اسلامی و مجاهدین نداشتند و از مبارزه و مقابله با اشغالگران مایوس شده بودند. نگارندهء این سطور در این زمان در یکی از مجالس در خارج از کشور که اتباع کشورهای مختلف در آن حضور داشتند از موجودیت مجاهدین، مقاومت، پیشرفت ها، تلفات وارده به دشمن و غیره سخن گفت که خیلی برای حاضرین مجلس تعجب آور بود و در عین حال آثار خوشی و مسرت در چهره های همهء شان نمایان گردید. آنان صراحتا گفتند که ما گمان کردیم که دیگر نام و نشانی از مجاهد و طالب نمانده است و افغانستان کاملا توسط خارجی ها تسخیر گردیده است. نگارنده در جواب، آنان را از حقایق با خبر ساخته و اضافه نمود که جهان اسلام باید مطمئن باشد که خداوند متعال نگهدار دین خود است و افغانستان هرگز اشغال را نمی پذیرد. شاید این اشغال زمان گیر باشد اما ممکن نیست که خاک، آب و هوای افغانستان بقای اشغالگر را در خود بپذیرد و امروز یا فردا اشغالگر مجبور به ترک این کشور خواهد شد.

سالها گذشت و سفر فرهنگی امارت اسلامی نیز جریان داشت. در طول این سالها، تجربه های جدید حاصل گردید، ستاره های درخشان وارد آسمان مطبوعات گردیدند. صفحات انترنتی مجاهدین افزایش یافته و قوی شد. وسایل مختلف و گوناگون مطبوعاتی دیگر اعم از چاپی، انترنتی، سمعی و بصری در دسترس مجاهدین قرار گرفت و با استفاده از این وسایل سنگر فرهنگی امارت اسلامی گرم و گرم تر شد.

سالها گذشت و سفر فرهنگی امارت اسلامی

نیـز جریـان داشـت. در طـول ایـن سـالها، تجربـه هـای جدیـد حاصـل گردیـد، سـتاره هـای درخشـان وارد آسـمان مطبوعـات گردیدنـد. صفحـات انترنتـی مجاهدیـن افزایـش یافتـه و قـوی شـد. وسـایل مختلـف و گوناگـون مطبوعاتـی دیگـر اعـم از چاپـی، انترنتـی، سـمعی و بـصری در دسـترس مجاهدیـن قـرار گرفـت و بـا اسـتفاده از ایـن وسـایل سـنگر فرهنگـی امـارت اسـلامی گـرم و گـرم تـر شـد. حکایـت بـه جایـی رسـید کـه دشـمن اعـتراف کـرد کـه مطبوعـات امـارت اسـلامی قویـتر از مطبوعـات آنـان اسـت. دشـمن اظهـار نگرانـی کـرد کـه سـخنگویان امـارت اسـلامی در خـلال چنـد ثانیـه مـی تواننـد تـازه تریـن اخبـار و وقایـع کشـور خـودرا بـه تمـام جهـان برسـانند در حالیکـه اشـغالگران بخاطـر دروغ بافـی هـای بیشـتر و فلـتر کـردن حقایـق نمـی تواننـد خبرهـای فـوری را منتـشر سـازند.

وقتـی فـرا رسـید کـه امـارت اسـلامی در پهلـوی سـنگرهای نظامـی و سیاسـی خـود، سـنگر خیلـی قـوی و مسـتحکم فرهنگـی را دارا باشـد. در ایـن سـنگر اکنـون لله الحمـد چندیـن صفحـات انترنتـی، نشریـات چاپـی بشـمول مجلـه هـا و جرایـد، صدهـا صفحـات اجتماعـی مختلـف اعـم از تیوتـر، فیـس بـوک، و کانـال هـای تلگـرام شـدیدا شـب و روز مشـغول رسـانیدن حقایـق بـه جهـان مـی باشـند. اکنـون زمـان آن گذشـت کـه خبرنـگاران و رسـانه هـا یـک جانبـه تبلیغـات نمـوده و دروغ هـای شـاخدار خـودرا بـدون انـدک تشـویش و احسـاس مسـئولیت ایمانـی و وجدانـی بـه نـشر برسـانند. چنانچـه وقـت آن هـم گذشـت کـه خبرنـگاران مخلـص و صـادق از خـوف و بیـم ادارات امنیتـی نتواننـد بـا سـخنگویان امـارت در تمـاس باشـند و بـه معلومـات و اخبـار امـارت اسـلامی دسترسـی

لله الحمد نیرومندی و قوت مجاهدین تا جایی رسیده است که مبصرین سیاسی و تحلیل گران امور آزادانه می توانند در مطبوعات تحت کنترول دشمن که به حمایت مالی، مادی و معنوی دشمن فعالیت دارند آراء و مواقف امارت اسلامی را بیان دارند و از صدق، راستی و دست آوردهای امارت اسلامی سخن بگویند.

داشـته باشـند و یـا در جریـان تهیـه راپـور هـا و اخبـار خـود از آن نقـل قـول کننـد. بلکـه لله الحمـد نیرومنـدی و قـوت مجاهدیـن تـا جایـی رسـیده اسـت کـه مبصریـن سیاسـی و تحلیـل گـران امـور آزادانـه مـی تواننـد در مطبوعـات تحـت کنتـرول دشـمن کـه بـه حمایـت مالـی، مـادی و معنـوی دشـمن فعالیـت دارنـد آراء و مواقـف امـارت اسـلامی را بیـان دارنـد و از صـدق، راسـتی و دسـت آوردهـای امـارت اسـلامی سـخن بگوینـد.

از جملـه وسـایل فـوق الذکـر مجلـهء وزیـن حقیقـت اسـت کـه بـا ایـن شـماره پـوره از شـش سـال بـه اینسـو بـا نـشر و پخـش حقیقـت هـا در میـان همـه افـراد جامعـه بشـمول اطفـال محبوبیـت و جایـگاه خـاص خـودرا پیـدا کـرده اسـت و بـا بیـان واقعیـت هـا، تحلیـل هـای زیبـا، مقـالات و نوشـته هـای نویسـندگان مختلـف توانسـته اسـت کـه خالـی گاه بزرگـی را کـه در سـال هـای اول مبـارزات فرهنگـی احسـاس مـی گردیـد پـر نمایـد. تنـوع در مقـالات و



نوشته های این مجله، دیزاین های جدید و دلچسپ آن، افزودن مسائل جدید و نو آوری هایی که توسط مسئولین این مجله انجام می یابد از جمله مسائلی است که می تواند به زیبایی و محبوبیت آن بیشتر بیافزاید.
موجودیت چنین نشریات، اخلاص و تلاش های خستگی ناپذیر مسئولین و حمایت کامل بزرگان امارت اسلامی از سنگر فرهنگی نمایانگر این حقیقت است که امارت اسلامی افغانستان نه تنها در میدان نظامی پیشتاز بوده و تیر آن، لله الحمد، رسایی به هر هدف را دارد بلکه میدان های دیگر همچو سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، تعلیم و تربیه و غیره نیز در مستوای خیلی عالی و بالاتر از آن فعالیت دارند که تصور آن می رفت. هدف از این همه خدمات و فعالیت های چشمگیر سنگر فرهنگی امارت اسلامی همانا مبارزه و مقاومت علیه اشغال و اجیران داخلی، بیان حقایق و واقعیت ها، رسانیدن اخبار تازه و صادق، دفاع از ارزش های اسلامی و افغانی، مبارزه با فساد اخلاقی و لجام گسیختگی در مناطق زیر سایهء اشغال و ادارهء اجیر کابل می باشد که اینهمه را امارت اسلامی وجیبهء دینی خود در مقابل ملت رنجدیده و مظلومی می پندارد از دو دهه به اینسو نه تنها از نعمت امنیت و آرامی محروم اند بلکه اشغالگران دین، فرهنگ، عادات و تقالید آنان را نیز مورد یورش قرار داده و مجتمع آنان را بسوی بدبختی و گمراهی می کشانند.
ان شاء الله که با اخلاص بیشتر، تلاش های شبانه روز مسئولین

اخلاص و تلاش های خستگی ناپذیر مسئولین و حمایت کامل بزرگان امارت اسلامی از سنگر فرهنگی نمایانگر این حقیقت است که امارت اسلامی افغانستان نه تنها در میدان نظامی پیشتاز بوده و تیر آن، لله الحمد، رسایی به هر هدف را دارد بلکه میدان های دیگر همچو سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، تعلیم و تربیه و غیره نیز در مستوای خیلی عالی و بالاتر از آن فعالیت دارند که تصور آن می رفت.

این سنگر و همکاری ملت مسلمان بخصوص جوانان با هدف و قلم بدست، کمیسیون فرهنگی امارت اسلامی با افزایش فعالیت های خود هم شانه با برادران مجاهد خود در سنگر های نظامی علیه اشغالگران و اجیران داخلی آنان می رزمد و هرگز اجازه نمی دهد تا این اهداف و مرام های شوم و به دور از ارزش های انسانی و دینی آنان در مجتمع افغانی ما پیاده گردد.





کُردها در صد سال گذشته ...!

نویسنده: قاری سعید خوستی
مترجم: حبیب الله حیدری

نفوس ۳۵ میلیونی کُرد ها در کشور های ایران، ترکیه، عراق و سوریه زندگی می کنند که در صفحه ای تاریخ برای خود دولت ویژه نساخته اند، واین آن آرزو و آرمان شان است که در قلب همه بزرگان گذشته اینها نیز بود، اینها فقط امارت های کوچک بنام های امارت بدرخانی، و امارت مروانی را در تاریخ ساخته است، کُردها در زمان خلافت خلیفه ای دوم (حضرت عمر فاروق رضی الله عنه) به دین اسلام مشرف شدند، و یک منطقه مهم شان را مسلمانان فتح نمودند، و بعد از این مدت اینها مثل قبیله های دیگر عرب ها زندگی می کنند.

کردها در تاریخ خود چهره های مهم هم دارند، مثل صلاح الدین ایوبی، و شیخ الاسلام ابن تیمیه (رحمهم الله) که تاریخ دانان این هر دو را کردی یاد می کنند، خلافت عثمانی در اوایل قرن شانزدهم میلادی از این سبب به کردها امتیاز بلند داده بود که کردها در مقابل صفوی های شیعه مقابله نمودند، اما در میان سالهای ۱۹۱۴م و ۱۹۱۸ م خلافت عثمانی در وقت مشکلات ذات البینی، کردها هم مثل عرب های دیگر بر علیه خلافت اسلامی دست به توطئه ها و دسایس زدند.

کردها در صد سال گذشته در خدمت امپراطوری ها بود، در سال ۱۹۱۸م به رهبری محمود حفید برزنجی بر علیه خلافت عثمانی با برطانوی ها کمک نمودند، و بر ضد خلافت اسلامی یک لواء را به نام لواء السلیمانیه منسجم نمود، که این لواء مدت زیاد دوام نکرد، و در سال ۱۹۲۲م از بین برده شد.

کَردها بر ضد خلافت عثمانی در خدمت برطانیوی ها ! به سرکردگی برزنجی کردها با برطانَویها همکاری نمودند، برطانویها به کُردها وعده ساختن یک دولت ویژه را دادند، اما در ماه جولای سال ۱۹۲۳ م برطانیه در آن وقت کردها را تنها گذاشتند، وقتی که در شهر لوزان، یک معاهده دستخط شد.

معاهده ای لوزان در شهر لوزان بین متحدین جنگ جهانی اول و ترکیه امضاء شد، که در آن مرز های بلغاریا و یونان با ترکیه معلوم شدند، و همچنان دعوای

ترکیه بر مناطق قبرص عراق و شام لغو شد، در معاهده ای لوزان معاهده ای سیفر هم لغو شد، آن معاهده ای که به کردها وعده ای دولت اختصاصی داده شده بود.

بعد از معاهده ای لوزان کردها به رهبری برزنجی دوباره به مقاومت مسلحانه شروع نمودند، که تا سال ۱۹۳۱ م دوام نمود.

کردها از طرف برطانویها پنج بار پی هم در میدان نبرد رها شدند.

کردها در مقابله با ایران در خدمت روسها:

در سال ۱۹۳۲ رهبری مقاومت مسلحانه ای کردها را احمد و مصطفٰی برزنجی به عهده گرفتند، که بعد از جنگ های دور و دراز شهر های اربیل و بادینان عراق را تحت کنترول خود در آوردند، این بار روسها با کردها وعده کرد که دولت اختصاصی را برایشان می سازد، کردها در ایران هم مناطق زیادی را به دست آوردند.

روسها با محمد رضا پهلوی مشکلاتی داشتند، و کردها را تشویق می نمودند تا دولت مستقل اعلان نمایند، و آنها کمک می کنند، همان کوشش ها بود که در ۲۲ جنوری سال ۱۹۴۶ م قاضی محمد به همکاری روسها برای همه ای کردها بنام جمهوری مهاباد دولت ویژه را اعلان نمود.

دولت شاهی ایران با روسها معاهده ای نفت را امضاء نمودند، که در عوض اش روسها از حمایت کردها دست بکشند، که همچنین شد، روسها کردها را در میدان گذاشتند، و دولت شاهی ایران علیه کردها جنگ را شروع نمود که جمهوریت مهاباد را بعد از ۱۱ ماه سرنگون کرد، قاضی محمد در منطقه ای مهاباد ایران در محضر عام به دار آویخته شد.

کردها بر علیه عراق در خدمت اسرائیل :

بارزانی ها در سال ۱۹۴۸ م با دیوید بن گوریون نخست وزیر اسرائیل روابط ساختند، اسرائیلی ها میخواستند، تا مرز شرقی خود را با استفاده از کردها حفاظت کند، اسرائیل آموزش جنگجویان کردی را شروع نمود، موساد جنگجوهای کردی را آشکارا آموزش داده به مناطق کرد نشین می فرستاد.

بعد از انقلاب کردها در سال ۱۹۵۸م حکومت عراق در یک معاهده حقوق کردها را پذیرفت، ودر سال ۱۹۷۰م که معاهده ای دیگر بین حکومت صدام حسین و کردها دستخط شد، کردها در عراق رسماً قبول شدند، مگر کردها از دوستی با اسرائیل دست بردار نشدند، ودر مقابل حکومت صدام حسین، کردها با اسرائیل دست بدست هم دادند.

روابط فعلی بین کردها و اسرائیل از همان وقت جاری است، ۷۵ فیصد نفت اسرائیل از کردستان است، و اسرائیل در کردستان شرکت های بزرگی نفتی دارد.

بعد از این بین دو رهبر کردها جلال طالبانی و مسعود بارزانی جنگ ذات البینی بر سر قدرت شروع شد، که هزارها تن از طرفین کشته شدند.

کردها بر علیه حکومت عراق در خدمت خمینی:

در سال ۱۹۸۰م در میان حکومت صدام حسین و ایران جنگ به میان آمد، که خمینی بین جلال طالبانی و مسعود بارزانی صلح نمود، و هردو را بر علیه حکومت عراق و به کمک خود تشویق نمودند، کردها با حمایت ایران علیه حکومت عراق جنگ را آغاز نمودند، که در سال ۱۹۸۸م صدام حسین بر شهر حلبچه کرد نشین با استفاده از سلاح کیمیاوی حمله نمود، در این حمله هزاران تن از کردها کشته شدند.

در جنگ عراق و ایران کردها تنها از ایران حمایت نمی شدند، بلکه از دولت اسرائیلی حمایت مالی، تسلیحاتی، و آموزشی نیز می شدند، چون حکومت اسرائیلی از حکومت صدام حسین سخت در هراس بود.

کردها بر ضد عراق در خدمت ائتلاف آمریکائی:

در سال ۱۹۹۱م ائتلاف آمریکایی برای آزادی کویت حمله نمودند، قوای عراقی مجبور شدند تا کویت را ترک کنند، در این وقت باز هم رهبر کردها (مسعود بارزانی) کمک ائتلاف آمریکایی را کرد، و کردها در کنار سربازان آمریکایی بر علیه عراق به جنگ پرداختند، در آن وقت، جنگ زمینی کردها سبب شکست بزرگ نیروهای عراقی شد.

آمریکایها به کردها وعده داده بود که بعد از آزادی

کویت در بین عراق، ترکیه، و ایران یک دولت ویژه را برای کردها می سازد، اما بعد از معرکه ای صحراء دوباره کردها از سوی ائتلافی ها تنها در میدان به صدام حسین گذاشته شدند، که از سوی حکومت عراق هزاران تن شان کشته شدند، و صدها هزار تن شان از ساحه فرار کردند.

صدام حسین می خواست که گروه های طالبانی و بارزانی را مکمل از ریشه ختم نماید، اما فرانسه مداخله نمود، و در شمال عراق پرواز های قوای هوائی را مسدود نمود، که با این عمل فرانسه کردها نفس راحت کشیدند.

در سال ۱۹۹۴م در بین گروه طالبانی و بارزانی دوباره جنگ آغاز شد، که تا سال ۲۰۰۳م ادامه داشت، در این جنگ هزاران تن دگر از کردها کشته شدند.

کردها بار دوم در خدمت آمریکا:

در سال ۲۰۰۳م از طرف بوش بر عراق حمله شروع شد، و هردو گروه کردها از سوی آمریکایها منظم شدند، بر علیه صدام حسین حملات زمینی را آغاز نمودند، مانند جنگجویان شورای نظار در افغانستان، کردها نیز بر علیه صدام حسین به آمریکایی ها بسیار مؤثر تمام شدند و از طرف شمال عراق همه جنگ های زمینی را کردها به پیش بردند.

آمریکایی ها در سال ۲۰۰۵م اراده نمودند که قدرت را در مناطق سمبالچار پاؤل بریمیر عراق به عراقی ها انتقال دهد، در عراق انتخابات پارلمانی اعلام شد، در انتخابات پارلمانی عراق گروهی از کردها به رهبری طالبانی در ۷۰ کرسی برنده شد، طالبانی برای عراق دولت مؤقت را تشکیل نمود، و نامبرده رئیس این دولت شد، و مسعود بارزانی رئیس اقلیم کردستان انتخاب شد، که بارزانی همه امورات کردستان را از حکومت مرکزی جدا به پیش ببرد.

بعد از خروج نیروهای آمریکایی از عراق کردها باز در میدان گذاشته شدند، که بعد از آن در عراق داعش ظهور نمود، و ریشه خود را به سوریه هم دراز کرد.

کردها در مقابله با داعش برای بار سوم در خدمت آمریکا:

در سال ۲۰۱۴م وقتیکه داعش خلافت خود را اعلام کرد، آمریکایی ها به سوریه داخل شدند، و در مناطق کردها قرارگاهای بزرگ نظامی را ساختند، کردها این بار تنها در مقابل داعش به جنگ پیش نشدند، بلکه با همه گروه های طرف راست به جنگ پرداختند.

ترکیه که عضو کشورهای ناتو است، و متحد آمریکا هم می باشد، چند بار به ناتو و آمریکا از جنبش های کردها شکایت نمود، ولی آمریکا هر وقت به ترکیه اطمنان میداد، که در مقابل ترکیه از کردها حمایت نخواهد کرد.

بعد از شکست داعش در سوریه و عراق ترامپ خواست تا نیروهای خود را از سوریه بیرون کند، که حالا بازهم کردها در میدان به ترکیه گذاشته شدند.

چرا کردها از تاریخ گذشته درس عبرت نمی گیرند؟

کردها از قرنها به این طرف جنگجویان قهرمان دارند، که همین نقطه ای شان از صد سال گذشته توجه امپراطوری ها را به اینها جلب نموده است، اروپا و آمریکا از همان وقت جوانان کرد را به کشورهای خود می برند، و در آنجا به فکر غربی آموزش شان می دهند، که بعد از برگشت به جامعه ای خود برای شان دوستی با آمریکا و اروپا را به هر قیمت بپذیرند.

کردها در کشورهای عراق، ترکیه، سوریه و ایران تقسیم شده اند، و در این کشورها به اقلیت محسوب می شوند، کشورهای غربی کوشش می کنند که کردها را منحیث ابزار جنگی برای خود، دائم نگه دارند، اگر کردها از این آموزش دیدگان آمریکا و اروپا خود را آزاد کند، امید است در آینده با تکرار تاریخ گذشته خود دچار نشود، اگر نه کردها در آینده همچنان مزدوران جنگهای نیابتی و بی حاصل خواهتد بود.





دموکراسی یکبار دیگر شرمسار گردید

موفق افغان

روز شنبه ۲۸ سبتمبر موافق با ٦ میزان شاهد انتخابات قلابی در افغانستان بود. با انجام این انتخابات دموکراسی یی که جز روی سیاه، نام نیکی در این کشور نداشت رسواتر و شرمسار تر گردید. بر اساس اعلان ادارهء اجیر کابل از جملهء سی و پنج ملیون نفوس کشور ۹ ملیون آن برای اشتراک در این انتخابات ثبت نام کرده بودند اما در روز اول انتخابات اعلان گردید که تنها یک و نیم ملیون از آنها در انتخابات اشتراک کردند. گرچه این آمار در روزهای بعدی بالا رفت و در حدود دو ملیون و هفتصد هزار نفر رسید که این افزایش در حقیقت به اثر تقلب و پر ساختن صندوق های رای توسط چند تن محدود بود اما باز هم اگر جهت مناقشه این آمار پذیرفته شود ثلث ثبت نام کنندگان در این انتخابات اشتراک نکردند که به این صورت در این انتخابات کمتر از ده فیصد نفوس کُل کشور اشتراک کردند و متباقی نفوس افغانستان که بیشتر از سی و دو ملیون می شوند به درامهء انتخابات های تقلبی و بازی های عوام فریبانهء دموکراسی «نه» گفتند، سیلی محکمی به روی دموکراسی زدند و مشروعیت این نظام و نتایج ناشی از آن را زیر سوال بردند.

این انتخابات رسواتر از انتخابات سال ۲۰۱٤ ریاست جمهوری و انتخابات بدنام پارلمانی سال گذشته بود که رسوایی آنها در تمام نشر گردید و در نتیجهء انتخابات اول، حکومت بدنام دو سره برای اولین بار در جهان به وجود آمد و در نتیجهء انتخابات پارلمانی تمام زورمندان، تقلب کاران، رشوت دهندگان بشمول رشوت دهندگان جنسی به پارلمان راه یافتند و اعضای کمیسیون انتخابات و کمیسیون شکایات انتخابات بخاطر فساد و تجارت بر آراء مردم ساده لوح به عقب میله های زندان رفتند. در داخل پارلمان نیز شخص کمونستی که به نیروی پول مزدوری به اشغالگران و قراردادهای انتقال کثافت های آنان به پارلمان راه یافته بود اعضای پارلمان را خریداری کرد و به ریاست آن

راه یافت. و در یک رسوایی دیگر در جریان کمپاین های انتخاباتی رئیس کنونی اداره‌ء اجیر کابل که در بی کنترول بودن زبان و اعصابش زبان زد عام و خاص در داخل و خارج از کشور گردیده است اعتراف کرد که رئیس مجلس سنا (مشرانو جرگه) را او تعیین کرده است و شخصی را که می خواست در مقابل وی خودرا کاندید کند از سنا برکنار کرده است. او رئیس مجلس سنا را که در مجلس حضور داشت بر این جنایت خود شاهد آورد و وی نیز با تمام بی شرمی و بی حیایی اما افتخار کنان این ذلت را پذیرفت.

این انتخابات رسواتر از انتخابات سال ۲۰۱٤ ریاست جمهوری و انتخابات بدنام پارلمانی سال گذشته بود که رسوایی آنها در تمام نشر گردید و در نتیجه‌ء انتخابات اول، حکومت بدنام دو سره برای اولین بار در جهان به وجود آمد و در نتیجه‌ء انتخابات پارلمانی تمام زورمندان، تقلب کاران، رشوت دهندگان بشمول رشوت دهندگان جنسی به پارلمان راه یافتند و اعضای کمیسیون انتخابات و کمیسیون شکایات انتخابات بخاطر فساد و تجارت بر آراء مردم ساده لوح به عقب میله های زندان رفتند.

اگر سخن از تقلب زده شود، دیده می شود که تقلب در این انتخابات نیز به اوج خود رسید. در قدم اول ماشین های بایومتریک بی کیفیت در بدل ملیون ها دالر خیرات کشورهای خارجی خریداری شد و اداره‌ء اجیر کابل به کمپنی این ماشین ها اجازه نداد تا نواقص و کمبودی های این ماشین ها را که توسط کاندیدهای دیگر نشاندهی گردیده بود و کمپنی حاضر به اصلاح آن بود، اصلاح کند تا به این ترتیب دروازه های تقلب با هر دو پله‌ء خود در مقابل آنان باز بماند. از سوی دیگر در روز انتخابات با وجود موجودیت ماشین های بایومترک، هزارها نفر بدون بایومتریک رای خودرا به صندوق ها ریختند بلکه به هزاران دیگر توانستند با استفاده از انگشتان مختلف دست و حتی انگشتان پاهای خود در ماشین بایومترک بار بار به شخص مورد نظر خود رای دهند. شواهد دیگری نیز در دست است که در بعضی از سایت های انتخاباتی صندوق ها یک شب قبل از انتخابات پر و مهر لاک شدند. عجیب تر از این، اینکه در بعضی از ولسوالی هایی که وزیر دفاع و وزیر داخله‌ء اداره‌ء اجیر کابل با موتر های زره و تانک ها نمی توانند داخل شوند، از این ولسوالی های نیز صندوق های مملوء از رای به نفع رئیس تقلب کار کنونی به مرکز ولایات فرستاده شد. روز های آینده این را نیز خواهد نشان داد که در بعضی از سایت های انتخاباتی بیشتر از نفوس موجود در منطقه رای داده شده است.

کمیسیون انتخابات اگرچه خیلی ناچار و بیچاره بوده و توسط همین دزدها به شرط گرفتن دهن جوال با آنان تعیین و اختیار شده اند چنان مورد فشار قرار گرفتند که رئیس کمیسیون انتخابات از سفیر انگلستان و نماینده‌ء ناتو خواست تا از تعمیل فشار کاندیدها بر آنان جلوگیری نمایند. این خواست بعد از آن صورت گرفت که نه تنها فشار های مخفی و پنهانی بر اعضای این کمیسیون ها از دایره تحمل خارج گردید بلکه رئیس سنا که خود بی شرمانه توسط رئیس جمهور تقلب کار کنونی به این سمت نصب گردیده است علنا و در رو بروی کامره های خبرنگاران رئیس کمیسیون انتخابات را تهدید کرده و گفت که رای های جعلی را بالای پدرش هم به حساب می گیرد.

از سوی دیگر، در عقب مانده ترین کشورهای جهان اگر دهها ملیون رای دهندگان نیز در انتخابات اشتراک می کنند، نتایج ابتدایی انتخابات ساعاتی بعد از ختم مدت معین برای رای دهی اعلان می گردد مگر در این کشور که انتخابات آن توسط پیشرفته ترین کشورهای جهان مستقیما مدیریت و حمایت می گردد، ملیون ها دالر در آن به مصرف می رسد، و تنها یک و نیم ملیون رای دهندگان حق رای دهی خودرا استفاده می کنند روزها، بلکه هفته ها و ماهها می گذرد اما نتایج ابتدایی هنوز هم اعلان نمی گردد و با گذشت هر روز نتایج عجیب و غریب و دست خورده در اثر فشار های جهت های ذیدخل و مداخلات کشورهای خارجی در معرض مردم قرار می گیرد و بالاخره نتیجه نهایی هم همان می باشد که کشورهای حمایت کننده و اشغالگر آنرا تعیین می

کنند نه رای و اراده‌ء مردم. و در آخرین خبر که تا نوشتن این مقاله در دسترس قرار گرفته است اکنون انجنیر های جرمنی وارد افغانستان شده است تا آرای اخذ شده توسط بایومتریک ها را ترتیب و تنظیم کنند، عیب دیگری که در هیچ گوشهء جهان تا کنون رخ نداده است.

علاوه بر این رسوایی ها، اعداد و شماری که توسط برخی از جهت ها به دسترس مردم قرار گرفته است نشان می دهد که کاندیدهای مطرح این انتخابات به صدها ملیون افغانی را برخلاف قوانین وضع کردهء خود شان در این انتخابات به مصرف رسانیده و آرای مردم را توسط آن خریداری نموده اند. آمار غیر رسمی نشان می دهد که در حالت کنونی با وجود افزایش تعداد کُل آراء که ناشی از تقلب و تزویر می باشد، هر رای در این انتخابات حدود یکهزار دالر امریکایی مصرف خورده است. و درد آوردتر از همه این است که این پول ها از خزانهء ملی و دولتی چور و چپاول شده است و به همین سبب اداره‌ء اجیر کنونی مواجه به ضعف بودجه بوده و اکثر وزارت ها و ادارات توان پرداخت مصارف روزمره و معاشات مامورین خودرا ندارند زیرا پول های تخصیص داده شده برای این بودجه ها مورد حیف و میل کاندید زور آور قرار گرفته و در خریداری آرای مردم استفاده گردیده است.

>> کمیسیون انتخابات اگرچه خیلی ناچار و بیچاره بوده و توسط همین دزدها به شرط گرفتن دهن جوال با آنان تعیین و اختیار شده اند چنان مورد فشار قرار گرفتند که رئیس کمیسیون انتخابات از سفیر انگلستان و نمایندهء ناتو خواست تا از تعمیل فشار کاندیدها بر آنان جلوگیری نمایند. این خواست بعد از آن صورت گرفت که نه تنها فشار های مخفی و پنهانی بر اعضای این کمیسیون ها از دایره تحمل خارج گردید بلکه رئیس سنا که خود بی شرمانه توسط رئیس جمهور تقلب کار کنونی به این سمت نصب گردیده است علنا و در رو بروی کامره های خبرنگاران رئیس کمیسیون انتخابات را تهدید کرده و گفت که رای های جعلی را بالای پدرش هم به حساب می گیرد.

***

>> بی باوری مردم به این نظام، عدم دلچسپی به درامه های انتخابات و دموکراسی، عدم اعتماد به نتایج تقلب شده و دست خورده، تعیین و اختیار نهایی توسط باداران و اشغالگران خارجی، مطالبهء امارت اسلامی از مردم مبنی بر عدم اشتراک در این پروسهء ناکام، و بالاخره تشکیل حکومت های ضعیف، ظالم، فاسد و بی بند و بار باعث شده است که دیگر مردم از این حالات و نظام خسته شده و فریب شعارهای میان تهی و دروغین آنان را نمی خورند.

بی باوری مردم به این نظام، عدم دلچسپی به درامه های انتخابات و دموکراسی، عدم اعتماد به نتایج تقلب شده و دست خورده، تعیین و اختیار نهایی توسط باداران و اشغالگران خارجی، مطالبهء امارت اسلامی از مردم مبنی بر عدم اشتراک در این پروسهء ناکام، و بالاخره تشکیل حکومت های ضعیف، ظالم، فاسد و بی بند و بار باعث شده است که دیگر مردم از این حالات و نظام خسته شده و فریب شعارهای میان تهی و دروغین آنان را نمی خورند. مردم دیگر با تحمل کردن صدها مشکلات و خطرات امنیتی نمیتوانند در صف های طویل بایستند و رای دهند و در نهایت نتایج مطابق به خواست خارجی ها اعلان گردد. عدم دلچسپی مردم در انتخابات اخیر نشاندهندهء این حقیقت است که مردم تماما از این نظام مایوس شده اند، از این به بعد نه به شعارهای دروغین آنان فریب می خورند و نه بخاطر بقای این نظام فرسوده و دست نشانده قربانی می دهند. ثابت شدن حقیقت دموکراسی و نظام های ناکام آن در کشور باعث شده است که فرزندان آن به آرمان ها و اهداف امارت اسلامی و مجاهدین بیشتر باورمند شوند و آمدن یک نظام واقعا اسلامی را که خالی از این درامه های فریب و تزویر باشد یگانه راه حل و نجات از حالات فلاکتبار کنونی بدانند.



ترامپ دنبال چیست؟

رفیع الله رفیع

رئیس جمهور ایالات متحده امریکا از ابتدای حضور در قصر سفید پایان جنگ در افغانستان را از ترجیحات و اولویت های خود اعلام داشته است. او سفیر سابق امریکا در افغانستان (زلمی خلیلزاد) را مامور کرده بود از طریق مذاکره و گفتگو راهی برای خروج سربازان امریکایی از افغانستان پیدا کند. خلیلزاد تلاشهای دیپلماتیک خود را آغاز کرد که طی یک سال گذشته بر شدت این تلاشها افزود تا پیش از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده پروسهٔ خروج عساکر امریکایی از افغانستان را به نقطه ای امیدوارکننده رسانده باشد. و اینگونه دونالد ترامپ را همراه با یک «دستاورد بزرگ» به میدان مبارزات انتخاباتی بفرستد.

از شواهد چنین به نظر می رسد که سیاستمداران امریکایی همه به این نکته رسیده اند که به زور اسلحه و اعتماد بر قدرت نظامی نمی توانند پیروز جنگی باشند که خود آغازگر آن بوده اند. اما اختلاف بر سر چگونگی فرار از میدان جنگ و حفظ آبروی امریکا در سطح جهانی داشته و دارند.

باراک اوباما که با شعار تغییر به قصر سفید راه یافت، جسارت ریسک کردن در حد ترامپ را نداشت. ترامپ که از عمق فاجعه پیش آمده برای عساکر کشورش در افغانستان خبر داشت و در میدان تجارت و کاسبی فردی موفق شمرده می شود، تلاش کرد به خوبی از این کارت استفاده

کـرده خـودش را سیاسـتمداری موفـق جلـوه دهـد.

ظاهـرا بـا وجـود مخالفـت شـدید برخـی از سـناتورهای جمهوریخـواه و اعضـای کانگـرس، همـه چیـز بخوبـی پیـش مـی رفـت. ترامـپ خـودش را اهـل تسـلیم نشـان نمـی داد و یکایـک برخـی از نزدیـکان و مشـاورانش را کـه بـا وی همسـو نبودنـد برکنـار کـرد. امـا چـه شـد کـه بـه یـک بـاره مذاکـرات صلـح بـا امـارت اسـلامی افغانسـتان را متوقـف کـرد؟

در پاسـخ بـه ایـن سـوال نـکات زیـادی را مـی تـوان گفـت. چنیـن بـه نظـر مـی آیـد کـه نظـرات سیاسـتمداران حاکـم در واشـنگتن بیـش از پیـش مختلـف شـده بـود و بـا نمایـان شـدن پیـروزی امـارت اسـلامی و شکسـت امریـکا، ایـن اربـاب خودخوانـده دنیـا، سیاسـتمداران مغـرور امریکایـی بیشـتر بـر طبـل مخالفـت بـا صلـح کوبیدنـد. در واقـع آنهـا جنـگ طلبـان دیـروز هسـتند کـه بالاخـره مطمـئن شـده انـد بـا جنـگ بـه زور اسـلحه نمـی تواننـد طالبـان را بـه زانـو درآورنـد و چـاره ای جـز معاملـه ندارنـد. امـا عیـب کـار اینجاسـت کـه نمـی خواهنـد بـه اقتـدار امـارت اسـلامی اعـتراف کننـد و همچنـان مـی خواهنـد ملـت مسـلمان افغانسـتان را زیـر سـلطه قوانیـن تدویـن شـده خـود باقـی نگـه دارنـد و بگوینـد اداره اجیـر و فاسـد کابـل نماینـده مـردم افغانسـتان در جهـان اسـت. بـه ظاهـر یکـی از مهمتریـن عوامـل عقـب نشـینی ترامـپ از میـز مذاکـره همیـن فشـارهای داخلـی اسـت.

دونالـد ترامـپ کـه بیشـتر از آنکـه اهـل سیاسـت باشـد، مفکـوره تجـاری و اقتصـادی دارد، مـی خواهـد همیـن متوقـف سـاختن مذاکـرات صلـح را بـه حیـث یـک دسـتاورد معرفـی کنـد و مـردم خـودش را فریـب بدهـد کـه جلـوی مذاکـره ای را گرفتـه کـه نتیجـه

>> از شواهد چنین به نظر می رسد که سیاستمداران امریکایی همه به این نکته رسیده اند که به زور اسلحه و اعتماد بر قدرت نظامی نمی توانند پیروز جنگی باشند که خود آغازگر آن بوده اند. اما اختلاف بر سر چگونگی فرار از میدان جنگ و حفظ آبروی امریکا در سطح جهانی داشته و دارند.

***

>> دونالد ترامپ که بیشتر از آنکه اهل سیاست باشد، مفکوره تجاری و اقتصادی دارد، می خواهد همین متوقف ساختن مذاکرات صلح را به حیث یک دستاورد معرفی کند و مردم خودش را فریب بدهد که جلوی مذاکره ای را گرفته که نتیجه آن به ضرر منافع ایالات متحده بود. فعلا آتش جنگ در افغانستان اشغال شده بیش از گذشته شعله ور خواهد شد تا انتخابات برگزار شود.

آن بـه ضـرر منافـع ایـالات متحـده بـود. فعـلا آتـش جنـگ در افغانسـتان اشـغال شـده بیـش از گذشـته شـعله ور خواهـد شـد تـا انتخابـات برگـزار شـود.

در صـورت پیـروزی مجـدد، هیـچ بعیـد نیسـت ترامـپ بـه مرحلـه قبـل از متوقـف سـاختن مذاکـرات صلـح برگـردد و بـه جهـان اعـلام کنـد کـه مـا را چـه بـه «جنـگ هـای قبیلـه ای و بـی فرجـام؟» حقیقـت ایـن اسـت کـه جنـگ افغانسـتان بیـش از آنکـه منافـع امریـکا را بـرآورده سـازد، بـرای آن کشـور هزینـه و خـرج تراشـیده. امریکایـی هـا چـاره ای جـز فـرار از افغانسـتان را نخواهنـد داشـت و هرچـه دیرتـر ایـن فرار صـورت بگیـرد بـه ضـرر خودشـان اسـت. اگـر ترامـپ بـه عقبـه تجـاری خـود توجـه کنـد، حتمـا بـه زودی بـه خلیلـزاد خواهـد گفـت اسـتراحت بـس اسـت! ایـن تکـت را بگیـر و خـود را بـه دوحـه برسـان!





آه از آن داغ که ز دلها خون می چکاند!

به قلم: حاجی حافظ بغلانی

در عصر پر از آشوب وخون ریزی قرار داریم جهان نظاره گر مدعیان دروغین حقوق بشر تنها قتل عام افغانها را تماشا می کنند و بس که چگونه مردم بی دفاع وبی گناه افغانستان توسط قصابان لشکر صلیب سلاخی میشوند، کمتر از دو دهه میشود که ملت مظلوم ما در آتش خشم و خصم کافران غربی وبرده گان سفاک داخلی آنها سوختند و میسوزند.

گذشته از اینکه وجود و حضور حاکمانه اشغالگران صلیبی احساس خوشی وآرامش را از ما افغانها گرفته اند، مشاهده صحنه های المناک، فاجعه های غم انگیز، حادثات دلخراش، واقعات تکان دهنده، که در اثر بی رحم ترین ظلم و وحشت آشکار اشغالگران صلیبی وقاتلان اجرتی آنها بالای ملت مظلوم ما انجام میشود، تلخ ترین ودردناک ترین واقعات است که ز دلها خون می چکاند وقتیکه تیکه ها و پارچه اعضاء نازک بدن آن اطفال نازنین دستان پر از حناء را مشاهده می کند که به خون رنگین است.

وقتیکه آن چهره های نورانی بلبلان باغ توحید حافظان قرآن، فارغان و فاضلان دورهٔ حدیث را مشاهده می کنید که محض به جرم اینکه اینها در آینده مدافعان دین مقدس اسلام می شوند ظالمانه و وحشیانه در داخل محوطه مدرسه ها مساجد و حجره مدارس هدف بماردمان قرار می گیرند و به شهادت میرسند صحنه های دردناکی است هرگز نمیتوان این چنین جنایات ضد انسانی و بشری جانیان خون آشام درنده گان کفتار صفت را فراموش کرد، از دیده ها بجای اشک خون می بارد، سینه ها کباب، و جگرها پاره پاره ز آن خون می چکاند.

هم اکنون تمام جهانیان مانند تماشاچی جنایات خونین نظامیان ناتو و غلامانش را نظاره می کنند که ملت مظلوم افغان را تحت شدیدترین ظلم وحشت، ستمگران جنایت کار و قاتلان خونخوار قرار دارند، جنایت های دوامدار بدون آنکه مورد باز پرسی نهاد های عدلی قرار گیرد خلاف تمام قوانین و اصول جنگی از اینکه گفته شود چرا افراد ملکی غیر نظامیان عام افغانهای بی گناه قتل عام میشوند، مدعیان کذاب حقوق بشر ونهاد های بشری جهان خلاف شعار های دروغین خود همه مهر سکوت بر لب زده اند.

دشمنان دین وآیئن ما در یک هماهنگی همه جانبه اعم از نیروهای متجاوز یهود و نصارا وغلامان حلقه بگوش داخلی آن بشمول مدعیان کذاب حقوق بشر که آنها نیز مانند گرگان درنده در لباس میش خود را جا زده

اند ، مظالم همه اینها اینک به اوج خود رسیده، آنچنان مظالم که دلها زغصه و غم پرخون است، محافل خوشی وعروسی هموطنان ما به مراسم غم و خاموشی مبدل شد دستان پر از حناء بخون رنگین شدند.

در پی خونبارترین حملات هوایی اشغالگران جان شیرین هزاران تن از جوانان و نوجوانان میهنم را گرفت چگونه دلها آرام بگیرند، در اثر یورش های شبانهٔ دشمنان دین شمار زیادی از زنان وکودکان معصوم در خواب شرین بشهادت رسانیده می شوند.

آن شاگران مکاتب آن محصلان پوهنتون و آن کارگران که در پی یک لقمه نان تمام روز مصروف خواری وزحمت اند شب هنگام توسط وحشیان درنده صلیب در پیش روی اهل وعیال و مادر و پدر خود به رگبار بسته شده به شهادت میرسند چگونه میشود این جنایات غم انگیز را فراموش کرد، واقعا بغض وغصه های گلوگیر بدن آن پدران ومادران داغ دیده را هر شب وروز می لرزاند، نمیدانند که درد غم وغصه های شان را که هر لحظه دل و دماغ شان را می آزارد به که بیان کنند؟

>> هم اکنون تمام جهانیان مانند تماشاچی جنایات خونین نظامیان ناتو و غلامانش را نظاره می کنند که ملت مظلوم افغان را تحت شدیدترین ظلم وحشت، ستمگران جنایت کار و قاتلان خونخوار قرار دارند، جنایت های دوامدار بدون آنکه مورد باز پرسی نهاد های عدلی قرار گیرد خلاف تمام قوانین و اصول جنگی از اینکه گفته شود چرا افراد ملکی غیر نظامیان عام افغانهای بی گناه قتل عام میشوند، مدعیان کذاب حقوق بشر ونهاد های بشری جهان خلاف شعار های دروغین خود همه مهر سکوت بر لب زده اند.

***

>> تنها چند سال محدود بعد از آنکه بغاوت گران شر و فساد توسط لشکر عمری طالبان از شهرها و قریه جات رانده شد هموطنان بی دفاع وبیچاره ما با ورود طالبان در شهر ها و قریه ها در زیر سایه پرچم توحید طالبان بعد از سالها مظلومیت ومحرومیت نفس راحت کشیدند احساس امن وآرامش نمودند قرار بود برای یک آینده بهتر زندگی آرام وآسوده بدور از خشونت وناامنی سپری کنند .

پس از اشغال کشور اینک ۱۸ سال از آن می گذرد ملت ستمدیده افغان هنوز مانند توپ فوتبال زیر پای نیروهای درنده صلیب و نوکران فرومایه اش لگدمال می شوند و در آتش خشم کافران غربی میسوزند.

قسمیکه ۳ دهه قبل در شعله های آتش قشون سرخ شوروی ومزدوران کمونیست آن سوختند دار وندار زندگی شان بخاک یکسان شد پس از آن در اثر جنگ های خانمانسوز داخلی شهرها ویران شد شهروندانش تباه شدند. تنها چند سال محدود بعد از آنکه بغاوت گران شر و فساد توسط لشکر عمری طالبان از شهرها و قریه جات رانده شد هموطنان بی دفاع وبیچاره ما با ورود طالبان در شهر ها و قریه ها در زیر سایه پرچم توحید طالبان بعد از سالها مظلومیت ومحرومیت نفس راحت کشیدند احساس امن وآرامش نمودند قرار بود برای یک آینده بهتر زندگی آرام وآسوده بدور از خشونت وناامنی سپری کنند که بدبختانه که به یک فاجعه غم انگیز دیگر رو برو گردیدند که این بار مورد تهاجم وتجاوز دشمن خطرناکتری قرار گرفتند. این دشمن مکار وغدار از سالها قبل در پی اشغال این دیار مرد خیز خاک اولیاء و گورستان متجاوزین نقشه ها و پلان های شومی را جهت نابودی مردان غیور و کفر ستیزش طرح ریزی نموده بودند در انتظار آن بودند که بهانه ای دست دهد تا آنکه آنها بتوانند باهمکاری همه جانبه غلامان دست پرورده اش وارد عمل شوند همان بود که به یک بهانه واهی (حمله به برج های دوقلو در امریکا در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱) و استدلال غیر موجه یکبار دیگر کشور ما مورد تجاوز و حملات وحشیانه اژدهای غربی قرار گرفت که تا هم اکنون وحشت و دهشت وبربریت نیروهای متجاوز صلیبی بالای ملت مظلوم افغانستان ادامه دارد.

والی الله المشتکی

حسبناالله ونعم الوکیل



له یوه کلیوال سره د زړه خواله

خالد افغان زوی

له سوځیدلي رنګه یې معلومېده چې له کلي ښار ته راغلی، په څیره یې د غم او اندیښنې آثار له ورایه ښکاریدل، د افغانستان کلي هغه سیمې دي چې له تیرو اتلسو کلونو راهیسې وربانـدې د امریکایي کفارو او داخلي چې د عسکرو لخوا د ظلم، بمبار او چاپو میچنې چلیږي. خو رسنۍ یې بد وضعیت ته خورا لږ انعکاس ورکوي.

د دې لپاره افغانستان د کلیو او اطرافي سیمو له وضعیت څخه خبر شم، د دې کلیوال څنګ ته ور نږدې شوم او له سلام او تعارف وروسته مې ورسره مجلس پیل کړ. نوم یې عبدالمنان او د غزني ولایت د دهیک ولسوالۍ اوسیدونکی و. له عبدالمنان څخه مې د دهیک ولسوالۍ د حال احوال پوښتنه وکړه چې نوموړي راته خپل زړه داسې تش کړ.

دهیک ولسوالي د غزني ولایت یوه له مشهورو او ګڼ نفوسه ولسوالیو څخه ده، د دې ولسوالۍ اکثره سیمې د طالبانو په لاس کې دي. حکومتي عسکر یوازې د ولسوالۍ په مرکز کې قرار لري. دا چې حکومتي عسکر نه شي کولای طالبانو ته په جګړه کې شکست ورکړي نو خپل انتقام له ولسي وګړو اخلي. په تیرو اتلسو کلونو کې د نورو اطرافي سیمو په څیر په دهیک ولسوالۍ کې هم امریکایانو او د هغوی اجیرانو سخت ظلمونه کړي دي. خصوصا په وروستیو څو میاشتو کې په دهیک کې د اشغالګرو او ګوډاګیانو ظلمونه څو برابره زیات شوي دي چې دلته به یې څو بیلګې زه درته بیان کړم.

د تاسنګ کلی

د تاسـنګ کلـی د دهیـک ولسـوالۍ مرکـز تـه نـږدې پـروت دی چـې شـاوخوا ۸۰۰ کورونـه لـري او د غـزني پـه سـطحه یـو ودان، ګـڼ نفوسـه او زرغـون کلـی بلـل کیـده. تېـر کال طالبانـو د ولسـوالۍ مرکـز لـه حکومتـي عسـکرو پـه بشـپړ ډول ونیـو. سـږ کال پـه روژه کـې امریکایـان او داخلـي عسـکر لـه یـوې لویـې قـوې سره یـو ځـل بیـا د دهیـک مرکـز تـه راغلـل. د دهیـک ولسـوالۍ د مرکـز دسـاتلو پـه بهانـه یـې د تاسـنګ پـه کلي کـې ظالمانـه عملیـات پیـل کـړل. د خلکـو کورونـه، مسـجدونه او باغونـه یـې ونـړول، د ځینـو کورونـو دروازې یـې پـه ټانګونـه ماتـې کـړې، پـه کلاوو کـې یـې ټانګونـه ودرول او د کورونـو پـه بامونـو عسـکرو سـنګرونه جـوړ کـړل. د لارې لـه څنـګ سره ټـول کورونـه او دیوالونـه یـې ونـړول. حتی د تاسنګ مشـهوره لیسه یې هـم تخریب کـړه. تـر دې پـورې چـې د تاسـنګ د لـوی کلي اویـا فیصـده خلـک یـې هجـرت تـه مجبـور کـړل، لـه خلکـو کورونـه، بهانـد کاریزونه،شـنې کرونـدې او رسـیدلي باغـات پاتـه شـول. دتاسـنګ ودان کلـی پـه کنډوالـو بـدل شـو او اوس یـوازې کـم شـمیر خلـک چـې لـه سـیمې د وتلـو وس نلـري لـه مجبـورۍ پـه کـې پاتـه دي. امریکایـي او داخلـي عسـکرو کـټ مـټ داسـې ظلـم وکـړ لکـه کمونیسـتانو بـه چـې خلـک یـو مخیـز هجـرت تـه مجبـورول او ودان کلي بـه یـې پـه کنډوالو بدلـول. خـو د افسـوس ځـای دا دی چـې د دې لـوی وحشـت هیـڅ خـبر هـم راډیوګانـو اعـلان نـه کـړ او نـه یـې لـه دې لـوی وحشـت څخـه پـرده پورتـه کـړه. راډیوګانـو یـوازې دا خبره اعـلان کـړه چـې د دهیـک ولسـوالۍ مرکـز بیرتـه حکومتـي عسـکرو ونیـو، حـال دا چـې هلتـه یـو لـوی کلی بربـاد او پـه زرګونـو ولسي وګـړي کډوالـۍ تـه مجبـور شـول.

کلیوال عبدالمنان وویل چې د ډرون بریدونو اصلي قربانیان ټول ملکي خلک دي. ده د خپلې سیمې (دهیک) مثال ذکر کړ چې داسې ورځ هم راغلي چې په یوه ورځ ۱۳ ډرون بریدونه شوي، مګر ټول یې عام خلک ویشتلي.

ډي سي توپونه

عبدالمنـان وویـل چـې پـه دهیـک ولسـوالۍ کـې بـل هغـه څـه چـې خلکـو تـه ډیـر تلفـات اړوي هغـه د امریکایانـو او ګوډاګیانـو لخـوا را ویشـتل کیدونکـي رانـده توپونـه دي. د غـزني ښـار تـه نـږدې د یونـټ پـه نـوم یـو لـوی پوځـي مرکـز دی چـې خارجیـان او داخلـي عسـکر پـه کـې میشـت دي. پـه دې مرکـز کـې یـې لـوي ډي سي توپونـه لګـولي او د غـزني ولایـت پـه دهیـک، انـدړو، قـره بـاغ او نـورو ولسـوالیو بـې دریغـه ډزې کـوي.

پـه دهیـک ولسـوالۍ کـې یـوازې کـه پـه اونـۍ کـې دوه ورځـې ډزې ونـه شي، نـور تقریبـا بـلا ناغـه هـره ورځ د توپونـو مرمـۍ راځـي. دا درنـې مرمـۍ چـې هـره یـوه یـې یـو مکمـل کـور تخریبـولای شي، د کـوم مشـخص هـدف لپـاره نـه ویشـتل کیـږي، بلکـې د خلکـو د ویرولـو او وحشـت خپـرول یـې غـرض دی. تاسـنګ، بـالای، ذاکـر کلـی او نـورې سـیمې ډیـرې ولي داسـې هـم پیښـه شـوې چـې پـه یـوه ورځ تـر شـلو زیاتـې مرمـۍ را ویشـتل شـوي وي. پـه دې بریدونـو کـې عامـو خلکـو تـه ډیـر تلفـات رسـیدلي دي، څـو ځلـه پـه کورونـو لګیـدلي او عـام وګـړي یـې زیانمـن کـړي دي.

ځمکني عملیات او چاپې

لـه عبدالمنـان څخـه مـې پـه تاسـنګ کـې د نظامـي وضعیـت پوښـتنه وکـړه چـې د جګـړې کـوم اړخ غالـب دی. ده وویـل چـې د تاسـنګ لـه مرکـز پرتـه ټولـې سـیمې د طالبانـو تـر واک لانـدې دي. حکومتـي

عسکر نه شي کولای د ورځې ځمکنۍ عملیات یا پرمختګ وکړي. ځکه طالبان ورسره ډېر قوي مقاومت کوي. اشغالګران او ګوډاګیان دخپلې ناکامۍ غچ له ولسي خلکو اخلي، دوی د شپې مهال په ولسي سیمو چاپې وهي او یا هم ډرون بریدونه او بمبارونه کوي.

د چاپو په لړ کې د ځانګړو ځواکونو لخوا ډېرې وحشیانه چاپې وهل کیږي. د غزني له یونټ، د لوګر له خدر کمپاین او یا هم د پکتیکا له اورګون څخه په شپه کې په څرخکو کې راځي، د عامو خلکو په کورونه حملې کوي. بې ګناه کلیوال وژني، له کورونو غلاوې کوي، دوکانونه لوټوي او بیا یې سوځوي او هر وړ تخریب چې یې خوښ شي ترسره کوي یې.

د بیلګې په توګه څه موده وړاندې یې د دهیک ولسوالۍ د کندر په کلي چاپه ووهله،په کلي کې د موجودو دوکانونو دروازې یې ماتې کړې، پیسې او قیمتي شیان یې غلا کړل او بیا یې دوکانونو ته اور واچاوه. د خلکو موټر او موټر سایکل یې هم وسوځول او د تلو په وخت یې د ډاکټر حسن په نوم یو ډاکټر او د هغه دوه ورونه، له ځان سره یووړل.

له همدې چاپې وروسته یې د بالای په کلي چاپه وهلې وه، دصدام په نوم د یوه کلیوال کور ته ور اوښتي وو، بل شی په لاس نه و ورغلي آخر یې د بوټو کوټې ته اور اچولی و، غواګانې یې ویشتلې او وژلې وې، په همدې کلي د عبدالله په نوم د یوه تن غټ دوکان یې اول چور کړی او بیا سوځولی و. له دې څو ورځې بعد یې د دهیک ولسوالۍ د سلیمانزو په بازار چاپه ووهله. دغه بازار شاوخوا ۵۰ دوکانونه درلودل او کلیوالو به خپل د اړتیا وړ شیان ترې رانیول. ظالمو عسکرو د دغه بازار دوکانونه هم لومړی مات کړل، پیسې او قیمتي توکي یې غلا کړل او بیا یې اور ورواچاوه. دا د بازارونو سوځول یوازې په دهیک کې نه دي پیښ شوي بلکې زموږ سره په څنګلوو سیمو کې هم داسې وحشتونه شوي دي، د مثال په ډول د پکتیا په زرمت کې یې د کولالګو او پاټک بازارونو کې دوکانونه مات او تخریب کړل او اندړو ولسوالۍ کې یې د کمالخیلو بازار له لوټمارۍ وروسته وسوځاوه.

د ډرون ړانده بریدونه

له عبدالمنان څخه مې د ډرون یا بې پیلوټه الوتکو د بریدونو په اړه پوښتنه وکړه، ځکه څه موده وړاندې د امریکا ولسمشر ډونالډ ټرمپ ویلي وو چې په افغانستان کې یې بمبار ته زور ورکړی او د ده په خبره تر بل هر وخت یې ډېر طالبان وژلي دي. خو کلیوال عبدالمنان وویل چې د ډرون بریدونو اصلي قربانیان ټول ملکي خلک دي.

ده د خپلې سیمې (دهیک) مثال ذکر کړ چې داسې ورځ هم راغلې چې په یوه ورځ ۱۳ ډرون بریدونه شوي، مګر ټول یې عام خلک ویشتلي. ده وویل: په همدې ولسوالۍ کې یو کلی هم د دهیک په نوم دی، په همدې کلي کې یو کوچنی ماشوم چې پسونه یې څرول، کله یې چې غرمه مهال کور ته پسونه راوستي مور ته یې ویلي چې ډوډۍ راکړه. مور یې ورته ویلي



چې ورشه په کرونده کې د برمې شمسي هنداري لمر ته برابري کړه، تر هغو به درته ډوډۍ تیاره کړم، ۱۱ کلن هلک د هندارو په سمولو بوخت و، چې ډرون گوزار ورباندې وکړ او ځای پر ځای یې شهید کړ. عبدالمنان زیاته کړه: په همدې ورځ زه د لوبیا په درمند کې بوخت وم، ډرون الوتکې ډېرې ټیټې گرځیدې، ناڅاپه مې غږ تر غوږ شو، لږ شیبه وروسته مور ته نږدې درب شو او میزایل ولگید. څه وخت بعد چې ورغلم ومې لیدل چې د مهتر گوډلو د کلي اوسیدونکی یو ځوان چې په موټر سایکل سپور و ویشتلی یې و او شهید و. شهید مو چې له نږدې ولید یو عام سړی و، فقط لنگوټه یې پر سر وه او لږې ترې غوړځیدلې وه. په همدې مازدیگر یې په علي کلا کې د حاجي روزي خان لمسی چې په باغ کې یې کار کاوه، د ډرون لخوا وویشتل شو او شهید شو. په ذاکر کلي کې د ملا محمد الله په نوم یو ډیر سپین ږیری ملا چې په لکړه گرځیده د کلي په منځ کې روان و چې ډرون وویشت او شهید شو. د کلي د مدرسې یو ۱۲ کلن طالب چې د بالای او سلیمانزو کلیو تر منځ په بایسکل سپور روان و د ډرون لخوا وویشتل شو او په شهادت ورسید. په سلیمانزو کې یې دوه نور کسان وویشتل چې یو په مال پسې روان شپون و او بل کرونده اوبوله. په علي کلا کې یې یو داسې ځوان وویشت چې څوورځې مخکې د دوبۍ له مسافرۍ کور ته راستون شوی و. مقصد دا چې ډرون بریدونو هم عامو کلیوالو ته ډیر تلفات رسولي دي. خو دغه حملې د دې په ځای چې امریکایانو ته په نظامي برخه کې گټه وکړي، د دوی پر ضد یې د افغانانو قهر او د انتقام جذبه نوره زیاته کړې ده. اوس ټول خلک په دې پوه شوي چې دغه اشغالگر او د هغوی ملگري زموږ سرسخته عقیدوي دښمنان دي. دوی د بې گناه وگړو، ماشومانو، سپین ږیرو، تورسرو او هیڅ مسلمان په وژلو هم سرپه نه کوي. نو ځکه د ټولو خلکو په خوله اوس دا خبره ده چې د موجوده ټولو مشکلاتو حل یوازې دا دی چې کافر او ظالم اشغالگر باید له افغانستانه ورک شي.

کلیوال عبدالمنان نوري هم ډېرې دردونکې کیسې درلودې، د چاپو او بمبار له امله د ماشومانو، ښځو او نورو عامو وگړو اضطراب او رواني ستونزې، دغه راز ولسي وگړو ته هره ورځ پیښیدونکي ځاني او مالي تلفات چې د اشغالگرو او د هغوی د گوډاگیانو لخوا د یوه خاموش قتل عام په بڼه جریان لري او هره ورځ د خلکو ژوند گواښي.

کلیوال عبدالمنان نوري هم ډیرې دردونکې کیسې درلودې، د چاپو او بمبار له امله د ماشومانو، ښځو او نورو عامو وگړو اضطراب او رواني ستونزې، دغه راز ولسي وگړو ته هره ورځ پیښیدونکي ځاني او مالي تلفات چې د اشغالگرو او د هغوی د گوډاگیانو لخوا د یوه خاموش قتل عام په بڼه جریان لري او هره ورځ د خلکو ژوند گواښي. البته دا یوازې د غزني او دهیک داستان نه دی، بلکې دافغانستان په زیاتره کلیوالو سیمو کافرو اشغالگرو او هغوی مزدورانو همداسې وحشت روان ساتلی دی.



چند اصل بنیادی

برای پیروزی یك حرکت جهادی

نویسنده: موسی فرهاد
ترجمه: ابو مصعب بغلانی

دین مقدس اسلام برای پیروان خود چنان رهنمود های دارد که در صورت عمل به آن در زندگی فلاح و رستگاری، وکامیابی دنیا و آخرت نهفته است «المومن للمومن کالبنیان یشد بعضه بعضاً» (بخاری ومسلم) نبی کریم صلی الله علیه وسلم می فرمایند: (یک مسلمان برای مسلمان دیگر حیثیت یک ساختمان و یا دیوار مضبوط را دارد، که بعضی از بخشهایش را بخشی دیگر مستحکم ومضبوط میسازد).

اخوت و برادری، محبت و صممیت در صفوف یک حرکت اسلامی چنین حیثیت دارد مانند خشت پخته که در بین دیوار آن گچ و سمنت هم باشد، اگر در میان آن خشت این گچ وسمنت نباشد، یک خشت دیگرش را خوب نمی گیرد، در اثر فشار معمولی دیوار از بین می رود، در جای خود ثابت باقی نمی ماند، همچنان اگر در میان افراد یک حرکت اسلامی، محبت و صممیت و برادری وجود نداشته باشد، یک صف مضبوط ومستحکم شده نمیتواند، که در برابر مشکلات وطوفان ها مقاومت کرده بتواند.

پیامبر عزیز اسلام صلی الله علیه و سلم در یک حدیث شریف دیگر مسلمانان و یک حرکت اسلامی را مانند جسم واحد تشبیه نموده است، که درد و تکلیف هرعضو را تمام بدن انسان احساس می کند، رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرمایند: «مثل المومنين في توادهم، وتراحمهم، وتعاطفهم، مثل الجسد اذا اشتكى منه عضو تداعى له سائر الجسد باالسهر والحمى» [اخرجه البخاري، ومسلم عن النعمان بن بشير] (یعنی، مسلمانان در محبت و صممیت و تراحم مانند یک جسم واحد می باشد، زمانیکه به یک عضو آن تکلیف می رسد، همزمان تمام بدن وی را تب و درد بی قرار می سازد، آنست که کیفیت محبت، و صممیت باز جایگاه وی را تا به قله های ایثار وقربانی می رساند، آنجا است که مسلمان برادر مسلمانش را بر راحت و فایده شخصی اش ترجیح می دهد، برعکس در تکلیف و تاوان خودش را پیش می کند، نمی گذارد که به برادر مسلمانش تکلیف برسد، تاریخ اسلامی از چنین داستان های ایثار و فداکاری مملو است، که تاریخ بشریت از آوردن مثال هایش عاجز، و مردمان مادی پرست تصورش را هم کرده نمی توانند، افراد که از اوصاف زرین محبت و برادری، ایثار وفداکاری برخوردار هستند موجودیت شان در صفوف حرکت اسلامی ضامن آنست که این صف می تواند در برابر هر طوفان ومشکل با پیشانی باز مقابله کند، و هیچ دسیسه دشمن در برابر عزم فولادین او مقاومت کرده نمی تواند، در کنار آن که اسلام تهداب اصول یک جامعه گسترده اسلامی را پیشکش می نماید؛ در عین حال برای پیشرفت نهضت آن، راه کامیابی را نشان داده است، که برای یک جامعه واقعی اسلامی ونظام آن تلاش خودرا آغاز کند، آن نهضت جهاد مجاهدین است که عملا در راه الله تعالی شب و روز زحمات و مشقت ها را برداشت نموده، در مقابل دشمنان اسلام جهاد می کند، قسمیکه احکام ماموربه جهاد مهمترین عبادت است، جهاد مهمترین وسیله تنفیذ و دفاع از احکام اسلامی است، و یک رکن بزرگ شریعت اسلامی به شمار می رود، اگر ما واقعاً می خواهیم این رکن اهم اسلام را به شکل درست انجام دهیم، و در انجام آن آرمان های جهادی ما تحقق یابد، قربانی ما در راه الله نتیجه مثبت در پی داشته باشد؛ باید مطابق ارشادات الهی چند مورد کار های ذیل را انجام دهیم:

وحدت صف:

اول صف خود را باید متحد و از هر قسم اختلاف پاک نگهداری کرد بخاطر که الله تعالی در آیات زیاد قرآن

کریم بر متحد بودن صف اسلامی تاکید داشته، حتی تا اندازه که یک سوره مکمل بنام الصف نازل شده است، و در آن به طور خاص بر متحد بودن صف جهادی زیاد ترکیز نموده است، « ان الله یحب الذین یقاتلون في سبیله صفاً كانهم بنیان مرصوص » (الصف ۴) قرآن کریم در آیات متعدد مسلمانان را بر حفظ و نگهداری وحدت ذات البینی امر نموده، و از دامن زدن به اختلافات منع کرده است، « وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُم بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا » (آل عمران ۱۰۳) (تمام شما به ریسمان الله چنگ بزنید تیت و پراکنده نشوید شکرگذارآن نعمت الله تعالی باشید زمانیکه تمام شما دشمن یکدیگر بودید، مگر خداوند بر دلهای شما محبت انداخت، پس به برکت آن نعمت اکنون شما در میان خود برادر هستید،) از همینجاست که متحد بودن صف خیلی مهم و اشد ضرورت می باشد، و در دین مقدس اسلام اهمیت خاص دارد، اگر صف متحد نباشد، نه تنها هیچ چانس کامیابی دیده نمی شود، بلکه تفرقه خود یک فتنه بزرگ وعامل بدترین شکست می گردد، مثال خوب آن در کشور ما تعدد، و تفرق تنظیم های جهادی در مقابل روسها است که نتیجه اش خستگی و درماندگی بود.

ثبات قدمی:

دوم در مسیر انتخابی خود ثابت قدم ماندن، الله تعالی در سوره انعام آیه ۱۵۳ می فرمایند:
« وَأَنَّ هَٰذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ... » یعنی این راه راست و مستقیم من است، باید پیروی کنید، به راه کج و غلط مروید، که شما را متفرق و پراکنده می سازد و از رفتن در راه راست منع می کند.

همچنین در آیه ۱۱۲ سوره هود می فرمایند: « فَاستَقِم كَما أُمِرتَ وَمَن تابَ مَعَكَ وَلا تَطغَوا إِنَّهُ بِما تَعمَلونَ بَصيرٌ » (یعنی محکم ثابت قدم بمانید به آنچه که امر شده اید، و آنهایی که با شما به سوی بندهگی الله تعالی رجوع می کند، نافرمانی نکنید، بدون شک الله تعالی به همه اعمال شما بینا است.)

عموماً مسلمانان، و خصوصا مجاهدین به این مکلف هستند، که در مسیر خود محکم و ثابت قدم بمانند، راه خود را عوض نکنند، زیرا که تغییر مسیر به معنی ترک راه الله متعالی و رفتن به آن راه های است که راه شیطان است، رفتن به راه شیطان حتماً آدم را با شکست مواجه می کند، و به ذلت دنیا و آخرت گرفتار میشود.

در این مورد ما نمونه های زیادی داریم، در مقابل روسها مردمان زیادی جهاد کردند، مگر متاسفانه که به سبب انحراف از مسیر خود در صف کافران متجاوز قرار گرفتند، که واقعا این برای مسلمان ذلت است، یکجا شدن به صف کفار دلالت براین می کند که به رسوایی ذلت بار آخرت گرفتار شدنی اند.

نظم و هماهنگی:

سومین چیزیکه لازم است رعایت نظم و دیسیپلین وهماهنگی است، چونکه بر این اصل در دین مقدس اسلام از هر تهذیب دیگر بیشتر اهمیت داده می شود؛ قسمیکه الله تعالی می فرمائد: « إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ » (۴۹ القمر) (ما هر شی را به اندازه پیدا کرده ایم) این راز را در آیات دیگر می فرمائد: « وَمَن يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ » (۲۲۹ البقره) (کسانی که از حدود و اصول خدا تجاوز کرد، آنها ستمگران هستند..

مطلب اینهمه مخلوقات را الله تعالی به یک نظم و دیسیبلین خلق کرده است، اگر احیانا آنها از نظم و حدود مقرره الله تعالی عدول کنند، بدیهی است که در ساختار مخلوق بی نظمی ایجاد می شود.

اما الله تعالی در این راستا به بندگان خود رهنمایی می کند، که شما امور بندگی خود را در چوکات نظم ودسیپلین عیار بسازید، تا اینکه امور زندگی شما به بی نظمی وناکامی نیانجامد.

به همین خاطر برای مجاهدین راه اسلام لازم است که از این اصل محکم پیروی کند، این بخاطر آنست که بیشتر از دیگران اینها به نظم ودیسیپلین، ترتیب و کنترول ضرورت دارند، توسط همین نظم می توانند به اهداف خود برسند.

امروز و فردا که در هر کجای دنیا در مقابل دشمن اشغالگر جهاد و مقاومت جریان دارد، من و شما شاهد آن هستیم زمانیکه قومانده واحد باشد، به نظم ودسیپلین توجه می شود، آنست که عملا نتیجه ای خوبی دارد، دشمن در اثر حمله تهاجمی به شکست مواجه میشود.

مثال خوب آن کشور ما افغانستان است، به برکت قیادت واحد کمتر از دو دهه میشود که در طولانی ترین مبارزه در مقابل ایتلاف گسترده کافران اشغالگر، (کافران) به شرمندگی تاریخی و رسوایی بزرگ مواجه هستند . برعکس در کدام کشورهای دیگر مانند جهان عرب و بعضی دیگر کشورها در مقابل اشغالگران و حاکمان طاغوتی به جای اینکه قومانده تحت قیادت واحد باشد از جانب قیادت های مختلف اداره می شود، آنجا نه تنها

اینکه چانس برنده شدن مقاومت ناممکن است، بلکه آنجا در اثر بی نظمی قیادت های متعدد صف جهادی شکار اختلافات ذات البینی شده و به مشکلات بسیار مواجه شده و می شوند.

صبر و توکل:

چهارمین چیز اصولی و یا بنیادی در پیش گرفتن صبر، تقوا، و توکل است، الله متعال می فرماید:
«انمَّا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسابٍ ــ الزمر ۱۰»
(بدون شک صبرکنندگان را بخاطر صبرشان اجر و پاداش بیشمار داده میشود.)

این هر سه برای مومن سبب کامیابی دنیا و آخرت محسوب می شوند، تحمل بر مصیبت ها، خود داری از مفاسد، بعد از تدبیر بشری، توکل محض بر الله عزوجل نمودن، مرد مسلمان را خوامخواه به منزل مقصود می رساند، در این هیچ شک وشبهه نیست، زیراکه الله تعالی در قرآن کریم چنین می فرمایئد،: «وَ مَنْ يَتَّقِ اللّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لا يَحْتَسِبُ وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللّهَ بالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ الله لكل شيىء قدرا» (۲- و ۳ طَلاق)

)کسانی که از الله تعالی هراس دارند، خدایتعالی راه بیرون رفت از سختی ها را برایش مهیا می سازد، از آنچنان راهی برایش روزی می رساند که هیچ گمانش را نداشت، کسانی که بر الله تعالی توکل داشته باشد، بس الله وی را کافیست، بدون شک الله تعالی تکمیل کننده کارها است، لکن برای هر کار خویش اندازه مقرر نموده است)

همچنان که الله متعال در سوره مبارکه انفال آیه ۲۶ می فرماید:
« وَ اذْكُرُوا إِذْ أَنْتُمْ قَلِيلٌ مُسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ تَخافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ فَآواكُمْ وَ أَيَّدَكُمْ بِنَصْرِهِ وَ رَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّباتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ»

(و به خاطر بیاورید هنگامی را که شما در روی زمین، گروهی کوچک و اندک و زبون بودید؛ آنچنان که می‌ترسیدید مردم شما را بربایند ولی او شما را پناه داد؛ و با یاری خود تقویت کرد؛ و از روزیهای پاکیزه بهره‌مند ساخت؛ تا باشد که شکر نعمتش را بجا آورید)

درآیات ذکر شده بالا پیام آشکار وجود دارد که یگانه راه نجات و فلاح ترس از خداوند است، بر امتحان ومشکلات که از جانب الهی است تحمل و برداشت کرده و بر آن ذات الهی توکل خاص و اعتماد به او کرد، اگر که چند گاهی شما از جانب دشمن شدیداً تحت فشار قرار می گیرید، ناتوان و مایوس می شوید، مگر دوباره همان ذات الهی راه نجات را به روی شما باز می کند، در صورت که به آن ذات باریتعالی باور داشته باشید.

اطاعت و عمل:

پنجمین چیزیکه ضروری است اطاعت عملی و شعوری است چرا که در جهاد اطاعت امیر از آن شرایط اساسی است که نظر به قول جمهور فقهاء موجودیت امیر، و اطاعت از آن برای جهاد، حتمی و بسیار مهم است.
از خلیفه دوم اسلام امیر المومنین عمر بن الخطاب رضی الله وعنه روایت است که می فرمایند: «لا اسلام، بلا جماعه ولاجماعه بلا امیر ولا امیر، بلا طاعه»
بدون جماعت اسلام آمده نمی تواند، و نه جماعت بدون موجودیت امیر شده می تواند، و نه هم امیر، امیر شده می تواند تا زمانی که از وی اطاعت نشود.

در مورد اطاعت امیر حکم واضح الله تعالي چنین است:
« أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ » [الانفال ۴۶]
یعنی فرمانبرداری الله ورسول را بکنید، در بین خود منازعه نکنید، که از هم پاشیده می شوید، و قوت شما از بین می رود و صبر کنید، بدون شک الله تعالی باصابران است.)

همچنان حکم لازم بودن امیر در احادیث خیلی زیاد ضروری گفته شده است:
«عن ابی هريرة عن النبي صلي الله عليه وسلم قال، من اطاعني فقد اطاع الله ومن يعصني فقد عصي الله ومن يطيع الامير فقد اطاعني ومن يعص الامير فقد عصاني » (راه مسلم)
(از ابو هریرة رضی الله عنه روایت است که نبی کریم صلی الله علیه وسلم فرمودند: کسی که از من اطاعت نمود، آن کس از الله تعالی اطاعت کرده، و کسیکه از من نا فرمانی کند، پس آن کس از الله نافرمانی کرده است، کسی که از امیر اطاعت کند، آن شخص از من اطاعت کرده، و کسی که از امیر نافرمانی کند، گویا آن شخص از من نافرمانی کرده باشد.)

اطاعت تنها این نیست که به خوبی ها اطاعت شود، و از مشکلات کناره گیری کند، بلکه در هر حالت شریعت آن را لازم دانسته، طوریکه به یک حدیث پیغمبر علیه السلام می آید که: «السمع والطاعة علي المرء فيما أحب وكره» (شنیدن احکام و فرمانبرداري نمودن برای انسان در آنچه که لازم است چه خوش باشد و چه ناخوش.)

توجه به عبادات:

ششمین اصل مهم در باب موفقیت توجه خاص در انجام عبادات است قسمیکه عبادات فرضی را مسلمان هیچ

وقت گذاشته نمی تواند، اگر گذاشته شود خطر باخت ایمان است، آن هم کسانی که جهت تنفیذ دین اسلام اظهار آمادگی کرده باشند و در راه الله تعالی سر و زندگی خود را وقف نموده باشند، برای آن در کنار انجام عبادات فرضی به عبادات نفلی هم اهتمام خیلی ضروری است، و زیاد مواقع نصرت وهزیمت به آن بستگی دارد.
در این مورد یک سخن مشهور فاتح بیت المقدس قهرمان جهان اسلام سلطان صلاح الدین ایوبی بخشی از تاریخ حساب می شود، گفته می شود نامبرده یکبار در حین شب بیرون شد با یک خیمه ای رو برو می شود داخل را مشاهده می کند که مردم در نماز ایستاده اند، و یا هم مشغول تلاوت قرآن کریم هستند، صلاح الدین ایوبی گفت: «من هنا ياتي النصر» نصرت از همینجا می آید، یعنی به برکت اینچنین مجاهدین عبادتگذار الله تعالی نصرت ما را می کند و ما بر دشمن غلبه حاصل می کنیم. جلوتر از این که میرود، در یک خیمه دیگر مشاهده می کند که مردم خوابیده اند، هیچ یک عبادتگذار به نظر نمی رسد، نامبرده گفت «من هنا تأتي الهزيمة» (شکست از همینجا می آید) یعنی غفلت از ذکر وعبادت خدایتعالی عامل شکست و ناکامی می گردد.
الله تعالی در قرآن کریم اینچنین مسلمانان را که زندگی خود را در راه الله وقف نموده اند، صفت آنها را در سوره مبارکه سجده آیه ١٦ چنین بیان می کند:
«تتجافى جنوبهم عن المضاجع يدعون ربهم خوفا و طمعا و مما رزقناهم ينفقون»
(پهلوهایشان از بسترها در دل شب دور می‌شود (و به پا می‌خیزند و رو به درگاه خدا می آورند) و پروردگار خود را با بیم و امید می‌خوانند، و از آنچه به آنان روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند.)
لکن در این شکی نیست که برای پیروزی وکامیابی جهاد، عامل بزرگ نصرت توجه خاص به عبادات نفلی است، زمانیکه این بخش از مجاهدین ناقص باشد، این حتمی است که به یک نوع شکل جدید از نصرت الله تعالی محروم می شوند، در عوض فتح و پیروزی شکست نصیب وی می گردد.

مشوره و تدبیر:

هفتمین چیزیکه بسیار ضروری است لزوم مشوره و تدبیر در امور است.
خداوند جل جلاله در قرآن کریم به پیغمبر علیه السلام امر به مشوره دهی می کند:
« وشاورهم فی الامر »
(و با آنها در مسایل مشورت کن.)
و در جایی مومنین را اینگونه توصیف می کند:
« وأمرهم شورا بينهم » (و در مسایل با هم در مشوره اند.)
مشوره کردن در اصل برای پیشبرد کارها بهترین تدبیر است، در زبان عربی یک مقوله مشهور است که می گویند: «من ساء تدبیره،تعجل تدميره» کسانی که تدبیرش درست نباشد، به هلاکت خود عجله دارد.
اگر یک شخص کار خود را بدون مشوره، پلان، و تدبیره آغاز کرده باشد، یا اینکه تدبیرش نادرست باشد، گویا آن شخص خود اسباب هلاکت، تباهی، و ناکامی را به خود خریده است.
عبدالملک بن مروان که در سلسله خلفاء اموی حاکم پنجم بود، می گوید: [لأن أخطئ وقد استشرت؛ أحب عندي من أن أصيب وقد استبددت برأي] اگر من در یک کاری خطا شدم که قبل از این در مورد آن مشوره کرده بودم، آن برای من محبوب است، از اینکه یک کاری را بنظر خود بدون مشوره انجام دهم در آن کامیاب شوم .
در این مورد یک عالم می نویسد:
[السلامة في التأني والندامة في العجلة. فالتأني هو التدبير والمشاورة وأما العجلة فهي الاستبداد والأخذ بالرأي وعدم المشاورة والتفكر في الأمر]
(سلامتی در تأنی و آرامش و پشیمانی در عجله است، تأنی تدبیر ومشوره را می گویند، عجله بدون مشوره و تفکر، و کار کردن به رای خود را می گویند.)
در پایان باید مختصراً گفته شود که از زمانیکه در تشکیلات امارت اسلامی نظم و نسق ایجاد گردیده است، کارهای آن نسبت به دیگر وقت ها خیلی بهتر به تدبیر ومشاوره انجام می شود؛ همینست که نتیجه آن خیلی درخشان است، نمونه های زیادی از آن وجود دارد، لکن هنوز هم در این راه به کارهای زیادی نیاز است، که باید امارت اسلامی در تشکیلات نظامی، اداری و در تمام ارگان ها بیشتر از این به شکل مسئولانه و شعوری متوجه شود که در این رمز نجات دنیا و آخرت نهفته است.
و ما باور داریم اگر مجاهدین امارت اسلامی، جهت بهبود امور جهادی و به خاطر پیشرفت، این اصول هفتگانه را که در بالا ذکر شد، عمل کنند، این حتمی است که هیچ گاهی الله تعالی آنان را از نصرت و رحمت خویش محروم نمی کند،
« والله غالب على أمره ... » [یوسف٢١]
پایان.
یکم/ سپتامبر/ ٢٠١٩ میلادی



معارف میان پتک و سندان اشغالگران

نویسنده: حمید روستایی

علم و دانش در اسلام از جایگاه خاصی برخوردار است و اسلام نه تنها اینکه به فرا گرفتن علم و دانش تشویق نموده است، بلکه میان عالم و جاهل تفاوت بسا بزرگی قائل است. الله عزوجل در قرآن کریم به پیامبر خود امر فرمود: (وَقُل رَّبِّ زِدْنِي عِلْمًا) و بگو! پروردگارا بر علمم بیفزای!. و این امر متوجه هر مومن و مسلمان است تا برای زیادت علم و فقاهت خود دعا کند. اسلام همواره طرفدار علم و علماء بوده و در چندین قرن که در نیم بیشتر جهان حاکمیت داشت، مرکز خلافت و سایر شهرهای بزرگ مراکز علم و دانش بود و دانشمندان از علوم مختلف در آن مصروف فعالیت بودند.

امروز در جهان اسلام یکی از پلان های شوم امریکایی های اشغالگر محو علم، نشر جهل و بی سوادی و خاتمه بخشیدن به نسل فهم، فرهنگ و دانش است. آنها پس از اشغال افغانستان در راه بطی ساختن روند معارف و عقیم ساختن آن تلاش های گوناگون را به راه انداخته اند، و با تأسف باید گفت که آنها در مدت نزدیک به ۱۹ سال توانسته اند تا یک حدی به اهداف خود نایل گردند.

امریکا در کشورهای مستعمره نسلی را میخواهد که با قیافه زیبا و آراسته در خدمت وی باشند، نسلیکه ما مثالهایش را به وفور در کشور خود مشاهده میکنیم. نسلیکه از تاریخش چیزی نمیداند، به قوانین و دستور عقیده اش پایبند نیست، بزرگانش را نمی شناسد، فرهنگیان ، مخترعان و مثقفان مسلمان را دشنام می دهد.

کمونستان، دموکراتان و افراد دارای عقاید پوچ و جاهلی را رهبر خود می داند، به انتساب به آن می بالند و در راه پخش ونشرش می کوشند، و خلاصه اینکه نسلیکه مغشوش الذهن است و مغزش از افکار گندیده و بیگانهٔ امریکایی و اروپایی چنان مالامال گردیده که برای افکار اصلاح و تدین درآن جایی نمانده.

این نسل نه تنها که مغشوش الذهن است بلکه

بسبب وضعیت جنگی و فساد سیستم مالی وتسلط مفسدین وجنایت پیشه گان داخلی وخارجی در کشور از لحاظ اقتصادی به فقر وتنگدستی نیز مواجه است و اشد ضرورت به پول دارد تا خود را مطابق شرایط آماده کند، شرایطی که خود جذب و ذوب آن شده است، و برای دست یافتن به پول حاضر به پذیرفتن هرگونه شرایط امریکا میشوند و ناخوانده با عجله در پائین هر مکتوب امریکا امضاء می کند.

این نسل مانند غلامان قرون وسطایی اند که بدون مزد سر تا پا در خدمت بادار اند. آری! به قول داکتر علی شریعتی اینها غلامان اند، اما غلام از نوع معاصر، غلامیکه در خدمت پول است و پول او را وادار میکند تا عقیده، وجدان، ضمیر، تن، جسد، مقدسات و تمام داشته های خود را لیلام کند.

و این غلامی بدتر از غلامی قرون وسطایی است. اما با وجود این همه، با چشم سفیدی ادعای آزادی نموده و در زیر درفش بادار نیز جشن استقلال برگذار می کند.

و یکی از کارهای بی معنای که غربیان آنرا به عنوان یک چیز مقدس می شمارند و می خواهند آن را در کشورهای اسلامی نیز عملی سازند روز معلم است. روز معلم و امثالش چیزهای مضحکی اند که انسان را به گریه می آورد. روز معلم در زیر سایهٔ بیرق امریکا در حالی تجلیل می گردد که در مدت هژده سال گذشته ما هیچ نوع پیشرفت واقعی را در معارف مشاهده نکردیم. اگر در قسمت تعمیر و آبادی یک تعداد مکاتب اقدام صورت گرفته در سایهٔ اعمار مکاتب به ملیون ها افغانی از سرمایهٔ ملت به جیب سارقین، رشوت خوران و مافیا ریخته و به ملت در عوض سود رساندن صدمه رسیده. تطبیق چنین پروژه ها به خاطر سود رساندن به ملت نبوده بلکه به خاطر پر ساختن جیب های ستمکاران دوران بوده است.

<< امریکا در کشورهای مستعمره نسلی را میخواهد که با قیافه زیبا و آراسته در خدمت وی باشند، نسلیکه ما مثالهایش را به وفور در کشور خود مشاهده میکنیم. نسلیکه از تاریخش چیزی نمیداند، به قوانین و دستور عقیده اش پایبند نیست، بزرگانش را نمی شناسد، فرهنگیان ، مخترعان و مثقفان مسلمان را دشنام می دهد.

***

<< یکی دیگر از نیرنگ های اشغالگران به خاطر جاهل سازی جامعه ما تدوین و ترتیب نصاب غلط، نادرست و بیکاره برای معارف است. اشغالگران بعد از حضور استعماری خود چندین بار نصاب معارف را تغیر دادند تا به هدف و مرام خود رسیده باشند. کتاب های که در آخرین ویرایش به معارف رسیده چنان دشوار و مغلق است که شاگردان مکتب توانای هضم آنرا ندارند .

شاید کسانی اعتراض نموده بگویند که اعمار این همه مکاتب درین مرحله یک کار سودمند و مفید است، و شما چرا ازین همه نیکی های امریکایی ها چشم پوشی میکنید؟ در پاسخ باید گفت اعمار مکاتب کار نیک و پسندیده است، ولی درین مدت طولانی با آن همه پول و سرمایه و اختصاصات به معارف تمام مکاتب بلکه اکثر آنها هم اعمار و باز سازی نشدند، و حسب وعده ها در ۹۹,۹ فیصد مکاتب سیستم درسی درست تهیه نشده. در دهات و قریه جات دور دست هیچ مکتبی برای صنوف ابتدایی ساخته نشده و تا هنوز اطفال در زیر خیمه ها و یا مساجد درس می خوانند.

ادارهٔ کابل که در مواردی به نمایندگی از اشغالگران سخن می گوید بارها اعلان نموده که سطح سواد در کشور را به بلندترین مرتبه می رساند، و سطح بی سوادی را به پائین ترین سطح کاهش می دهد، ولی علی الرغم این همه لاف و پر گوییها مکاتب و مدارس کما کان مورد عنایت ادارهٔ کابل قرار نگرفته اند، و سخن به جای رسیده که افغانستان در

لیست کشورهای دارای بیشترین بی سواد درج شده است.

یکی دیگر از دروغ های اشغالگران بهانه گرفتن طالبان در قسمت پیشرفت و عقب مانده گی معارف است، و تعلل می کنند که طالبان مانع مکتب و درس و تعلیم اند، در حالیکه در ولایت های امنی مثل بدخشان، تخار، پنجشیر و ... که در اکثریت نقاطش تهدید طالبان در ده سال نخست اشغال موجود نبود، هیچ خدمتی صورت نگرفته و حتی کتاب های درسی به طور کامل به شاگردان نرسیده است، و از موجودیت معلم مسلکی و استادان ورزیده درکی نیست .

ادارۀ دیگری که از طرف ادارۀ کابل زیر نام با سواد سازی ملت ایجاد شده و در هر منطقه معلم های سواد آموزی مقرر کرده است، آن اداره هم هیچ خدمتی به ملت نکرده است و معلمان سواد آموز با کسب معاش در خانه های خود خواب هستند و تنها به خاطر امضای حاضری و کسب معاش به اداره مربوطه حاضر میشوند. و این همه در نتیجه بی توجهی مسئولین می باشد، گویا می خواهند اداره موجود باشد ولی کار و خدمت صورت نگیرد و نتیجۀ مرتب نباشد.

یکی دیگر از نیرنگ های اشغالگران به خاطر جاهل سازی جامعه ما تدوین و ترتیب نصاب غلط، نادرست و بیکاره برای معارف است. اشغالگران بعد از حضور استعماری خود چندین بار نصاب معارف را تغیر دادند تا به هدف و مرام خود رسیده باشند. کتاب های که در آخرین ویرایش به معارف رسیده چنان دشوار و مغلق است که شاگردان مکتب توانای هضم آنرا ندارند؛ به طور مثال کتاب انگلیسی صنوف ۱۰، ۱۱ و ۱۲ چنان دشوار است که حتی یک امریکایی هم بدون آمادگی آن را قرائت و خوانده نمیتواند، پس چه رسد که یک ملت که نیم فیصد آن هم انگلیس نیست بتواند آنرا بخواند و بفهمد. و کجاست آنقدر معلمین انگلیسی فهم که آن را برای شاگردان به وجه احسن بفهمانند؟.

نکته دیگری که شیطنت ادارۀ کابل و اشغالگران را بیشتر واضح می سازد این است که آنها با وجودیکه طالبان و مجاهدین را متهم به مسدود ساختن مکاتب میکنند، مگر خود شان درین امر از دیگران پیش دست اند و طبق راپورهای دقیق عساکر رژیم در چندین ولایت مکاتب را پوسته و سنگر جنگی ساخته و متعلمین را از رفتن به مکتب محروم نموده اند؛ که ولایت های بدخشان و لوگر را به عنوان مثال میتوان یاد کرد.

یکی دیگر از ضربات مهلکی که اشغالگران بر پیکر معارف افغانستان وارد ساختند تعین معاش کم و دادن لقمۀ بخور نمیر برای اساتید مکاتب می باشد. معلم و مکتب که اساس جامعه و مرجع شخصیت سازی و انسان سازی است و باید برای رفع نیازمندی های شان حکومت تمام توان را به خرج دهد اما اگر ما معاش منسوبین معارف را با منسوبین اردو و یا پولیس مقایسه کنیم کاملا شرم آور است، برای یک معلم از هفت الی دوازده هزار معاش داده می شود، اما برای یک عسکر معمولی پانزده هزار معاش پرداخت میگردد و معاش منسوبین بلند رتبه نظامی به حساب دالر است که هیچ قابل مقایسه با معارف نیست.

ادارۀ کابل حسب پلان اشغالگران به هزاران فارغ التحصیلان مکاتب و پوهنتون ها که از سواد کافی برخوردار نبودند و لیاقت و شایستگی معلم شدن را نداشتند، بدون در نظر گرفتن سویۀ علمی آنها و بدون تفکر در وضعیت مکاتب و بدون توجه به آینده کودکان آنها را جذب معارف نمودند، کاری کاملا غیر معیاری که در هیچ قانونی گنجایش ندارد، ولی کشورهای مستعمره باید این همه دشواریهای را تحمل کنند.

با آنچه گفته آمد برای مان واضح می گردد که اشغالگران هیچگاهی نمی خواهند در کشورهای مستعمره چیزی خوبی به میراث بگذارند، و مقصد شان فقط و فقط به تاراج بردن سرمایه های ملت ها و نشر لادینی و فساد می باشد. پس باید مردم چیز فهم ما از خواب غفلت بر خاسته و برای بیرون راندن اشغالگران اقدام جدی کنند و الا دیر نیست که ما شاهد یک نسل کاملا متغایر و مجهز با فرهنگ غربی باشیم.



کلیساها فروخته می شوند

نویسنده : حسن زوی
ترجمه: ابوزبیر حبیب زاده

درین روزها، اعلانات فروش کلیساهای کشورهای مختلف در رسانه های غربی منتشر شد و این بحث را یکبار دیگر داغ ساخت که آیا مسیحیت، که ادعای بزرگ ترین مذهب بودن جهان را دارد، حیثیت خود را به تیزی از دست می دهد ؟ و یا اینکه وابستگی مسیحیان با مذهب خود تنها به نام باقی مانده است ؟

الجزیره، تلویزیون مشهور جهان عرب در راپور خود می گوید که شمار کلیساهای راجستر شده در سراسر اروپا به ۶۰ هزار می رسد، اما تنها ۴ هزار آن باز است و مردم هر یکشنبه برای عبادت به آن کلیساها می روند. هرچه متباقی ۵۶ هزار کلیساهای دیگر در جریان تمام سال مسدود می باشند. زیرا کسی نمی باشد که برای عبادت به آن کلیساها برود.

بنا برین، کلیساها یکی پس از دیگر برای فروش به بازار عرضه می شود و سپس به هوتل ها و فروشگاه ها حتی بعضی آن ها به فارم های خنزیرها و طویله های اسپ ها تبدیل شده است. هالند درین عرصه از تمام اروپا پیشتاز است. شمار کلیساها در هالند به ۱۶ هزار می رسد، اما پیشوایان مذهبی این کشور می گویند که تنها در چهار سال اخیر چهار صد کلیسا بسته شده است. در امریکا هر سال اوسطا ۲۰ کلیسا بسته می شود.

مؤسسه تحقیقاتی مسیحی، بریتانیا (Christian Research Institute) در راپور خود گفته است که از سال ۱۹۶۰ میلادی به اینسو ۱۰ هزار کلیساها در بریتانیا بسته شده و تا سال ۲۰۲۰ میلادی ۴ هزار دیگر هم مسدود می شود.

دولت دنمارک نیز می گوید که از ۲۰۱۵ میلادی به اینسو ۲ صد کلیسا درین کشور بسته شده.

آلمان نیز پذیرفته است که ۵۱۵ کلیساهای این کشور در چند سال اخیر به سبب نبود عبادتگذاران مسدود شده است.
کلیسای کوچک اما تاریخی فرانسه به نام St Jules Catholic نیز به تاریخ ۲۲ جنوری امسال به مزایده/لیلام عرضه شد. خریدار مکلف می باشد در جای دیگری که مردم نیاز به معبد داشته باشند، کلیسای به این نام می سازد.
فلپ رویاک، مراقبت کننده فروش این کلیسا می گوید : قیمت ابتدایی این کلیسا ۵ هزار یورو تعیین شده. این کلیسا در ۱۸۹۰-۱۸۹۲م ساخته شده بود. اما از چند مدت به اینسو بسته شده بود و درین مدت هیچگونه ترمیم و آرایش نشده است. این نخستین کلیسای فرانسه است که برای فروش عرضه شده است.
دنمارک کشور مسیحیان است و ۸۲٪ جمعیت این کشور را مسیحیان تشکیل می دهند. اما تنها ۸٪ مردم آن برای عبادت به کلیسا می روند.
رئیس اداره نظم و حفاظت کلیساهای دنمارک می گوید : هرگاه مردم برای عبادت نیایند، بهتر است که این کلیساها به فارم های خنزیرها و طویله های اسپ ها تبدیل شود.
این اداره از فروش ۱۰ کلیسای دیگر نیز خبر داده است، اما در اعلانات خود قید «نان فار مسلمز» را اضافه کرده، یعنی مسلمان ها این کلیساها را خریده نمی توانند (زیرا که مسلمان ها این کلیساها را به مساجد تبدیل می کنند).
الجزیره به استناد از یک تلویزیون آلمانی گفته است که عامل بی ارزش شدن کلیساها اینست که مسیحیت هیچگونه سکون روحی برای پیروان خود ندارد. مسیحیان به منظور سکون و اطمینان روحی به کلیسا می روند، اما این جوهر در کلیسا عنقا است.
در راپور آمده است که مسیحیان آیرلندی از همه بیشتر مذهبی هستند. ۴۹ در صد آن ها هفته یکبار به کلیسا می روند. ۳۹ در صد مسیحیان ایتالیا، ۲۵ در صد مسیحیان هسپانیا، ۲۱ در صد مسیحیان بریتانیا، ۱۱ در صد مسیحیان آلمان و تنها ۸ در صد مسیحیان دنمارک روز یکشنبه برای عبادت به کلیساها می روند.
راپور می افزاید که مسیحیان استرالیا نیز همانند مسیحیان اروپا، از مذهب فاصله گرفته اند. اینجا نیز شمار مراجعین کلیسا بسیار کاهش یافته است. از همینست که دروازه های بسیاری کلیساها بسته شده و از میان آن ها، قرار است که ۵۵ کلیسا فروخته شود.
اداره مراقبت از کلیساهای استرالیا می گوید که از فروش این کلیساها ۲۰ ملیون دالر بدست می آورند و این پول را بر کودکانی خرج می کنند که در کلیساها از سوی راهبان مورد آزار جنسی قرار گرفته اند.
قابل یادآوری است که کلیسای مشهور Saint Martinez نیز شامل کلیساهای است که برای فروش عرضه می شود.
شمار کلیساها در استرالیا به ۳ هزار می رسد. اما تنها ۲۰ در صد مسیحیان این کشور برای عبادت به کلیساها می روند.
عراق در خاور میانه مرکز تهذیب ها شمرده می شود و تعداد زیادی مسیحیان دران جا زندگی می کنند. همچنان کلیساهای بسیار قدیمی و تاریخی دران کشور وجود دارد. اما اکنون بسیاری آن کلیساها، حیثیت خود را از دست داده اند و کمتر کلیساهای است که مسیحیان هفته وار برای عبادت به آن می روند. بیشتر کلیساهای عراق به دکان ها و مراکز تجارتی تبدیل شده و بعضی کلیساها اکنون آماده فروش است.
جوزیف صلیوا، عضو پیشین پارلمان عراق که خودش نیز مسیحی است، می گوید که اداره اوقاف مسیحیان و راهبان عراق در فروش غیر قانونی کلیساها دست دارند.
صلیوا در یک کانفرانس مطبوعاتی گفت : کلیسای کاتولیک سریانه برای فروش عرضه شده. این کار از نگاه قانون و اصول اداره کلیساها نادرست است. می توان کلیسا را به هدف دیگری بکار برد، اما فروش آن کاملا مخالفت با اصول است.
به گفته صلیوا ؛ به شمول کلیساها املاک زیادی مسیحایان توسط اداره اوقاف به فروش رسیده، اما کسی نمی داند که پول بدست آمده چه شد ؟

گم شدن پول دلیل اینست که اداره اوقاف و راهبان هر دو در فساد مالی شریک هستند. لوس ساکو، پیشوای نامدار کاتولیک و دیگر راهبان در فروش کلیساهای بغداد و دیگر شهرها دست دارند. کلیسای شورجه در سال ۱۸۳۴ میلادی ساخته شد، آن را پیشوایان مذهبی ما فروختند، اکنون آن به مرکز تجارتی تبدیل شده و مردم برای عبادت نه، بلکه برای خرید و فروش به آنجا می روند.

در راپور الجزیره آمده است : کلیساهای که در غرب فروخته شده و یا می شود، بسیاری آن را مسلمان ها می خرند و به مساجد تبدیل می کنند. شهر وینس، ایتالیا از شهرهای است که جای مناسب برای نماز خواندن مسلمان ها نداشت. اکنون مسلمان ها یک کلیسای تاریخی را خریدند و به مسجد تبدیل کرده اند. این کلیسا (سانتا ماریا دیل ابازیا دیلا میسریکوردیا) در قرن دهم میلادی ساخته شده بود و از چهل سال به اینسو بند بود.

مسلمان ها در آلمان نیز کلیسای تاریخی «دورتمندیو هانس» را خریده اند و به مسجد جامع دورتمند تبدیل کرده اند. این مسجد ۷ صد مربع میتر وسعت دارد و همزمان ۱۵ صد نماز گذار می توانند دران نماز بخوانند.

بلی، دینی که منسوخ باشد و حتی پیش از منسوخ شدن تحریفات زیادی دران رخ داده باشد و پیشوایان مذهبی آن در پهلوی تجاوز جنسی به ده ها مفاسد دیگر آلوده باشند، هیچگونه سکون و اطمینان روحی و یا ارتقای معنوی نمی داشته باشد. اگر چند تن متعصبین مذهبی برایش تبلیغات می کنند، این به جز گمراه کردن بعضی مردم بی علم دیگر نتیجه ای ندارد و حالش چنین می باشد که معابد آن فروخته می شود. جای بسیار شکر است که علمای ما برای حفاظت و اشاعت دین خود مساعی و قربانی های زیادی انجام داده اند و وابستگی مسلمان ها با دین شان قوی مانده است. چقدری که میزان خشونت ها بر ضد اسلام در جهان بالا رفته و تلاش ها برای بدنامی آن فزون تر گردیده، همانقدر مسلمان ها به دین خود نزدیک تر شده اند و احساس قربانی شان برای دین قوی تر شده است.

احترامی که مسلمان ها به مساجد خود دارند و مساجد را در سرتاسر جهان آباد نگه داشته اند، بسیار ستودنی است و یقینا نظیری ندارد.

تصور هم نمی توان کرد که مسلمانی مسجد را بفروشد، بلکه جای شکران است که مسلمان ها در کشورهای مسیحی کلیساهای آن ها را به پول می خرند و به مساجد تبدیل می کنند. این حقانیت اسلام را غربی ها می بینند و حتی آنانی هم به دین اسلام داخل می شوند که بیشتر حصه زندگی شان را در خصومت با اسلام سپری کرده اند. کشورهای غربی در ترس و هراس هستند و در کشورهای که گراف گرایش به اسلام بیشتر است، ترس برده می شود که شاید با مرور زمان به کشورهای مسلمان نشین تبدیل شوند. از همینست که اکنون آن ها راه های رسیدن مسلمان ها به اروپا را مسدود می سازند و در برابر مسلمان های اروپا مشکلات نیز ایجاد می کنند.





نگاهی بر اشغال خونین و تعامل سیاسی امریکا در افغانستان (۳)

تحقیق و ترتیب: سلمان رحیمی هروی

آمار تلفات غیر نظامیان در سال ۲۰۰۳:

تحلیلی که توسط روزنامه گاردین ارایه گردیده، تخمین می کند که در حدود ۲۰۰۰۰ تن به صورت مستقیم یا غیر مستقیم در اثر حملات زمینی و هوایی امریکا به قتل رسیده اند. پروفیسور مارک هیرولد از دانشگاه نیو هامپشایر تخمین می کند که طی بیست ماه از هفتم اکتوبر ۲۰۰۱ تا سوم جون ۲۰۰۳ دستکم ۳۱۰۰ تا ۳۶۰۰ غیر نظامی در اثر حملات مستقیم قوای تحت امر امریکا کشته شده است.

آمار تلفات غیر نظامیان در سال ۲۰۰٤:

آماری از منابع خبری غربی به دست نیامده ...

آمار تلفات غیر نظامیان در سال ۲۰۰۵:

پروفیسور مارک هیرولد از دانشگاه نیو هامپشایر تخمین می کند که دستکم ٤۰۸ تا ٤۷۸ غیر نظامی افغان در اثر عملیات مستقیم نیروهای ناتو/امریکا کشته شده است.

آمار تلفات غیر نظامیان در سال ۲۰۰٦:

سازمان دیده بان حقوق بشر گزارش داده است که در سال ۲۰۰٦، ۲۳۰ غیر نظامی افغان در اثر عملیات ناتو و یا امریکا کشته شده است. از آن جمله ۱۱٦ تن در اثر حملات هوایی و ۱۱٤ تن در اثر حملات زمینی اما پروفیسور مارک هیرولد از دانشگاه نیوهامپشایر تخمین می کند که دستکم ۷٦۹-٦۵۳ نفر در اثر عملیات مستقیم نظامی امریکا/ناتو کشته شده است.

آمار تلفات غیر نظامیان در سال ۲۰۰۷:

بر اساس گزارش هیئت سازمان ملل متحد طی

گزارشی تخمین می کند که ٤٣٤ غیر نظامی افغان در اثر حملات ناتو/امریکا در سال ۲۰۰۷ کشته شده اند. از آن جمله ۳۲۱ تن در اثر حملات هوایی و ۱۱۳ تن دیگر در اثر آتشباری زمینی. ۵۷ تن غیر نظامی دیگر در اثر تیراندازی و ۱۹۲ تن دیگر در وضعیت مجهولی به قتل رسیده اند.

و اما پروفیسور مارک هیرولد از دانشگاه نیو هامپشایر تخمین می کند که دستکم ۱۰۱۰ تا ۱۲۰۷ تن غیرنظامی افغان مستقیمن در اثر حملات ناتو/امریکا در سال ۲۰۰۷ در افغانستان به قتل رسیده اند

آمار تلفات غیر نظامیان در سال ۲۰۰۸:

سازمان نظارت بر حقوق افغانستان به این عقیده است که بیشتر از ۱٦۲۰ غیر نظامی افغان توسط نیروهای تحت امر امریکا در سال ۲۰۰۸ در افغانستان کشته شده اند، به شمول ٦۸۰ تنی که در اثر حملات هوایی به قتل رسیده اند. این سازمان همچنان تخمین کرده است که حملات نظامی نیروهای ناتو/امریکا منجر به زخمی شدن ۲۸۰۰ تن و بیجا شدن ۸۰۰۰۰ تن دیگر از خانه های شان شده است.

پروفیسور مارک هیرولد از دانشگاه نیو هامپشایر می گوید که دستکم ۸٦٤ تا ۱۰۱۷ غیر نظامی افغان مستقیمن توسط نیروهای خارجی ناتو/امریکا در سال ۲۰۰۸ در افغانستان کشته شده اند.

آمار تلفات غیر نظامیان در سال ۲۰۰۹:

پروفیسور مارک هیرولد از دانشگاه نیو هامپشایر می گوید که دستکم ۹۲۲ تا ۱۰۷۳ غیر نظامی در اثر حملات امریکا/ناتو در سال ۲۰۰۹ در افغانستان کشته شده اند.

آمار تلفات غیر نظامیان در سال ۲۰۱۰:

کشته شدن بیش از ۵۲ زن و کودک بیگناه در ننگرهار.

حملات هوایی آمریکا در ۲۳ ژوئیه ۲۰۱۰ به منطقه سنگین ولایت ننگرهار باعث کشته شدن بیش از ۵۲ زن و کودک بیگناه شد. بیش از ٤۰۰ نفر در خیابانهای کابل به تظاهرات پرداخته و این حمله را محکوم کردند. هیئتی از کابل برای تحقیق به منطقه اعزام شدند. براساس بررسیهای هیئت، تمامی کشته شدگان زنان و کودکان بودند. نیروهای ناتو و آیساف پس از گذشت چندین هفته طی اعلامیه ای از انجام این حملات ابراز تاسف کردند.

مجله «رولنگ ستون» در ۲۷ مه ۲۰۱۱ چندین تصویر وحشتناکی از قتل عام گروهی در قندهار توسط سربازان آمریکایی مشهور به «جوخه کشتار» را منتشر کرد که با واکنش تندی در سراسر جهان مواجه شد. در این تصویر که در ۱۵ جنوری ۲۰۱۰ گرفته شده یک سرباز آمریکایی را نشان میدهد که در حال خنده در کنار جنازه گلالدین، پسر یک دهقان اهل قندهار عکس یادگاری میگیرد.

ادامه دارد...



رنگ باختن جمهوریت در برابر شریعت

© Reuters

داوود مهاجر

ملت مسلمان افغانستان قاطبتا خواهان نظام شرعی اند و از جمهوریت خاطره خوبی نداشته و ندارند. آخرین عملکرد آنان در عدم شرکت در انتخابات جعل کاران یک هشدار مهم به رژیم فروپاشیده کابل و جمهوریت رنگ باخته است.

جمهوریت که یک نوع حکومتی با محوریت رای اکثریت مردم است، در کشورهای غربی به جای حکومت‌های فردی و شخصی در سده‌های قرون وسطی پا گرفت؛ و بعد از آن در کشورهای اسلامی سرایت و نفوذ کرد. دیری نپائید که بنابر رنگ خوش و نام زیبایش رشد نمود و در بسیاری از کشورها در کنار نام اسلامیت هماغوش شد و به نام جمهوری اسلامی نقشش بارز گردید.

افغانستان نیز از جمله کشورهایی بود که بعد از کودتای داود خان بر علیه پادشاهی ظاهرخان، به استقبال این مهمان نوآمد پرداخت و اداره کشور بر مبنای جمهوریت رنگ گرفت.

در این نوشته کوتاه نمی خواهم در مورد نظام جمهوریت و اصولش به بحث بپردازم و فقط اینقدر یادآور می‌شوم که این نوع حکومت با تمام نقایص و عیب‌هایی که دارد، نتوانست نقش خوبی در افغانستان بازی کند؛ زیرا باعث تشتت، پراکندگی و حزب‌گرایی بیش از حد افراد و فرزندان این ملت و بوم گردید. دستاَورد و ارمغانی که جمهوریت در طول حدود چهارده برای ملت ما دربر داشته است، غیر از فقر و دراز کردن دست نیاز و وابستگی به دیگران چون شرق و غَرب، چیز دیگری نبوده است.

بنام آزادی و دموکراسی در جمهوریت، فرهنگ اصیل و دینی این ملت را تا حد زیادی به یغما بردند؛ به خصوص در مراکز شهرها که نفوذ حکومت‌ها بیشتر بوده است و تا حالا هیچگونه خیری از این نوع حکومت غربی، عاید ملت مسلمان ما نگردیده و بلکه دامنه کشمکش ها و جنگ ها را بیشتر و طولانی تر کرده است.

مردم مسلمان افغان زمین، از همان آغاز مبارزه و جهاد مقدس در برابر اتحاد جماهیر شوروی سابق، ازَ حکومت‌های حاکم در لباس جمهوریت، خسته شده بودند؛ زیرا روز به روز، آیین شان را از دست داده و در فرهنگ شرق و غرب ذوب می‌شدند و آرزومند اقامه نظامی بودند که شریعت اسلامی را - که در واقع فرهنگ اصیل شان است - در سرزمین شان قایم کند و از همان زمان، شعارهای عدم وابستگی به شرق و غرب را سر می‌دادند. همانگونه که «مرگ بر شوروی» را بانگ خانه‌های شان قرار داده بودند، به همان قِسم، «مرگ بر آمریکا» را نیز با آن هماهنگ کرده بودنَد.

گرچه آمریکا در آن زمان کشوری محارب با افغانان شمرده نمی‌شد؛ اما همگی، از طمع و آز این هیولای غربی آگاه بودند، لذا وابستگی به شرقَ و غرب را نمی‌پذیرفتند؛ چرا که مقصود اساسی آنها ایجاد نظامی

بود که خواسته ملت مسلمان را ضامن بوده و حفاظت کننده آرمان شهدایی باشد که بخاطر چنین هدفی جان‌های خود را فدا کرده بودند.

در مدت زمان چهارده حکومت‌های گوناگونی که بر مبنای جمهوریت ظاهر شدند و کشور ما را در باتلاق‌های گوناگون فساد و تباهی اخلاقی، اجتماعی ، اقتصادی و سیاسی غرق کردند، ناگهان در ماه اکتوبر سال ۱۹۹۴ برابر با ۱۳۷۳ شمسی نیروی حق‌پرست طالبان ظهور کرد و در سپتامبر سال ۱۹۹٦ با فتح کابل حاکمیت ایشان با نام «امارت اسلامی» شکل گرفت. امارت اسلامی با کنار زدن نظام فاسد جمهوری حاکم در آن زمان، ابراز وجود کرد و توانست در مدت کوتاهی از عمرش، تمامی احزاب و گروهها را زیر یک بیرق جمع کند و فاتحه زورگویی، ظلم و ستم، اخاذی و رشوه‌گیری، کشت مواد خانمان‌سوز تریاک، قتل و کشتار ناحق و صدها ظلم و اجحاف را بخواند و گلیم و بساط آنان را جمع کند.

امارت اسلامی علی رغم تمام نارسایی‌های اقتصادی و سیاسی، تنهایی و تهی دستی، جنگ و قتال، فشارهای بین المللی و منطقوی، نمونه خوبی از مدینه فاضله، عدالت اجتماعی، امنیت و آسایش به تمام معنی، قضا و محکمه شرعی را برای ملت خود به ارمغان بیاورد؛ چیزی که دوست و دشمن را به اعتراف از آن واداشت و کسی نمی‌تواند از آن انکار کند. اما دیری نگذشت که این نهال رحمت و عدالت را کندند.

آری، در تاریخ ۷ اکتوبر (۲۰۰۱ م) حملات وحشیانه و دور از عقلانیت سردمداران غربی و از میان برداشتن امارت اسلامی با بهانه‌های واهی، و نشستن بر گُرده ملت مسلمان افغان به زور، نتوانست اراده ملت مسلمان ما را بشکند؛ بلکه جهاد و پیکار در برابر زور و تزویر را دوباره از صفر شروع کردند و در مدت هیجده سال استقامت، صبر و شهامت، کمرش را شکستند و اعتراف به شکست را از زبان جنرالان خودشان بیرون آوردند. چیزی که همکنون مانند آفتابِ نیمه روز واضح و روشن است.

>> بنام آزادی و دموکراسی در جمهوریت، فرهنگ اصیل و دینی این ملت را تا حد زیادی به یغما بردند؛ به خصوص در مراکز شهرها که نفوذ حکومت‌ها بیشتر بوده است و تا حالا هیچگونه خیری از این نوع حکومت غربی، عاید ملت مسلمان ما نگردیده و بلکه دامنه کشمکش ها و جنگ ها را بیشتر و طولانی تر کرده است.

***

>> امارت اسلامی علی رغم تمام نارسایی‌های اقتصادی و سیاسی، تنهایی و تهی دستی، جنگ و قتال، فشارهای بین المللی و منطقوی، نمونه خوبی از مدینه فاضله، عدالت اجتماعی، امنیت و آسایشِ به تمام معنی، قضا و محکمه شرعی را برای ملت خود به ارمغان بیاورد؛ چیزی که دوست و دشمن را به اعتراف از آن واداشت و کسی نمی‌تواند از آن انکار کند.

مردم مسلمان ما در ابتدا فرد فرد و سپس دسته دسته و گروه گروه به مجاهدین امارت اسلامی روی آوردند؛ صف‌های آنان را مضبوط و پررنگ کردند؛ از هیچ‌گونه نصرت و همکاری دریغ نورزیدند؛ تا اینکه دوباره توانستند امارت اسلامی را بر پایه‌هایش استوار بدارند. و همین است که امروزه بیش از هفتاد درصد خاک افغانستان را مجاهدین امارت اسلامی، دوشادوش ملت خود تحت سیطره دارند و عملا به جمهوریت پرستان پشت دادند.

آخرین تیری که از طرف ملت افغان به صورت همگی، به سوی جمهوریت غربی نشانه رفت و پرتاب شد، در تاریخ ٦ میزان امسال (۱۳۹۸ هش) بود که با شرکت نکردن خویش در انتخابات جعلی و پوشالی رژیم اجیر کابل، سیلی محکمی به دموکراسی خواهان و مخالفان صلح و آشتی ملی، مخالفان شریعت و نفاذ احکام الهی، زدند؛ و این خود نشان از شکست واضح جمهوریت در برابر شریعت در خاک شهیدپرور و الحاد ستیز افغان زمین است.

امیدواریم که الله ذوالجلال آرمان پاک شهدای ما را محقق کند و سرزمین دلاورمردان را آزاد و آباد نماید.



سپاهیان طاغوت در نماد اسلامی

سادات چرخی

بدیهی است که سرزمین ما شاهد جنگ های خانمان سوزی است و میدان کارزار درکشور هنوز گرمترمی شود اما بسا جای تأسف اینست که در این کشور هنوز کور دلانی وجود دارند که هدف این جنگ را نمی دانند واصلیت طرف های درگیر را مشخص نکرده و از تقدس این جنگ انکار می ورزند.

این جنگ هژده سال است که از ملت مظلوم ما قربانی می گرد و طرف های درگیر برای ادامه جنگ شان شعار وعناوینی را نیز سر می دهند وهمچنان دراین هیچ تردیدی نیز وجود ندارد که در این دو طرف درگیر، حق و باطلی هم وجود دارد و هر صاحب خرد و دانش به آسانی می توانند حق و باطل را دراین دوطرف درگیر تشخیص دهند.

قرآن کریم چقدر خوب وضاحت نموده که مومنان برای الله می جنگند وکفار ومتحدین اش برای طاغوت می جنگند.

{ الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا (٧٦) النساء}

ترجمه: کسانی که ایمان آورده اند در راه خدا کارزار می کنند و کسانی که کافر شده اند در راه طاغوت می جنگند پس با یاران شیطان بجنگید که نیرنگ شیطان [در نهایت] ضعیف است.

خداوند هدف جنگ هر دوطرف درگیر را مشخص ساخته است مومنان در راه الله می جنگند و کافران در راه طاغوت می جنگند.

و این یک واقعیت انکار ناپذیر است که جنگ جاری در کشورما در واقع جنگ میان امریکایی ها و طالبان است و در کنار امریکایی ها کشور های ناتو وگماشته شده گان داخلی از قبیل عسکر، پولیس، اربکی، امنیت ملی و دیگر قطعات نظامی و ملکی اداره دست نشانده کابل قرار دارند و در کنار طالبان صرف مردم مظلوم و آزادیخواه کشور مقاومت می نمایند و می جنگند.

اگر به حقیقت تن دهیم معلومدار است که جنگ طالبان علیه امریکایی ها ومزدوران داخلی شان از تقدس کامل برخوردار است و علاوه بر آنکه طالبان مومنان هستند، خود آنان اهداف جنگ شان را نیز همگانی ساخته اند که آن اخراج قوای اشغالگر و اقامه نظام خالص اسلامی در کشور می باشد وتجاوز واشغال کشور ما توسط امریکایی ها از هیچ کس نیز پنهان نیست و ادامه جنگ امریکایی ها با همکاران داخلی شان جز برای بقای اشغال کشور چیزی دیگری نمی تواند باشد و برملاست که امریکایی ها درسایه اشغال شان، اهداف شوم دیگر را نیز دنبال می کنند و آن محو کامل عنعنات دینی و اسلامی وترویج اعتقادات ورسوم غربی در کشورما می باشد بنا بر دلالت نصوص قرآنی ثابت است که مومنان در راه الله می جنگند و در مومن بودن طالبان نیز شکی وجود ندارد، وامریکایی ها که درکفر شان شکی نیست با همکاران داخلی شان همه در راه طاغوت می جنگند پس خداوند فرمان داده که همه این طاغوتی ها را که درحقیقت دوستان شیطان اند، بکشید.

اگر کسی بپرسد که عساکر امریکایی وناتو

معلومدار کافر هستند اما عساکر داخلی، پولیس، اربکی وقطعات اداره کابل خود را مسلمان میخوانند ومیگویند برای دفاع از وطن می جنگند پس چگونه کشتن این افراد مشروعیت دارد؟
درپاسخ آن میگویم عنوان (خدا، وطن و وظیفه) شعارهای فریبندۀ بیش نیست اگر به ادوار تاریخ دقت کنیم، همه لشکریان طاغوت برای خود نام و شعار های مناسب و زیبا و ظاهرا هدف شایسته عنوان می نمایند و جانب مقابل شان را به نام های مختلف متهم ساخته وچنین خدعه امر طبعي ومعمول هم است حتی هیچ لشکری تا هنوز در دنیا دیده نشده است که خود را کافر وناروا بگوید بلکه جانب مقابل شان را به نام های بدی معرفی می دارند و خود را شایسته و حق بجانب جلوه می دهند حتی همین امریکایی ها خود را کافر نمیگویند بلکه مسلمانان را تروریست خطاب می کنند

>> این جنگ هژده سال است که از ملت مظلوم ما قربانی می گرد و طرف های درگیر برای ادامه جنگ شان شعار وعناوینی را نیز سر می دهند وهمچنان دراین هیچ تردیدی نیز وجود ندارد که در این دو طرف درگیر، حق و باطلی هم وجود دارد و هر صاحب خرد و دانش به آسانی می توانند حق و باطل را دراین دوطرف درگیر تشخیص دهند.

***

>> امروز هر مامور اداره دست نشانده، برای فریب مردم عامه ادعا مینمایند که اورگانهای امنیتی اداره کابل از کشور دفاع میکنند اما درمدت هژده سال نتوانستند ثابت کنند که از کدام کشور و در برابر کی ها دفاع میکنند؟ آیا کشور را از تجاوز خارجی ها محافظت میکنند یا برای اشغال کشور شان با امریکایی ها کمک میکنند ؟

حتی در زمان پیامبر بزرگوار اسلام (صلی الله علیه وسلم) مشرکین مکه خود را بر حق میدانیستند و اصحاب کرام رضوان الله علیهم اجمعین را متهم می کردند که دین آبایی شان را رها کردند وبه دین باطلی گرویده اند.
لکن در این همه موارد صرف نصوص اسلام می تواند حکم کند و حق را از باطل تشخیص دهد و میزان حق و باطل قرآن کریم و احادیث نبوی صلی الله علیه وسلم میباشد وقرآن وحدیث به صراحت منشور کفار ومتحدین اش را محکوم میکند بناء لشکر کشی امریکایی ها بالای کشور اسلامی ویا نظام اسلامی چون افغانستان تجاوز واشغال شمرده میشود واداره دست نشانده شان درحقیقت اهداف شوم اشغالگران را دنبال میکند و در کنار امریکایی ها برخلاف مجاهدین می جنگند که دراصل همین مزدوران داخلی به اصطلاح اردو وپولیس ملی همه با نماد مسلمانی سپاهیان طاعوت هستند واز دیدگاه اسلام حکم عساکر، پولیس واربکی ودیگر قطعات اداره کابل با عساکر امریکایی تفاوتی ندارد وهمه دریک کشتی سوار هستند وکشته های شان نه تنها شهید نیستند بلکه با امریکایی ها سرنوشت واحد و مسیر واحدی دارند.
امروز هر مامور اداره دست نشانده، برای فریب مردم عامه ادعا مینمایند که اورگانهای امنیتی اداره کابل از کشور دفاع میکنند اما درمدت هژده سال نتوانستند ثابت کنند که از کدام کشور و در برابر کی ها دفاع میکنند؟ آیا کشور را از تجاوز خارجی ها محافظت میکنند یا برای اشغال کشور شان با امریکایی ها کمک میکنند ؟
اگر از تجاوز خارجی ها محافظت میکنند پس وطن ما عملا در تجاوز امریکایی ها وناتو قرار دارد وحتی خود آنان از همین متجاوزین اشغالگر حمایت میکنند واگر از تجاوز همسایه ها محافظت میکنند مشخص بفرمایند در مقابل تجاوز کدام همسایه دفاع کرده اند؟
بلکه این همه ادعاهای عساکر اداره دست نشانده کابل (خدا، وطن و وظیفه) در عمل پوچ و بی معنی است میخواهند مردم عامه را با چنین کلمات فریب دهند، در واقع آنان برای ادامه اشغال و اهداف شوم امریکایی ها فعالیت می نمایند اگر ترمپ رئیس جمهور امریکا فرمان جنگ صادر کند، فورا ماشین جنگی همین اردو وپولیس به حرکت می آید و اگر فرمان صلح صادر شود دراین ماشین جرئت حرکت دیده نمی شود که در واقعیت همه این جنگجویان اداره کابل درهر لباث و هرعنوانی که هستند زیر سوق و اداره امریکایی ها برخلاف ملت خود می جنگند وحکم لشکریان طاغوت را دارند و صفوف شان باطل و درجمع اولیای شیطان محسوب هستند، همانا که مکر شیطان درنهایت ضعیف است وای برحال این بدبختان که سرنوشت دنیا وآخرت شان با خسران ابدی رقم خورده است. معاذناالله



سازمانونه دې د بې رحمانه قتل عام د عامل مخه ونيسي

خالد رعد

د ننګرهار د هسکې مېنې ولسوالۍ د جودرې سيمې په جامع جومات کې د تېرې جمعې مبارکې (۱۳۹۸-۷-۲۶) د لمانځه په مهال دوه چاودنې وشوې، چې د راپورونو په اساس له امله يې مسجد ويجاړ او له ٦٠ تنو زيات کليوال شهيدان او همدومره نور ټپيان شول.

دغه وحشيانه عمل په ملي او بين المللي کچه وغندل شو. د کابل اداري له رئيسانو او د بشري حقوقو له نهادونو نيولې، د ملګرو ملتونو، اسلامي کنفرانس، د امريکا سفارت او آن د ناټو نظامي سازمان او سيمه ييزو هيوادونو پورې ټولو دا ناروا قتل عام په خپلو ټکو محکوم کړ.

که څه هم د دوی غندنې په خپل ځای د قدر وړ دي، خو شاوخوا حقايقو ته په کتلو د تمساح اوښکې ښکاري؛ ځکه چې د دې پر ځای چې زموږ په هيواد او هر بل ځای کې په مشخص ډول د دغسې وحشيانه اعمالو له غندلو د عامل غندل او له منځ وړل ډېر ضروري دي، هغه څه چې له بده مرغه د يادو سازمانونو او بنسټونو لخوا په شعوري ډول له پامه غورځول شوي دي.

زموږ په جګړه ځپلي هيواد کې ډېرې دې ته ورته بې رحمانه پېښې په کليو او ښارونو کې رامنځته شوې، چې د ډېرو هغو پړه يې د داعش په نوم يوې پردۍ ډلې په غاړه واخيسته او ډېرې کمې يې داسې وې چې انجامونکي يې نا معلوم و، خو شواهدو ته په نظر له ورا معلومېده چې د داعش کار ځکه دی، چې دغسې بربريت او وحشت يوازې د دې ډلې د غړو لخوا انجامېدلی شي.

ناټو او نور د امریکا مربوطه سازمانونه به نه یادوو، خو ملګري ملتونه او د بشري حقونو نهادونه باید زموږ په هیواد کې د قتل عامونو په عواملو فکر وکړي او د مخنیوي لپاره یې هغه څه عملي کړي چې دوی یې تل په خپلو غندونکو اعلامیو کې یادوي.

په ډیرو دلایلو ثابته ده چې داعش هغه غیر افغاني پدیده ده چې په هیواد کې د اشغالګرو له نظامي ماتې وروسته د یرغلګرو او د هغوی د کورنیو ملګرو لخوا په سیمه کې د خپلو اهدافو د تحقق په هدف زمونږ هیواد ته صادره شوي او دلته یې علانیه ملاتړ او تمویل کیږي، د اسلامي امارت له مجاهدینو ژوغورل کیږي، د نظامي څواک د تقویې هڅه یې کیږي او د لا پرسولو لپاره یې رسنیز تبلیغات هم په پریمانه کچه روان دي.

څکه خو د داعش د وحشتونو غندونکي سازمانونه او بنسټونه په واضحو ټکو ګرم بللی شو، چې له ښکاره دلایلو او شواهدو سره سره د داعش په ملاتړ او تمویل او د دې ډلې د غړو په ساتنه چوپ پاتې دي او یوازې د دوی د ناوړه کړنو غندلو ته یې کار ویلی.

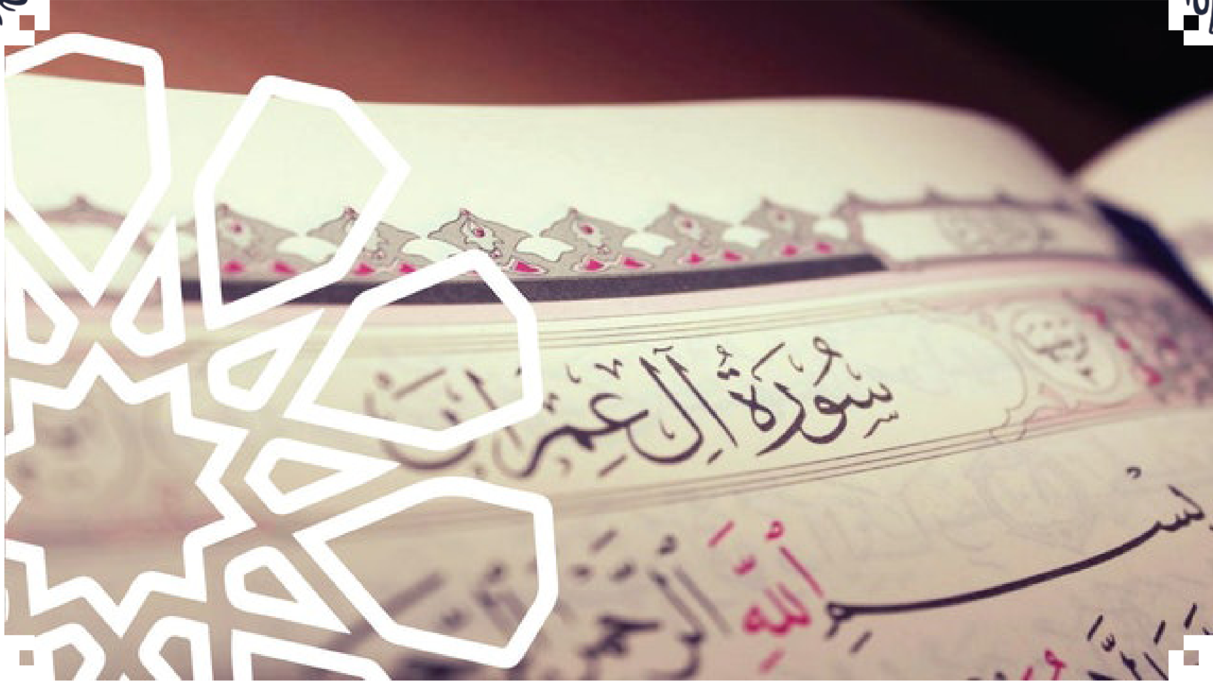
دوی باید د د داعش د عملونو د غندلو پر ځای د دې بې رحمانه اعمالو د عامل مخنیوي ته ډېره توجه وکړي، باید د داعش له همکارۍ څخه د اشغالګرې امریکا او د دې د کورنیو ملګرو د لاسونو لنډولو هڅه وکړي.

ناټو او نور د امریکا مربوطه سازمانونه به نه یادوو، خو ملګري ملتونه او د بشري حقونو نهادونه باید زموږ په هیواد کې د قتل عامونو په عواملو فکر وکړي او د مخنیوي لپاره یې هغه څه عملي کړي چې دوی یې تل په خپلو غندونکو اعلامیو کې یادوي.

که څه هم افغان ولس د داعش په څېر غیر افغاني بې رحمه پدیدو په له منځه وړلو او محو کولو کې چا ته اړتیا نه لري، لکه چې په تاریخ کې یې ثابته کړې ده، خو د یادو سازمانونو لخوا د عواملو پر ځای یوازې د فاجعو غندلو ته زیاته توجه به د دوی نوم د دې ملت تر منځ لا بدرنګه او ادعاوې یې تش الفاظ ثابت کړي.

افغان ولس عملي اقدام غواړي. په رسمي څرګندونو کې د ولسي وګړو د قتل عام غندنې یې د اشغال په ۱۸ کلنه دوره کې هم د کابل اداري او هم د سازمانونو لخوا امتحان کړې، چې څومره بې معنی او بې ګټې دي؛ نو څکه د عامل پر وړاندې د عملي اقدام پر ځای د وحشیانه عملونو غندل ورته بې ارزښته توري دي.





درس هایی از سوره‌ء آل عمران مربوط به زندگی امروزی

حکمت الله حکمت

آل عمران یکی از سوره های کلان و ابتدایی قرآن شریف است که مشتمل بر اندرزها و واقعات درس آموز و بسیار مهم است. درس ها و پندهایی که مسلمانان در هیچ زمانی از ازمنه و هیچ مکانی از امکنه بی نیاز از آنها نمی توانند باشند. در این مضمون تلاش بر این است تا با توجه به شأن نزول سوره و واقعهء مربوط به آن بعضی نکات بخدمت خوانندگان و مخاطبین گرامیقدر ارائه شود. خداوند همهء ما را از انحراف و سوءفهم و برداشت غلط حفاظت فرموده توفیق عمل توأم با اخلاص و للهیت نصیب فرماید. آمین

در تفاسیر معتبر که به بیان اسباب نزول آیات قرآنی اهتمام دارند، در بارهء شان نزول آیات اولیهء سورهء آل عمران آمده است که یک وفد و هیئت عالی رتبه از مسیحیان نجران (جنوب غربی عربستان سعودی) در قالب وفدی شصت نفره به محضر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم آمد. در این وفد ۱۴ تن از سران مذهبی و قومی نجران شامل بودند. آنها در لباس هایی با شان و شوکت خاص به مسجد النبي وارد شدند. مسلمانان نماز عصر را خوانده بودند که وفد نجرانی رسید. آنها به روش مخصوص خودشان رخ به سوی مشرق نموده نماز خواندند. رسول الله صلی الله علیه و سلم دستور دادند: ((دعوه)) آنها را به حال خودشان رها کنید و اجازه دهید حسب مذهبشان عبادت کنند. آنگونه که در سیره ابن اسحاق آمده است، این وفد چند روزی در مدینه ماندند و به مناظره با رسول گرامی اسلام پرداختند.

در ایـن واقعـه و سبب نـزول این سوره چنـد درس بـرای هـر مسـلمان نهفتـه اسـت. از جملـه اینکـه اللـه تعالـی بـا وجـود کمبـود سـهولیات و امکانـات در زمـان بعثـت حضـرت ختمـی مرتبـت، شـهرت و آوازهء ایشـان را بـه دوردسـت هـا رسـانده بود و کسـانی از دور و نزدیک خـود را بـه مدینـه مـی رسـاندند تـا از حقیقـت اسـلام آگاه شـوند. اهـل نجـران نیـز از خطـه ای دور بـه مدینـه آمـده بودنـد تـا بـا مباحثـه و مناظـره، حقیقـت را دریابنـد. بعضـی از چنیـن افـراد کـه مدینـه مـی آمدنـد را شرف قبولیـت اسـلام نصیـب مـی شـد و بعضـی محـروم مـی ماندنـد. البتـه کـه آن حـضـرت صلـی اللـه علیـه وسـلم و یـاران جـان نثارشـان نیـز از تمـام ذرایـع ممکـن بـرای نـشر دعـوت اسـلام اسـتفاده مـی کردنـد.



دیگـر اینکـه مسـیحیان نجـران وارد مسـجد النبـي شـدند و رسـول اللـه صلـی اللـه علیـه وسـلم نـه تنهـا مانـع نشـدند، بلکـه اجـازه دادنـد آنهـا حسـب دیـن و آئیـن خودشـان بـه عبـادت بپردازنـد. معلـوم مـی شـود غیرمسـلمانان اجـازه ورود بـه مسـاجد و معابـد مسـلمانان را دارنـد؛ وقتـی آنهـا وارد مسـجدی مثـل مسـجدالنبی صلـی اللـه علیـه وسـلم شـدند، در مسـاجد دیگـر بـه طریـق اولـی وارد شـده مـی تواننـد. ایـن حدیـث در واقـع مسـلک احنـاف را تائیـد مـی کنـد کـه ورود غیـر مسـلمانان را بـه مسـجد منـع نمـی کننـد.

درسـی دیگـر کـه از ایـن واقعـه حاصـل مـی شـود ایـن اسـت کـه آن حضـرت صلـی اللـه علیـه وسـلم بـا مسـیحیان نجـران بـه گفتگـو پرداخـت و از نشسـتن و همـکلام شـدن بـا آنهـا ابـا نورزیـد. در حالیکـه او در موضـع قـدرت بـود و هیـچ ترسـی از آنهـا نداشـت. او مـی توانسـت آنهـا را از خـود دور کنـد و یـا بـه یکـی از صحابـه دسـتور دهـد بـا آنـان سـخن بگویـد. امـا چنیـن نفرمـود و خـود بـا آنهـا همنشـین و همـکلام شـد. ایـن یعنـی سـخن گفتـن بـا کفـار بـه قصـد تبییـن حقیقـت کـدام گنـاه بـزرگ نیسـت و بـه معنـای ارتـداد و پشـت کـردن بـه دیـن نیسـت چنانکـه برخـی انسـانهای سـبک مغـز و نـادان تبلیغـات مـی کننـد. البتـه کـه تولّـی بـا کفـار و همدسـت شـدن بـا آنهـا علیـه مسـلمانان و منافـع اسـلام گناهـی بـزرگ اسـت و اللـه تعالـی چنیـن افـرادی را از زمـرهء هـمان کفـار دانسـته اسـت. امـا صرف سـخن گفتـن و نشسـتن بـا آنهـا کسـی را از دایـرهء دیـن خـارج نمـی گردانـد.

درسـی کـه اخیـرا قابـل ذکـر اسـت اینکـه بـرای تبییـن حقیقـت بـر کفـار، مباحثـه و گفتگـو یـک روش و ذریعـه اسـت کـه آن حضـرت صلـی اللـه علیـه وسـلم بـه خوبـی از آن کار گرفـت و حقیقـت را بـر آنهـا روشـن نمـود. مسـلمانان صاحـب علـم نیـز از هـر فرصتـی بـرای بیـان حـق و تبییـن حقانیـت دیـن مبیـن اسـلام و بطـلان عقایـد کفـار بایـد بهـره جسـته و وظیفـهء خـود را انجـام دهنـد.



دونالد ترامپ در دام تناقض گویی!

سعید مبارز

در دنیای سیاست و نظام و جنون استعمار و کشورگشایی، گاهی اوقات، سیاستمداران و قدرتمندان در فضای ابهام و هرزه گویی گیر می مانند که حتی تصمیمات و اظهارات خود را تنظیم کرده نمی توانند و از این گونه اشخاص که امروز در لجنزار ابهامات و تخیلات سیاسی گیر مانده و نمی داند چه می گوید و چه می کند، دونالد ترامپ رئیس جمهور کنونی ایالات متحدهء امریکاست او، بامداد یکشنبه ۸ سپتامبر ۲۰۱۹ میلادی طی یک تویت، نشست با نمایندگان طالبان را که قرار بود در این روز در کمپ دیوید برگزار شود، لغو اعلام کرده و مذاکرات صلح واشنگتن با طالبان را متوقف کرد.

در توافقنامهء صلح، نمایندگان طالبان و امریکا روی ابحاث مهم خروج کامل نیروهای خارجی از افغانستان و عدم تهدید امریکا از خاک افغانستان توافق نموده بودند که متاسفانه ترامپ در مرحلهء اخیر همه چیز را برهم زد.

او پس از لغو مذاکرات، دستور داد تا نیروهای خارجی حملات هوایی خویش را علیه مواضع طالبان افزایش بدهند. او پس از گذشت چند روز در یک تویت گفت: «نیروهای ما در این چند روز ضربهء بزرگ به طالبان زده اند»

دونالد ترامپ ظاهرا دلیل لغو مذاکرات صلح با طالبان را کشته شدن یک سرباز عالی رتبهء خارجی و ۱۱ غیر نظامی در انفجار موتر بم توسط طالبان در ساحهء شش درک کابل عنوان کرد. اما آگاهان امور سیاسی و دیپلوماتان بشمول طالبان دلیل گرفتن مرگ یک سرباز خارجی برای لغو مذاکرات را بهانهء بیش ندانسته و این فرمان و تصمیم عجولانهٔ ترامپ باعث سردرگمی و تعجب فراوان آنها و سایر حلقات سیاسی دنیا شد؛ چون از یکسو شخص ترامپ به مذاکره با طالبان علی رغم مخالفتهای شدید جریانهای از داخل امریکا در روند مذاکره با طالبان، بسیار علاقمند بود.

و از سوی دیگر کشته شدن یک یا چند سرباز خارجی در افغانستان و انجام حمله بر ایشان که یک امر عادی است که هر روز بر علیه کاروانها و قرارگاه های نظامی شان اتفاق می افتد ، اورا برافروخته و مشتعل ساخت و مذاکره را لغو کرد در حالیکه پس از لغو مذاکرات ۱۲ تن از نیروهای نظامی امریکا در میدان هوایی قندهار توسط یک تن از نیروهای نفوذی طالبان کشته شدند اما ترامپ در مقابل این حادثه هیچ عکس العملی نشان نداد و از آن ذکرِ نکرد .

ترامپ پس از این اظهارات، در روز چهارشنبه ۹ اکتوبر در یک توئیت چنین نوشت که رفتن به خاورمیانه بدترین تصمیم تاریخ آمریکا بود. ۸ تریلیون دالر و میلیون‌ها کشته هزینه این جنگ احمقانه بود.

و همچنین در همین روز در تویت دیگری چنین نوشت : زمان آن فرا رسیده است تا امریکا از جنگ های مضحک و بی پایان که بیشتر آن قومی است، بیرون شود و سربازان امریکایی به کشور شان برگردند. او گفته است که ایالات متحده در جایی خواهد جنگید که منافع اش در آن نهفته باشد و تنها برای پیروزی خواهد جنگید.

او به این گفته هایش اکتفا نکرده و بامداد یکشنبه ۱۳ اکتوبر در یک گردهمایی انتخاباتی اش در خصوص نیروهای نظامی اش در افغانستان چنین گفت: « به فرماندهان نظامی اطلاع دادم باید نیروهای ما که ۱۹ سال است در افغانستان باقی ماندند، بازگردند»

>> دونالد ترامپ ظاهرا دلیل لغو مذاکرات صلح با طالبان را کشته شدن یک سرباز عالی رتبهء خارجی و ۱۱ غیر نظامی در انفجار موتر بم توسط طالبان در ساحهء شش درک کابل عنوان کرد. اما آگاهان امور سیاسی و دیپلوماتان بشمول طالبان دلیل گرفتن مرگ یک سرباز خارجی برای لغو مذاکرات را بهانهء بیش ندانسته و این فرمان و تصمیم عجولانه ترامپ باعث سردرگمی و تعجب فراوان آنها و سایر حلقات سیاسی دنیا شد؛ چون از یکسو شخص ترامپ به مذاکره با طالبان علی رغم مخالفتهای شدید جریانهای از داخل امریکا در روند مذاکره با طالبان، بسیار علاقمند بود.

***

>> طرز بیان و عملکرد سیاستمداران دولت امریکا بیانگر این واقعیت است که ملت پا برهنه و شکم گرسنه افغان با ایمان و توکل قوی شان به ذات قادر منان چنان آنها را بیچاره کرده و بر فرق شان کوبیده اند که راه فرار خویش را گم کرده نمی دانند از چه طریق و چه راهی خود را از این پرتگاه ذلت و سقوط نجات دهند.

پس از آن ترامپ در رابطه به افغانستان و طالبان لحن ستایشگرانهء اتخاذ کرده و در آخرین اظهاراتش در روز سه شنبه ۱۵ اکتوبر در یکی از سخنرانیهایش چنین اظهار نظر کرد: افغان‌ها بسیار جنگجویان خوب هستند. مثل که ما برای تفریح، بازی فوتبال را تماشا می‌کنیم طالبان هم برای تفریح جنگ میکنند. او به مردم گفت که اگر میخواهید بدانید که در جنگ کردن افغان‌ها چقدر قوی هستند از روسیه بپرسید!

جالب اینجاست که میگوید اگر میخواهید از جنگجویی و قهرمانی افغانها چیزی بدانید از روسیه بپرسید. او فراموش کرده که مردم دنیا در جوابش خواهند گفت: از قضیه جنگ افغانها با روسیه تا حال سالها سپری شده. حالا روشها و تاکتیهای جنگی فرق کرده باید این قضیه را از امریکاییها پرسید؛ چون آنها امروز عملا مصروف جنگ با افغانها هستند - ابر قدرت جهانی با اقتصاد سرشار و تسلیحات مدرن و تخنیک سرسام آور و سحرآمیز که در سطح جهان حرف اول را می زند، در مقابله با ملت فقیر و دست خالی که حتی توانایی ساختن یک مرمی را هم ندارند، به چالش گیر مانده و دچار تناقض گویی شده است.

طرز بیان و عملکرد سیاستمداران دولت امریکا بیانگر این واقعیت است که ملت پا برهنه و شکم گرسنه افغان با ایمان و توکل قوی شان به ذات قادر منان چنان آنها را بیچاره کرده و بر فرق شان کوبیده اند که راه فرار خویش را گم کرده نمی دانند از چه طریق و چه راهی خود را از این پرتگاه ذلت و سقوط نجات دهند. در وضعیت فلاکت بار کنونی امریکاییها شباهت زیاد به اسپ بی لگام دارند که جهت مشخص ندارد و هدف را فراموش کرده گاهی به این سو و گاهی به آن سو میدود.

جالب تر خواهد بود که به عقب تر برگشته و اظهارات او را با عمران خان نخست وزیر پاکستان در واشنگتن بشنویم که گفت اگر ما بخواهیم افغانستان را در ظرف یک هفته از روی کرهء خاکی محو می کنیم اما حالا اینگونه محو شجاعت و جنگجویی و اخلاص جهادی افغانها گردیده است گویا که این یک دام سیاسی است که رئیس جمهور امریکا ناخواسته و ناسنجیده در آن افتاده است.

PRESIDENTIAL 2020 ELECTION

انتخابات ۲۰۲۰ امریکا و معضل افغانستان

حبیبی سمنگانی

پنجاه و نهمین انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده امریکا قرار است به تاریخ ۳ نومبر ۲۰۲۰ میلادی، یعنی حدود یکسال بعد برگزار شود. رقابت های مقدماتی/درون حزبیِ هر دو حزب جمهوری خواه و دموکرات برای تعیین نامزد ریاست جمهوری روز به روز داغ تر می شود.

پیروزی ترامپ در برابر خانم هیلاری کلینتون در انتخابات ۲۰۱۶ کاملا غیر منتظره و تکان دهنده بود. این بار نیز تا اوائل ۲۰۱۸ تردد‌های زیادی در مورد نامزدی دوباره ترامپ برای انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰ وجود داشت و بعضی سناتوران مهم حزب جمهوری خواه، او را شخص مناسب برای ریاست جمهوری نمی دانستند. همچنان چندی قبل راپورهای در مورد وضعیت صحی ترامپ منتشر شد، که نشان می داد او به دلیل مشکلات صحی شاید نتواند دوباره وارد کارزار انتخاباتی شود.

اما کمیته ملی جمهوری خواه (RNC) که این حزب مهم امریکایی را رهبری می کند، نامزدی دوباره دونالد ترامپ را به تاریخ ۲۵ جنوری ۲۰۱۹ میلادی به گونه غیر رسمی تائید کرد و حمایت خود را نیز از او اعلان کرد. اکنون چنان به نظر می رسد که ترامپ شاید هیچ رقیب خطرناکی در داخل حزب جمهوری خواه ندارد.

مارک سنفورد، ۵۹ ساله و عضو مجلس نمایندگان از ایالت کارولینای جنوبی، جوی والش، ۵۷ ساله و عضو مجلس نمایندگان از ایالت ایلینوی، و ویلیام ولد، ۷۴ ساله و والی پیشین ایالت ماساچوست، تا اکنون رقیبان اصلی دونالد ترامپ در حزب جمهوری خواه هستند.

حزب دموکرات پس از شکست باور نکردنی خانم

هیلاری کلینتون در انتخابات ۲۰۱٦ دچار اختلافات شدید شد و بعضی اصطلاحات درین حزب صورت گرفت. این حزب در انتخابات میان دوره ای نومبر ۲۰۱۸، پس از هشت سال موفق شد کنترول مجلس نمایندگان را بار دیگر بدست بگیرد. دموکرات ها حد اقل چهل کرسی جدید را بر کرسی های که در دوره گذشته داشتند افزودند. البته، کنترول سنا باز هم در دست حزب جمهوری خواه باقی ماند.

شمار رقبای نامزدی حزب دموکرات از حزب جمهوری خواه به مراتب بیشتر است. تا اکنون ۱۹ تن در رقابت های درون حزبی با هم مقابله دارند و شاید چهره های تازه ای نیز وارد کارزار شوند. این در حالیست که دست کم ۸ تن دیگر ازین رقابت ها انصراف داده اند.

خانم الیزابت وارن، ۷۰ ساله و سناتور از ایالت ماساچوست، جو بایدن، ۷٦ ساله و معاون پیشین رئیس جمهور امریکا در دو دوره ریاست جمهوری بارک اوباما، برنی سندرز، ۷۸ ساله و سناتور از ایالت ورمانت، خانم کاملا هریس، ۵۴ ساله و سناتور از ایالت کالیفورنیا و پیت بودجج، ۳۹ ساله و از سربازان پیشین جنگ افغانستان، تا اکنون از رقبای پیشتاز حزب دموکرات هستند. رقابت های حزب دموکرات این بار کاملا غیر قابل پیش بینی است و شاید در روزها و هفته های بعدی تغییرات عمده ای در رقابت های درون حزبی دموکرات ها رخ دهد. گفته می شود که حزب دموکرات نیز همانند جمهوری خواه در تلاش چهره ایست که بسیار ثروت مند باشد و چندان سابقه حکومتداری هم نداشته باشد. از همینست که بسیاری ها می خواهند خانم اُپرا وینفری (Oprah Winfrey) از مشهور و مهم ترین مجری های تلویزیونی در امریکا و نخستین ملیاردر سیاه پوست جهان، نامزد حزب دموکرات در انتخابات ۲۰۲۰ باشد.

چند نکته مهم در مورد نامزدان کنونی حزب دموکرات اینست که هر یکی از خانم الیزابت وارن و خانم کاملا هریس اگر در رقابت های درون حزبی دموکرات ها برنده شوند، این نخستین بار خواهد بود که کاندیدای حزب دموکرات در دو دوره پیهم انتخابات ریاست جمهوری زن خواهد بود. نیز سن هر سه نامزد پیشتاز حزب دموکرات از هفتاد بالا است و به ویژه برنی سندرز به هشتاد سالگی نزدیک شده است. او مسن ترین کاندیدای ریاست جمهوری امریکا است. اما ستاد انتخاباتی او به تاریخ ۵ اکتوبر تائید کردند که او در جریان گردهمایی انتخاباتی در ایالت نوادا پس از درد سینه به شفاخانه انتقال داده شد و بر اثر سکته قلبی، مورد عمل جراحی قرار گرفت. وضع سلامتی سندرز سرنوشت سیاسی او را خدشه دار ساخته است.

>> آگاهان به این باورند که او در رقابت های درون حزبی انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱٦ از خانم هیلاری کلینتون سبقت گرفته بود و حقدار مقابله با دونالد ترامپ بود، اما چون در برابر او تقلب صورت گرفت و خانم کلینتون نامزد حزب دموکرات اعلان شد، بسیاری از حامیان او در آن انتخابات بجای خانم کلینتون به دونالد ترامپ رای دادند و یا هم اصلا رای ندادند، که منجر به شکست غیر مترقبه خانم کلینتون شد.

آگاهان به این باورند که او در رقابت های درون حزبی انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱٦ از خانم هیلاری کلینتون سبقت گرفته بود و حقدار مقابله با دونالد ترامپ بود، اما چون در برابر او تقلب صورت گرفت و خانم کلینتون نامزد حزب دموکرات اعلان شد، بسیاری از حامیان او در آن انتخابات بجای خانم کلینتون به دونالد ترامپ رای دادند و یا هم اصلا رای ندادند، که منجر به شکست غیر مترقبه خانم کلینتون شد.

پیت بودجج همان کسی است که طارق غنی، پسر اشرف غنی در کمپاین های انتخاباتی او دیده می

شود. بودجه سابقه شهرداری/ شاروالی دارد و از حامیان سرسخت همجنسگرایان است.

چون هنوز رقیب اصلی دونالد ترامپ در انتخابات ۲۰۲۰ تعیین نشده و هنوز امکان فراز و نشیب های زیادی در رقابت های درون حزبی برده می شود، بر می گردیم به سخنان تازه ترامپ که در جریان کمپاین های انتخاباتی اش در قبال معضل افغانستان به حامیان خود ابراز داشته و با استقبال گرم آن ها رو برو شده است.

به همگان هویدا است که ترامپ از آغاز یعنی زمانیکه حتی وارد کارزار سیاست نشده بود، مخالف سرسخت جنگ امریکا در افغانستان بود. سپس او در جریان مبارزات انتخاباتی ۲۰۱٦ نیز بارها تصریح کرد که جنگ ما امریکایی ها در افغانستان بی فایده است و در صورت پیروزی، این جنگ بی هدف را تقطه پایان می گذارم. از نگاه تحلیلگران ؛ این موقف واضح ترامپ در برابر جنگ یک تریلیون دالری افغانستان از عوامل عمده پیروزی او در انتخابات بود.

اما دونالد ترامپ هرگاه به کاخ سفید راه یافت، تا شش ماه اول افغانستان را چنان از یاد انداخت که حامیان و مخالفان جنگ هر دو پریشان بودند که او چه فکری در قبال افغانستان دارد. اما در اگست ۲۰۱۷ میلادی، اعلان استراتژی جنگی او در قبال افغانستان و آسیای جنوبی، بیان گر این بود که او نیز در دام مافیای وحشی و جنگ خواه پنتاگون گرفتار شده و وعده ها و شعارهای انتخاباتی اش را در طاق نسیان گذاشته است. هنوز چند ماهی از راه اندازی استراتژی وحشیانه او گذشته بود، اما آوازه ناکامی آن از هر جا بلند شد و جز ظلم و جنایت بر افغان های بی گناه دیگر هیچ دستآوردی نداشت، بلکه مقاومت افغان ها به سرکردگی امارت اسلامی قوی تر و ساحات زیر کنترول مجاهدین گسترده تر شد. حتی بی بی سی در گذارش خود خبر داد که ۷۰ در صد خاک کشور تحت سلطه و نفوذ طالبان قرار گرفته است.

با گذشت یکسال ازان استراتژی، ترامپ دوباره به هوش آمد و بی درنگ مقامات بلندرتبه دولت خود را فرمان داد که گفتگوهای مستقیم با طالبان را به هدف پایان دادن این جنگ آغاز کنند. او داکتر زلمی خلیلزاد را به حیث نماینده ویژه امریکا برای صلح گماشت. همان بود که مذاکرات آغاز شد و تقریبا ده ماه دوام کرد. هر دو جهت پس از نه دوره گفتگوهای تفصیلی به توافق نهایی رسیدند. اما در شب و روزهای که قرار بود توافقنامه میان طالبان و امریکا امضا شود، او با یک تویت خود تمام دستآوردهای ده ماهه تیم های مذاکراتی را زیر سوال برد.

با گذشت یکسال ازان استراتژی، ترامپ دوباره به هوش آمد و بی درنگ مقامات بلندرتبه دولت خود را فرمان داد که گفتگوهای مستقیم با طالبان را به هدف پایان دادن این جنگ آغاز کنند. او داکتر زلمی خلیلزاد را به حیث نماینده ویژه امریکا برای صلح گماشت. همان بود که مذاکرات آغاز شد و تقریبا ده ماه دوام کرد. هر دو جهت پس از ده دوره گفتگوهای تفصیلی به توافق نهایی رسیدند. اما در شب و روزهای که قرار بود توافقنامه میان طالبان و امریکا امضا شود، او با یک تویت خود تمام دستآوردهای ده ماهه تیم های مذاکراتی را زیر سوال برد.

تغییری که این بار در رقابت های نامزدی انتخابات ۲۰۲۰ به وضوح دیده می شود اینست که تقریبا تمام مردم نامزدان هر دو حزب بزرگ به این اعتراف دارند که ما از جنگ طولانی افغانستان خسته شده ایم و مصمم هستیم که سربازان خود را در زود ترین فرصت به خانه های شان بر می گردانیم. چنانچه نامزدان حزب دموکرات در پاسخ به اینکه آیا شما متعهد به خروج کامل نیروهای امریکایی از افغانستان تا پایان دوره اول ریاست جمهوری تان هستید، چنین پاسخ گفته اند :

- جو بایدن : من نیروهای جنگی امریکایی را در دوره اول خود به خانه می آورم.

- برنی سندرز : من نیروهای نظامی امریکا را هر چه سریع تر از افغانستان بیرون می کنم. نظامیان ما هجده سال است که در افغانستان هستند. ما به زودی سربازانی در افغانستان خواهیم داشت که در ۱۱ سبتمبر به دنیا نیامده بودند.

- کوری بوکر : ما مدت طولانی در افغانستان بوده ایم. من مصمم هستم که سربازان خود را در اسرع وقت به خانه پس می آورم.

- ستیو بلوک : امسال قرار است زنان و مردان جوانی وارد خدمت سربازی شوند که حتی در تاریخ ۱۱ سبتمبر به دنیا نیامده بودند. ما مدت طولانی در منطقه گرفتار ماندیم. من می خواهم خدمتگاران شجاع ما هر چه سریع تر به خانه بیایند.

- پیت بودجج : وقت آنست که این جنگ بی پایان پایان یابد.

- کاملا هریس : من بارها گفته ام که این جنگ در افغانستان باید پایان یابد.

آگاهان به این باور اند که پایان و دوام جنگ افغانستان نقش مهم و محوری در زندگی سیاسی ترامپ خواهد داشت. اگر او این جنگ را پایان داده نتوانست، همه وعده های انتخاباتی او دروغ می شود و شاید کمتر کسی در آینده بر گفته های او باور کند. اما اگر او زمینه را برای خروج سراسری نیروهای امریکایی از افغانستان مساعد می کند و گلیم جنگ افغانستان را بر می چیند، یقینا قدر و منزلت او فزون تر می گردد و می تواند برنامه های دیگری را برای اعاده حیثیت امریکا روی دست بگیرد.

از همینست که او بار دیگر شعار پایان دادن جنگ افغانستان را بر سر زبان دارد. چنانچه در یک گردهمایی تبلیغاتی می گوید : «یک جنرال نزدم آمد و گفت که فصل جنگ در افغانستان آغاز شده و شاید جنگ ازین بیشتر شدت یابد، من گفتم : چرا ؟ گفت : طالبان از کوه ها پایین می شوند و جنگ می کنند. اما (من می گویم که) بگذارید واضح بگویم که ما نیروهای خود را از افغانستان می کشیم، تا کشور خود را بسازیم و ارتش خود را بسازیم، ما مشکلات دیگری داریم». او در جای دیگری در سخنان خود گفت : ما برای مدت کوتاه به افغانستان رفته بودیم، اما اکنون ۱۹ سال گذشته است، ما باید عساکر خود را به خانه های شان پس بیاوریم.

واقعیت اینست که ترامپ هنوز هم برای پایان دادن جنگ افغانستان پیش از انتخابات ۲۰۲۰ فرصت دارد. او می تواند با آغاز مجدد مذاکرات با طالبان، راه آبرومندانه و مسالمت آمیز برای خروج نیروهای امریکایی از افغانستان را اختیار نموده، ابتکار به پایان رساندن طولانی ترین و گران ترین جنگ تاریخ امریکا را در کارنامه خود ثبت کند.

واقعیت اینست که ترامپ هنوز هم برای پایان دادن جنگ افغانستان پیش از انتخابات ۲۰۲۰ فرصت دارد. او می تواند با آغاز مجدد مذاکرات با طالبان، راه آبرومندانه و مسالمت آمیز برای خروج نیروهای امریکایی از افغانستان را اختیار نموده، ابتکار به پایان رساندن طولانی ترین و گران ترین جنگ تاریخ امریکا را در کارنامه خود ثبت کند.





د اکتوبر اوومه، اتلس کاله وړاندې او نن د تاریخ په تله کې

أبو إحسان عامر

اتلس کاله وړاندې په همدې ورځ(د ۲۰۰۱ کال د اکتوبر اوومه) د نړۍ څه کم پنځوس هیوادونو چې سرخېله يې د وخت خونخواره امریکا وه په خورا جم او جوش زموږ پر مؤمن او غریب هیواد د بمونو باران پیل کړ. دا نېټه د دې تور او بې رحمه یرغل د مرګوني ځنځیر لومړۍ کړۍ ده کوم چې اتلس کاله وروسته يې لا هم لمبې د دې بې ګناه هیواد پر لمنه را څرخي.
دا نېټه که له یوه پلوه د افغانانو د یوه بل کړاو، هجرت ، شهادت او کور خرابۍ او بالاخره د بریا پیلامه وه له بله پلوه په همدې ورځ د امریکا د مغرورې امپراطورۍ د ورکې او زوال پال ختلی او په دې ورځ يې مرۍ افغاني چړې ته برابره شوه.
هو: د تاریخ په یاد دي، په دې ورځ د عصر فرعون (بوش بن بوش) د صلیبي جنګ د پیل له اعلان سره سم د دې خاورې اصیل بچیان او واقعي وارثان د ژوند، مال، عزت او کور له حق نه پردي او محروم کړل ، هغوی هغه وخت یواځې دوې لارې (چې یوه يې تر هدیرې او بله يې تر بندي خانې تللې وه) درلودې وبس .
د ځمکې مخ او فضاء د وحشي ړانده بمبار لمبو او د باروتو دود داسې نیولې وو تا به ویل چې دې هیواد کې انسانان خو څه آن پر کاڼو او بوټو غرونو او رغونو هم له دې کبله چې په ایمان وللي دي د مرګ سزا پلې کېږي.
د وخت چپکې او تورې نړۍ ته هر سپین تر سترګو تور او هر یو تر سترګو دوه ورتلل، دا هیواد دوه مخې او فاسدې نړۍ ته له یوه مخه ګرم او په مرګ محکوم وو؛ دلته چې د فساد ځای امن د حیوانیت ځای انسانیت او د نفاق ځای ملي اخوت نیولی وو ثابته خبره ده پر فساد عاشقې نړۍ ته زموږ د امن کور فاسد ښکاریده او غوښتل يې چې دلته هم دځان په څېر د دیموکراسۍ په مټ له انسان نه د شریعت ورکړې عزت سلب کړي د فردي ازادي په نوم يې د فحشا، ایډز او همجنس بازۍ د بلاوو خوراک کړي.
هغه وخت خدای شته د یرغل د ځوانۍ او د نړۍ د مستۍ شپې وې، یرغلګرو له مورال سره سره پرېمانه زغروال درلودل، هغه وخت يې بدن کې ساه، جاغور کې مرمۍ او جیب کې روپۍ درلودې، هغه وخت امریکایي اشغالګرو عسکرو له ځان او مرکز نه سېمتې دیوالونه او د خاورو نه ډکې بوجۍ نه تاوولې بلکې هغه وخت يې له ځانونو نه د ببرو ډالرو بوجۍ تاوکړې وې ، هغه وو چې یوشمېر له وخت سره اوښتونکي جاه طلب او مال طلب تش په نوم افغانان يې د ځان مریدان او د

خپل کور تخریب ته را مارش کړل.

د دې پر ځای چې امریکا د افغانستان مطالعه کړې وای امریکا عجله وکړه د راتللو لاره یې لیدله البته خپل غرور او زور اجازه ورنکړه چې د بیرته تللو لاره هم وګوري ، نه یې خپله سر کې سد وو نه یې د بل دلته مات شوي اشغالګر مشوره (افغانستان ته ورتلل اسان خو را وتل ترې ګران دي) منله، دوی ځکه دوکه شول یو خو دوی ناخبرو ته له ایمان سره دغره وهل څه ګرانه نه برېښېده او بل هغه وخت د دوی غلامانو(کرزي او ....) دوی ته داړ ورکړی وو چې ګواکې خلک ګرده د دوی تر شا او پر مات پاڼ ولاړ دي بس هسې یوه دیکه به غواړي نور هیڅ نشته موږ ، مزې او د دیموکراسۍ چړچې هیڅ کله هم نه سره بېلیږو.

خو خبره داسې نه وه:

د شیطان روند لښکر د نصرت د پرښتو له لیدلو عاجز وو، دوی د الله تعالی پر نصرت او دې قول : قُلْنَا يانَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلامًا عَلَى إِبْرَاهِيمَ . علم او ایمان نه درلود . د دوی د اټکل خلاف دلته د بارودو او کلسټرو د پراخو لمبو تل کې خلیلي ارادې ژوندۍ او لا پخې شوې ،وخت ورو ورو له ځان سره هرڅه بدلول ، د اشغالګرو تور لاسونه لنډ او پښې یې د سرینبو ډنډ ته اوړدې شوې. دلته د توحید رڼا ورځ تر بلې د هیواد په غیږه کې خپل مزې غزول ، دلته د تکبیر او الجهاد ناري د هیواد په اسمان څکو سردرو کې انګازې وکړې ، دلته میوند میوند هیواد د یرغلګرو تر ناولو قدمونو لاندې ګړي په ګړي لکه تبۍ په ګرمېدو شو ، دلته قطار قطار نازکې ځوانۍ نذراني او پریمانه مجاهد سرونه سودا ته را وړاندې شول ، کله چې کافري نړۍ او مزدورانو یې د مینې دا شور او د عشق دا ګرم بازار ولید له هغې ورځې یې دبدن وینې په کمبود پیل وکړ، عسکرو یې ځان وژنې او غلامانو یې تېښتې ته ملا وتړله.

هو : دلته امو ، ترنک ، کونړ ارغند او .... سیندونو دخپل سکني قلزوم پر لاره قدم وواهه او فرعوني نړۍ یې د خپلو څپول غیږه کې واخیسته تر دې چې ټول منحوس ارمانونه او دلته د ارام خوبونه یې په اوبو لاهو شول . زموږ د استشهاد ابابیل د وخت د ابرهه پخو ځالو (ارګ ، باګرام ، ګرین ویلیج ، شوراب او صحراباغ) ته ورسېدل ، د موټر بم درنې ټکې یې پر پخو کلاوو راپرېوتې د ډبې بم کنښت یې زیات عسکر او زغروال پر نیمی وربېل.

همدا وجه وه چې نړۍ د غرور بام نه کوز ، د قدرت له نشې نه را پر خود او د تل لپاره یې د میم زور ما تولو یې زما دعوه په زاریو بدله شوه .

که اتلس کاله وړاندې د اکتوبر اوومه او نن د اکتوبر اوومه د تاریخ په تله او د امریکایي رسنیو په سکرین کې سره پر تله کړو امریکایي امپراطورۍ پر ملا ماته ده . زموږ د ورکې لپاره یې چې کوم دامونه نصب کړي وه خپله یې ښکار شول . امریکایي رسنۍ چې بې له دروغ ویلو بل کمال نه لري هغه د چا خبره یو خبر یې هم بې مالګې نه وي . هغوی هم د دوی د ورکې پخلی کوي او منې چې اوس اتلس کاله وروسته د هیواد پر اویا سلنه برخه مجاهدین حاکم او دوی ترې شړل شوي دي.

اتلس کاله وړاندې زموږ پر اتحاد ماتولو متحد حارثان د وخت په تېرېدلو سره داسې دانه دانه شول چې د نړۍ نه بېل او بې سابقې دوه سري حکومت همدارنګه د ارګ او سپینې ماڼۍ، د ارګ او ولایاتو، دارګ او وزات خارجه ناندریو یې نړۍ حیرانه کړه .

خو لله الحمد موږ اتلس کاله وروسته لا هم بنیان مرصوص غوندې یوه قوي صف کې قرار لرو او د اشغال پر ضد خپله فریضه پر مخ وړو .

د اشغالګرې نړۍ نور په دې سر خلاص دی چې اوس حالات بدل دي دوی ځان سره دا ښېګڼه ګڼي چې نور له دې ګرداب نه ځانونه وباسي ، دلته که هر څومره زیات زور کوي هغومره به په ځمکه ننوزي، نور یې منتر بې اثره دی ، ملت د دوی بیا رغونه، دیموکراسي انتخابات او ... عملا ولیدل .

توپیر

پرونی اکتوبر کې به یې دخلکو دروازې د دې لپاره ټکولې تر څو په ګډه زموږ خاوره وخوري .

اوس چې کله دې خاورې دوی وخوړل وینو چې بیرته هغه دروازې د دې لپاره ټکوي ترڅو د تېښتې یوه لاره پیدا کړي او دې مقتل نه ځانونه وباسي.

پرونی اکتوبر کې به یې له زور خو نني اکتوبر کې له زاریو نه کار اخلې.

پرونی اکتوبر کې که موږ بې له مرګ او زندان نه پرته بله لاره نه درلوده خو نني اکتوبر کې بیا دوی دوه آپشنه لري او بس .

یا مرګ یا تېښته ان شاء الله وما ذلک علی الله بعزیز



قرآن کریم یک کتاب انقلابی است

سعید بدخشانی

{الر كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنْ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ} (سوره ابراهیم آیه ۱)

ترجمه:این کتابی است که ما نازل کردیم به سوی تو تا برآوری مردم را از تاریکیها به سوی روشنی به دستور پروردگار به راه خدای غالب و ستوده.

برادران وخواهران مسلمان!

بدون تردید قرآن کریم چنان یک کتاب عظیمی است که در زندگی انسانها انقلاب و در دل و روح انسان ها تبدیلی می آورد. کسانیکه به فرامین و احکامات آن عمل نماید الله سبحانه وتعالی آنان را زندگانی پر از سکون و آرامش نصیب می فرماید.

وضعیت قبل و پس از اسلام عرب:

قبل از اسلام در زمان جاهلیت کفار ومشرکین دختران را زنده به گور می کردند، سنگ وچوب را پرستش می کردند، برهنه وعریان براطراف کعبه طواف می کردند، دربین خود درگیربودند، مرتکب هرنوع جنایات وگناه ها می شدند، نه عقیده صحیح داشتند و نه هم عمل، بلکه مانند جانوران وقت می گزرانیدند. وقتیکه به دین مقدس اسلام مشرف شدند و به احکامات قرآن کریم عمل نمودند از همان مردم شخصیت های معظم وحتی هم صحبت رسول الله صلی الله علیه و سلم و ملقب به صحابه کرام رضوان الله علیهم اجمعین گردیدند، پیشوایان دین شدند و زمانهٔ آنها مسمی به خیرالقرون گردید. و به برکت قرآن کریم از ایشان اولیاءالله، فقهاء و سیاست دانان و سر به راهان لشکریان اسلامی به میان آمد .

صحابه کرام به وسیله قرآن کریم در دنیا انقلاب برپا نمودند:

هنگامیکه یاران راستین و پاکباز پیامبر بزرگ اسلام به کدام شهر و قریه ای تشریف می بردند به ذریعه آیات قرآنی در آنجا انقلاب می آوردند، تهذیب آنجا بدل می شد، آیین و مذهب شان تغییر می کرد و حتی زبان شان نیز بدل می شد.

مصر،عراق و شام امروزی را که کشورهای عربی گفته می شود اینها اصلاً کشورهای عربی نبودند زیرا مصر محل سکونت قبطی ها و زبان شان نیز قبطی بود. شام کشور عیسوی ها و زبان شان رومی بود و عراق ملک خراسان بود و در آن زبانی دیگر وجود داشت، اما زمانی که صحابه کرام به این کشورها رسیدند به برکت قرآن کریم چنان انقلاباتی آوردند که تمدن، تهذیب، مذهب و زبان آنها نیز تبدیل شد.

قرآن کریم چنان یک روحی است که با آن قوم ها زنده و سربلند می شوند، الله جل جلاله در جایی می فرماید که ترجمه اش چنین است: و همچنین ای پیامبر ما برای تو یک روح (قرآن کریم) فرستادیم. (سوره الشوری آیه ۵۲)

همان عربی که دیگر اقوام آنها را به نظر سبک و چشم نفرت می نگریست، آنها را جهال، ذلیل و غیر مهذب می دانستند زیرا در تمام شهر مکه نه مدرسه ای وجود داشت، نه مکتب و نه پوهنتون و اکثریت شان نادان و بی علم بودند، لکن وقتیکه این روح یعنی قرآنکریم وتعلیمات پیامبر بزرگ اسلام برایشان رسید و در زندگی خود عملی ساختند همان عرب در دنیا معزز وسربلند شد، از همان مردم صحابه کرام به میان آمد، همان مردم را «رضی الله عنهم ورضوا عنه» گفته می شود، از همان مردم چنان نیرو وقوّت مستحکمی ساخته شد که در اندک وقت فارس و روم را شکست دادند.

مردمی که اصلاً از زندگی سیاسی و وضعیت ملکی نا آگاه بودند از ایشان در سیاست چنان پیشوایانی به وجود آمد که باز تمام دنیا را درس سیاست و پیشبرد نظام و سلطنت دادند، و حکومتی را حکم فرما ساختند که کفار دنیا انگشت به دهان و در حیرت شدند.

مسلمانان به برکت قرآن کریم با وجود تعداد کم و وسائل ناچیز لشکریان عظیم و مجهز کفار را شکست دادند.

محمد بن قاسم (جوان هژده ساله) همراه با شش هزار مجاهد هندوستان را فتح کرد، طارق ابن زیاد با هفت هزار سپاهی پوره یورپ (europe) را به شکست مواجه ساخت، ملت مجاهد افغانستان با دستان خالی انگلیس واتحاد جماهیر شوروی وقت وحالا پیمان ناتو و امریکای جهان خوار را به زانو درآوردند و عنقریب است که امریکا با شرمندگی و رسوایی کشور عزیز ما را ترک کنند.

این درحالیست که کشورهای کفری به لحاظ افراد، اقتصاد و آلات جنگی با مسلمانان هیچ مقایسه نمی شوند البته در مسلمانان و مجاهدین به سبب اسلام وقرآن کریم یک قوّت روحانی موجود بود و می باشد اینجاست که امپراطوریهای کفری را شکست دادند وخواهند داد ان شاءالله.

اگر مسلمانان جهان امروزی به احکامات قرآن چنگ بزنند وبه آن عمل نمایند و آن را دستورالعمل خویش قرار بدهند بدون شک در دنیا و آخرت سرفراز خواهند شد و درغیر آن خدای نخواسته به مشکلات جدی مواجه خواهند گردید.



>> هنگامیکه یاران راستین و پاکباز پیامبر بزرگ اسلام به کدام شهر و قریه ای تشریف می بردند به ذریعه آیات قرآنی در آنجا انقلاب می آوردند، تهذیب آنجا بدل می شد، آیین و مذهب شان تغییر می کرد و حتی زبان شان نیز بدل می شد.

***

>> اگر مسلمانان جهان امروزی به احکامات قرآن چنگ بزنند وبه آن عمل نمایند و آن را دستورالعمل خویش قرار بدهند بدون شک در دنیا و آخرت سرفراز خواهند شد و درغیر آن خدای نخواسته به مشکلات جدی مواجه خواهند گردید.



پرسش ها و پاسخ های شرعی

قسمت پنجم

تحقیق، اصدار و فتوا: مفتی ابو یاسر عفی الله عنه
ترجمه: واحد ترجمه و تحقیق مجله

انواع مختلف جهاد

الاستفتاء :

مفتی صاحب ! جهاد حیثیت اساسی و بنیادی در اسلام دارد و شنیده ام که عقیده داشتن بر جهاد بخشی از ایمان است. اما معلومات کامل در مورد جهاد ندارم. اگر ممکن باشد، لطفا تمام انواع جهاد را برایم بنویسید، ممنون خواهم بود. (المستفتی محمد احمد)

الجواب :

حامدا و مصلیا و بعد : بعضی محدثین انواع جهاد را به گونه ذیل بیان نموده اند :

۱ : جهاد مع النفس : آموزش احکام، مسائل و دیگر امور دین، سپس عمل بر آن و تقبل مشکلات و زحمات درین راستا را، جهاد بالنفس گفته میشو د

۲ : جهاد مع الشیطان : خودداری از گناهان و محافظت خود از وسواس و شبهات شیطان را، جهاد مع الشیطان گفته می شود.

۳ : جهاد مع الکفرة : جهاد و مبارزه با جان، مال، زبان و قلم در برابر دشمنان پروردگار.

۴ : جهاد مع الفساق : مبارزه لسانی (یعنی مبارزه توسط تعلیم، وعظ، ارشاد و امر بالمعروف و نهی عن المنکر) با فاسقان. نیز با جان و مال خود می توان در برابر فاسقان جهاد مسلحانه نمود، کما في زماننا ممن اتبع الصلیبیین و الکفرة من البریطانیین والامریکین وغیرهم.

اما بعضی علما گفته اند که جهاد بر دو قسم است :

۱ : الجهاد الاکبر . این در خانه خود بر دو قسم است :

- الجهاد مع النفس
- الجهاد مع الشیطان

۲ : الجهاد الاصغر. این هم در خانه خود بر دو قسم است :

- الجهاد مع الکفرة
- الجهاد مع الفساق

هرچه اینکه چرا قسم اول به جهاد اکبر و قسم دوم به جهاد اصغر نامیده شده، فقهای کرام درین مورد دلائل مختلفی بیان کرده اند.

مثلا :

۱ : قسم اول را جهاد اکبر گفته می شود، زیرا این جهاد همیشگی، یعنی تا مرگ می باشد، بر خلاف قسم دوم که گاه گاه رخ می دهد.

۲ : مقابله با نفس و شیطان دشوار تر از مقابله با کفار و فساق است.

۳ : انسان در برابر نفس و شیطان بسیار ضعیف است، الا من وفقه الله تعالی. هر چه انسان در برابر انسان ضعیف نیست، الا ما شاء الله تعالی.

قابل یادآوری است که هرگاه جهاد مطلق ذکر می شود، مراد از آن جهاد مع الکفره می باشد، و هو الفرد الکامل منه.

فی المرقات : أن الجهاد شرعا بذل المجهود فی قتال الکفار مباشرة أو معاونة بالمال أو بالرأی أو بتکثیر السواد أو غیر ذلک . مرقات ۱۷ ۳۱۹

قال شیخنا العثماني في شرح مسلم : وإذا اردنا أن نلخص هذه التعبیرات وسعنا أن نقول إن الجهادلایختص بماشرّة القتل وإنما هوکل جهدیبذل فی سبیل إعلاء کلّمة الله وکسرة شوکة الکفر والکفار سواء کان بالسلاح أوبالمال أوبالعمل أوبالقلم أوباللسان ، ولکن کلمة الجهادإذا أطلقت فإنما یراد بها فی الغالب جهدیبذل فی قتال الکفار ، ولاتطلق علی غیره إلا بقرینة تدل علی ذلک ،وکذلک ربماتطلق هذه الکلّمة علی مجاهدة النفس کماورد فی الحدیث المجاهد من جاهد نفسه فی طاعة الله . الحدیث . أخرجه الحاکم وصححه ووافق علیه الذهبی وأحمدولکن هذاالاطلاق تجوّز بالنسبة إلی معناه المصطلح المعروف فلایصار إلیه أیضا إلا بقرینة ، التکملّة لفتح الملهم ۴۱۳ ملخصاً ـ ومثله في کشف الباري شرح صحیح البخاري ۴۶\۵

وفي فتح الباري ۱۶\ص۳۱ والجهاد بکسر الجیم أصله لغة المشقة یقال جهدت جهادا بلغت المشقة وشرعا بذل الجهد في قتال الکفار ویطلق أیضا علی مجاهدة النفس والشیطان والفساق فأما مجاهدة النفس فعلی تعلم أمور الدین ثم علی العمل بها ثم علی تعلیمها وأما مجاهدة الشیطان فعلی دفع ما یأتي به من الشبهات وما یزینه من الشهوات وأما مجاهدة الکفار فتقع بالید والمال واللسان والقلب وأما مجاهدة الفساق فبالید ثم اللسان ثم القلب ... واختلف في جهاد الکفار هل کان أولا فرض عین أو کفایة وسیأتي البحث فیه في باب وجوب النفیر.

والله تعالی اعلم.

در مورد پوشاندن سر و پای شهید

الاستفتاء :

محترم مفتی صاحب ! پیکر یک مجاهد شهید به قریه ما آورده شد، بعضی مجاهدین گفتند که سر و پای شهید پوشانده نشود. اما بعضی دیگر گفتند که پوشانده شود. غالبا بعضی مجاهدین عرب سر و روی شهدا را نمی پوشانند. ما می خواهیم این موضوع را در روشنی شریعت بدانیم، که آیا سر و پای شهید با کفن پوشانده می شود و یا خیر ؟

(المستفتی سعیدالله جلال آبادی)

الجواب :

حامدا و مصلیا و بعد : شهدا در کفن همانند دیگر مسلمان ها پوشانده می شوند. یعنی پوشاندن سر و پای شان با کفن ضروری است.

لما فی البدائع ۷۳/۲ لماروی ان حمزة رضی الله تعالی عنه کان علیه نمرة لوغطی رأسه بهابدئت رجلاه ولوغطیت رجلاه بدأرأسه فأمررسول الله

صلی الله علیه وسلم ان یغطی بهارأسه وان یوضع علی رجلیه شیئ من الاذخر. وهکذافي جمیع کتبنا .

در مورد بیوه و یتیمان شهید

الاستفتاء :

محترم مفتی صاحب ! چند پرسشی داریم :

۱ : مجاهدی شهید شد و بیوه و دو پسر از او بجا ماند، که یکی آن یکساله و دومی اش سه ساله است. بیوه شهید می گوید که من با کسی عروسی نمی کنم و با کودکان خود می نشینم، اما برادران مجاهد شهید می گویند که حتما نکاح بکند. شریعت درین مورد چه می گوید ؟

۲ : این بیوه به خانه برادران خود رفت و هر دو پسرش را نیز برد. اکنون کاکاهای آن دو کودک می گویند که کودکان را به ما تسلیم کن. اما بیوه می گوید که کودکان نزد من باشند. شریعت درین مورد چه می گوید ؟

۳ : این بیوه به کاکاهای پسرانش می گوید که نفقه این کودکان را بدهید، اما کاکاها نفقه نمی دهند. شریعت درین مورد چه فیصله می کند ؟ (المستفتی غلام محمد)

الجواب :

حامدا و مصلیا و بعد : در صورت اول، حکم شریعت اینست که بیوه اختیار دارد که نکاح می کند یا خیر. هیچکسی او را مجبور به نکاح نمی تواند.

در صورت دوم، حکم شریعت اینست که تا زمانیکه این بیوه با غیر محرم کودکان خود نکاح نکرده است، مادر تا هفت سالگی کودکانش حق دارد که آن ها را نگه کند.

در صورت سوم، اگر کسی تبرعا بر این کودکان نفقه نمی کرد، از میراث پدرش بر آن ها خرج می شود و مصرفش به کسی داده می شود که آن ها را نگه داری می کند. همچنان حق آن بیوه از میراث داده می شود.

في الترمذي ۳۳۸\۱ عن ابن عباس رض ان رسول الله صلی الله علیه وسلم قال الأیم احق بنفسها من ولیها الخ

و في مختصر القدوري ص۱۳۴\ وینعقدنکاح المرأة الحرة البالغة العاقلة برضائها... بکراکانت اوثیبا ..ولایجوز للولي اجبارالبکر البالغة العاقلة .

وفیها ایضا ص ۱۶۵ والام والجدة احق بالغلام حتی یاکل وحده ویشرب وحده ویلبس وحده وبالجاریة حتی تحیض .

وفي البحر ۲۸۷\۴ قوله والام والجدة احق بالغلام ..وقدربسبع لانه اذا استغنی یحتاج الی التادیب والتعفیف ..

ومثله في المحمودیة ۵۷۷\۱۳

آیا مسلمان ها به کلیسا، بتخانه وغیره رفته می توانند؟

الاستفتاء :

محترم مفتی صاحب : رفقای ما به هدف تجارت و سیاحت به کشورهای مختلف می روند، و آنجا گاهی به معابد کفار (مثلا مندر یعنی بتخانه و کلیسا وغیره) هم می روند. و گاهی خود را مانند آن ها می سازند و می روند. حکم شریعت درین مورد چیست، اگر واضح تر بیان نمائید ؟ (المستفتی : حبیب الله)

الجواب :

حامدا و مصلیا و بعد : رفتن یک مسلمان به مندر، کلیسا وغیره شرعا ناروا است، و اگر خود را همانند پیروان دیگر ادیان و مذاهب بسازد از ایمان محروم می شود و باید تجدید ایمان و نکاح کند.

لما في البحر الرائق ۷ / ۲۱٤: دار الکتاب الاسلامي (قوله، ولا یحلفون في بیوت عبادتهم) لأن القاضي لا یحضرها بل هو ممنوع عن ذلك کذا في الهدایة،... وفي التتارخانیة یکره للمسلم الدخول في البیعة والکنیسة، وإنما یکره من حیث إنه مجمع الشیاطین لا من حیث إنه لیس له حق الدخول والظاهر أنها تحریمیة؛ لأنها المرادة عند إطلاقهم، وقد أفتیت بتعزیر مسلم لازم الکنیسة مع الیهود.

وفي مجمع الأنهر في شرح ملتقى الأبحر ٢ / ٢٦٠، ط: دار احياء التراث العربي.(ولا يحلفون) أي الكفار (في معابدهم) ؛ لأن فيه تعظيما لها والقاضي ممنوع عن أن يحضرها وكذا أمينه؛ لأنها مجمع الشياطين لا أنه ليس له حق الدخول .وفي البحر وقد أفتيت بتعزير مسلم لازم الكنيسة مع اليهود والنصارى .

وفي ردالمحتار ٣٨٠/١: دارالفكر بيروت :فإذا حرم الدخول فالصلاة أولى، وبه ظهر جهل من يدخلها لأجل الصلاة فيها.

وفي الموسوعة الفقهية ٣٨ / ١٥٥: وزارة الاوقاف الكويت .ذهب الحنفية إلى أنه يكره للمسلم دخول البيعة والكنيسة، لأنه مجمع الشياطين، لا من حيث إنه ليس له حق الدخول .

آیا تسبیح مروج بدعت است ؟

الاستفتاء :

محترم مفتی صاحب !تسبیح خواندن و یا دیگر اذکار بر تسبیح (سبحه) مروجه چطور است؟ بعضی مردم می گویند که این بدعت است؟ اگر درین مورد پاسخ بگویید ؟ (المستفتی عبدالرحیم)

الجواب :

حامدا و مصليا و بعد : تسبیح خواندن بر تسبیحات مروجه نه تنها جائز است، بلکه به عادت حسنه تمام مسلمان ها تبدیل شده و در احادیث نبوی نیز اصل دارد. بدعت گفتن چنین عمل، کار منکر و ناروا است.

في ردالمحتار ٥٠٨١٢ ط ج و طبع اخرى ٦٥٠١١ مطلب الكلام على اتخاذ المسبحة (قوله لا بأس باتخاذ المسبحة) بكسر الميم: آلة التسبيح، والذي في البحر والحلية والخزائن بدون ميم. قال في المصباح: السبحة خرزات منظومة، وهو يقتضى كونها عربية ... ودليل الجواز ما رواه أبو داود والترمذي والنسائي وابن حبان والحاكم وقال صحيح الإسناد عن سعد بن أبي وقاص «أنه دخل مع رسول الله - صلى الله عليه وسلم - على امرأة وبين يديها نوى أو حصى تسبح به فقال: أخبرك بما هو أيسر عليك من هذا أو أفضل؟ فقال: سبحان الله عدد ما خلق في السماء، وسبحان الله عدد ما خلق في الأرض، وسبحان الله عدد ما بين ذلك، وسبحان الله عدد ما هو خالق؛ والحمد لله مثل ذلك، والله أكبر مثل ذلك، ولا إله إلا الله مثل ذلك، ولا حول ولا قوة إلا بالله مثل ذلك» : فلم ينهها عن ذلك.

وإنما أرشدها إلى ما هو أيسر وأفضل ولو كان مكروها لبين لها ذلك، ولا يزيد السبحة على مضمون هذا الحديث إلا بضم النوى في خيط، ومثل ذلك لا يظهر تأثيره في المنع، فلا جرم أن نقل اتخاذها والعمل بها عن جماعة من الصوفية الأخيار وغيرهم؛ اللهم إلا إذا ترتب عليه رياء وسمعة فلا كلام لنا فيه، وهذا الحديث أيضا يشهد لأفضلية هذا الذكر المخصوص على ذكر مجرد عن هذه الصيغة ولو تكرر يسيرا كذا في الحلية والبحر

وفي الموسوعة الفقهية ٢٨٣١١١ مايجوز به التسبيح :أجاز الفقهاء التسبيح باليدوالحصى والمسابح خارج الصلوة الخ.



صفحهٔ ویژهٔ شیربچه های هندوکش

بخش هفتم

ترتیب دهنده: محمدعمار رستاقی

مجاهد کوچک

رسول الله صلی الله علیه وسلم مجاهدین را برای جنگ بدر آماده می کرد. مجاهد کوچکی در صف ایستاده بود. هنگامی که رسول الله صلی الله علیه وسلم صف های مجاهدین را معاینه می کرد، این مجاهد کوچک در عقب مجاهدین دیگر پنهان می شد. برادر بزرگش اورا دید و پرسید چرا پنهان می شوی، آیا می ترسی؟ گفت: نخیر برادرم، بلکه شوق جهاد و شهادت دارم و می ترسم که رسول الله صلی الله علیه وسلم مرا بخاطر اینکه کوچک هستم از رفتن به جنگ بدر منع کند. وقتی رسول الله صلی الله علیه سلم اورا دید از صف کشید و اجازه نداد به غزوه برود. وی گریه و زاری کرد سپس رسول الله صلی الله علیه وسلم اورا اجازه داد. وی در جنگ اشتراک کرد و خیلی با شجاعت رزمید تا اینکه توسط یکی از مشرکین مورد هدف قرار گرفت و به آرمان خود رسید. او عمیر بن ابی وقاص رضی الله عنه نام داشت و برادر صحابی بزرگوار سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه بود و در زمان شهادت ۱۶ سال عمر داشت.



قوماندان جوان

در زمان رسول الله صلی الله علیه وسلم اطفال نیز همراه با پدران خود به جهاد آماده می شدند. آنان اسپ دوانی و تیر زدن را می آموختند تا اینکه هر لحظه برای رفتن به جهاد همراه رسول الله صلی الله علیه وسلم آماده باشند. از جمله همین اطفال یکی اسامه بن زید رضی الله عنه بود. وی ۱۸ ساله بود که رسول الله صلی الله علیه وسلم وی را قوماندان لشکر مسلمانان تعیین کرد. آیا می دانید که در این لشکر و در زیر دست او کی بود؟ اصحاب بزرگوار مانند ابوبکر و عمر رضی الله عنهما در این لشکر در زیر دست او بودند مگر هیچ اعتراض نکردند و قوماندانی اسامه بن زید نوجوان را پذیرفتند زیرا آنان می دانستند که اسامه در طفلی خیلی کوشش می کرد تا اینکه در سن ۱۸ سالگی آنقدر قوی و نیرومند شد که از همه خوبتر اسپ دوانی می کرد، تیر را همیشه به هدف می زد و راه و روش جنگ را می دانست. پس همه بر قوماندانی او اتفاق کردند و این لشکر بعد از وفات رسول الله صلی الله علیه وسلم رفت و کفار را شکست داد.

طفلی که در راستگویی اش قرآن نازل شد

شخص بزرگسالی بود. او در دل کافر بود اما نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم اسلام خودرا ظاهر می کرد. روزی برادر زاده اش که طفل کوچکی بود و نام او عمیر بن سعد بود نزد او رفت و گفت که ای کاکا! آیا خبر داری که رسول الله صلی الله علیه وسلم دربارهء قیامت چنان صحبت کرد که گویا آن را به چشم سر می بینیم. کاکایش گفت که اگر محمد راست گفته باشد ما بدتر از خر هستیم. طفل این سخن را تحمل کرده نتوانست و کاکای خودرا گفت که تا همین لحظه تورا خیلی دوست دارم و حالا از تو خیلی نفرت می کنم. طفل نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم رفت و اورا خبر کرد که کاکایم مسلمان نه بلکه منافق است. کسانیکه در آنجا نشسته بودند گفتند که این طفل است و آن شخص بزرگ همراه ما نماز می خواند. به رسول الله صلی الله علیه وسلم گفتند نباید گپ این طفل را قبول کنی. طفلک مایوس شد و رخ به آسمان کرد و دعا کرد که یا الله! اگر من راستگو هستم راستی و صداقت ام را ثابت کند. اندک گذشته بود که جبرئیل علیه السلام نازل شد و آیتی را در صداقت و راستگویی این طفل و منافقت کاکایش با خود آورد.



اطفال غیرتمند

معاذ و معوذ دو طفل کمسن و مجاهد بودند. در جنگ بدر آنان نزد حضرت عبد الرحمن بن عوف رضی الله عنه رفتند و از وی پرسیدند که کاکا! ابو جهل کجاست؟ وی پرسید که با ابو جهل چی کار دارید؟ گفتند که ما شنیده ایم که وی بزرگترین دشمن اسلام است و در مکه معظمه رسول الله صلی الله علیه وسلم را خیلی آزار و اذیت می کرد، امروز ما تصمیم داریم تا اورا به قتل برسانیم. عبد الرحمن بن عوف رضی الله عنه ابو جهل را به آنان نشان می دهد که در صف کفار پایان و بالا می رود. هر دو نوجوان خودرا نزد ابو جهل می رسانند و با شمشیر بر وی حمله می کنند. ابو جهل کشته می شود و هر دو غازی شتاب زده نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم می روند و ایشان را خوشخبری می دهند. رسول الله صلی الله علیه وسلم برایشان می گوید که شما هر دو غازی هستید.

انتخابات

خالد: فردا انتخابات است، پدرت به کی رای می دهد؟

عمر: به هیچ کس رای نمی دهد، آیا نشنیدی که امارت اسلامی از مردم مسلمان خواسته است تا در انتخابات اشتراک نکنند.

خالد: چرا؟

عمر: دیروز مولوی صاحب در خطبهء جمعه گفت که اینگونه رای دادن در اسلام نیست. در اسلام تنها مردم عالم، دانشمند و فهمیده شخصی را بحیث امیر مسلمانان تعیین می کنند اما در انتخابات فاجر و فاسق با یک عالم و دانشمند برابر است و هر دوی شان یک رای حق دارند.

خالد: خیر رئیس جمهور را کی تعیین کند؟

عمر: مولوی صاحب دیروز این را هم گفت که این انتخابات نیست بلکه درامه است. کشور ما اشغال شده است و اشغالگران رئیس جمهور را تعیین می کنند و تنها بخاطر فریب مردم انتخابات می کنند.

خالد: درست است، اگر اسلام اجازه نمی دهد و رئیس جمهور را هم اشغالگران تعیین می کنند پس پدر من چرا خودرا به تکلیف کند. او هم رای نمی دهد.



موقف جوانمردانهء ابو طالب

ابو طالب کاکای رسول الله صلی الله علیه وسلم بود و همیشه از رسول الله صلی الله علیه وسلم در مقابل کفار حمایت و دفاع می کرد و اجازه نمی داد کفار به وی اذیت برسانند. کفار بارها کوشش کردند که ابو طالب را قناعت دهند که برادر زادهء خودرا که در مقابل بت های آنان سخن می گوید منع کند و یا تسلیم آنان کنند اما او هرگز نمی پذیرفت. روزی کفار قریش یک جوان خیلی زیبا را که عماره بن ولید بن مغیره نام داشت نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آوردند و برایش گفتند که ببین ما حاضر هستیم این جوان مقبول و زیبا را برای تو بدهیم، آنرا برای خود فرزند بگیر اما محمد را برای ما تسلیم کن. ابو طالب در جواب گفت: عجب خواستی از من دارید. فرزند خودرا برای من می دهید تا من اورا بخوارنم و کلان کنم و من فرزندم را برای شما بدهم که شما اورا اذیت کرده و به قتل برسانید. این هرگز ممکن نیست.



امیر المومنین ملا محمد عمر مجاهد

امیر المومنین ملا محمد عمر مجاهد رحمه الله موسس و بنیان گزار امارت اسلامی افغانستان بود. ایشان در یکی از مدارس کوچک کشور تدریس می کرد. ایشان می دید که افراد مسلح شر و فساد مردم را آزار و اذیت می کنند، آنان را ناحق به قتل می رسانند و مال و دارایی شان را دزدی می کنند. مردم خیلی به تکلیف بودند اما هیچ کاری کرده نمی توانستند. روزی امیر المومنین با چند تن از طالب های خود از مدرسه خارج شده و علیه افراد مسلح شر و فساد جنگیدند و آنها را فرار دادند.

این سلسله جریان پیدا کرد تا چندین ولایت را فتح کردند و مجاهدین زیادی با آنان پیوستند. بعد از فتح کابل شورای علماء دایر شد و این شورای ایشان را به حیث امیر مومنین تعیین کرد. امریکا از وی خواست تا مسلمانان مهاجر را که به افغانستان آمده بودند به کفار تسلیم کند اما غیرت و مسلمانی وی اجازه این کار را نمیداد. سپس امریکا به این بهانه بر امارت اسلامی حمله کرد و کشور را اشغال کرد. امیر المومنین با شجاعت و مردانگی تا اینکه در سال ۲۰۱۳ وفات نمود در مقابل امریکا و اشغالگران جنگید تا آنان را با شکست مواجه ساخت. امیر المومنین شخص با غیرت و مومن بود و هرگز در مقابل کفار سر خم نکرد و نام نیک خودرا در تاریخ ثبت کرد. مسلمان باید با غیرت و با ایمان باشد و هرگز در مقابل کفار سر خم نکند.

(۲۵)

سیرت نظامی رسول الله صلی الله علیه وسلم

تالیف: شیت خطاب
ترجمه: راشد شهامت

عوامل شکست احزاب

۱ ـ قیادت پراکنده

احزاب از قیادت واحدی که بتواند همه نیروهای موجود را زیر فرمان در آورد تا در هنگام مناسب دست به یك عمل قاطع و مناسب بزند برخوردار نبوند.

هر قبیله ای قوماندان وفرماندهی بلکه چند فرمانده داشت و اینان توان طرح نقشه ای واحد برای تهاجم وحمله به مسلمانان را نداشتند. اینکه همه آنان فرماندهی واحدی را بپذیرند محال بود، زیرا چنین فرماندهی به شرافتی عظیم دست می یافت و از دیگران ممتاز می گشت ؛ و این برای دیگران پذیرفتنی نبود.

ایده حاکم بر فرماندهان ، غرور جاهلی بود و نه هدف مشترك ، و اینگونه فرماندهی کردن در هیچ موضع یا نبردی ، هرچند که تمام شرایط فراهم باشد، به پیروزی نخواهد رسید ـ مانند وضعیتی که احزاب و یهود در جنگ احزاب داشتند ـ .

۲ ـ پدیده غافلگیرکننده خندق

کندن خندق ، احزاب را بطور کامل غافلگیر ساخت . اعراب با این اسلوب وروش آشنا نبودند و راه عبور و غالب شدن بر مدافعانش را نمی دانستند. از این رو در طول مدت محاصره ، جنگ فرسایشی بود. تنها تلاشهای اندکی از سوی مشرکان به منظور عبور از خندق انجام گرفت که همگی به شکست منتهی شد.

۳ ـ وضعیت هوا

جنگ در زمستان روی داد و اعراب که در فضای باز و دور از وطنشان به سر می بردند، امکانات لازم را برای گرم کردن ، زندگی و سکونت نداشتند. از این رو نتوانستند برای مدتی طولانی به محاصره مدینه ادامه دهند.

٤ ـ بی اعتمادی

احزاب از سویی نسبت به خودشان و از سوی دیگر نسبت به یهودیان کاملاً بی اعتماد بودند، بلکه اساسا هیچ گونه اعتمادی وجود نداشت .

هدف قریش این بود که با استفاده از یهود و دیگر قبایل ، مسلمانان را نابود سازند. اما قبایل دیگر در درجه اول به دنبال تاراج اموال از هر طریق ممکن بودند، به طوری که اگر از همپیمانهایشان یعنی بنی قریظه نیز چیزی به دستشان می رسید می گرفتند.

یهودیان نیز نسبت به همه بی اعتماد بودند و قصدشان این بود که با ریخته شدن خون قریش و دیگر قبایل به پیروزی برسند.

به این ترتیب به دلیل پراکندگی اهداف ، مقاصد، منافع و تمایلات ، اعتماد میان احزاب از میان رفته بود.

۵ ـ پایداری در برابر محاصره

استقامت در برابر محاصره طولانی مدت ، نیاز به نیروی آزموده ای دارد که از فرماندهی مسلطی برخوردار باشد و هدفهای معینی را دنبال کند. از آنجایی که قبایل پیوسته از نقطه ای به نقطه دیگر کوچ می کنند، توانایی تحمل محاصره ای طولانی مدت و دوری از زن و فرزند را ندارند. این بود که با وجود کوتاهی مدت محاصره ، اعراب به تنگ آمده رفتن را بر ماندن ترجیح دادند.

ادامه دارد ...



بخش شانزدهم

زندگان جاوید

مرتب: حبیبی سمنگانی

نویسنده: قاری محمد طیب
مسئول پیشین جهادی ولایت تخار و عضو کنونی حلقه جنوبی کمیسیون امور نظامی

در سطور ذیل، زندگی نامه دو تن شهدای ولسوالی جهادپرور خواجه غار ولایت تخار، هر یک شهید قاری حبیب الله معاذ و شهید ملا عزیز الله - تقبلهما الله - خدمت خوانندگان گرانقدر تقدیم می گردد. قابل یادآوری است که شهید قاری حبیب الله معاذ و شهید ملا عزیزالله برادر و خواهرزاده نویسنده (قاری محمد طیب) بودند. خود نویسنده نیز بر علاوه از تحمل زحمات چند ساله زندان، از سال های زیادی مشغول جهاد و مبارزه مسلحانه زیر قیادت امارت اسلامی بوده و مسئولیت های گرانی را درین دوره جهاد هجده ساله به پیش برده است.

شهید قاری حبیب الله معاذ - تقبله الله -:

شهید قاری حبیب الله معاذ پسر الحاج مولوی امان الله قرطبی و نواسه روزی محمد بای به تاریخ ۱۵ میزان سال ۱۳۶۹ خورشیدی در قریه قزاق قشلاق ولسوالی خواجه غار ولایت تخار در دودمان روحانی، علمی و مجاهد خیز چشم به دنیا گشود.

در شب و روزهای که او به دنیا آمد، جنگ های شدیدی بین مجاهدین و کمونیست ها در سراسر ولسوالی خواجه غار جریان داشت. به یاد دارم، روزی از روزها کمونیست ها بر قریه «وراز بچه» ولسوالی خواجه غار حمله کردند، ما به هر طرف فرار کردیم. حبیب الله که هنوز یکساله بود در خانه تنها مانده بود، هرگاه جنگ پایان یافت و شب به خانه برگشتیم، او را در طویله خانه حیوانات پیدا کردیم. با خود گفتم که ان شاء الله در آینده شخص مجاهد و مبارزی خواهد شد.

شهید قاری صاحب درس های ابتدایی را نزد پدر بزرگوارش محترم مولوی صاحب امان الله قرطبی خواند و سپس نزد مرحوم قاری صاحب عبدالرحمن شامل دارالحفاظ مشهور ولسوالی خواجه غار شد، حفظ قرآن مجید را نزد قاری صاحب عبدالهادی تکمیل نمود و دستار فضیلت را در مدرسه مولوی صاحب شمس الحق، واقع در قریه قرلق ولسوالی دشت ارچی ولایت قندوز در یک مجلس بزرگ علمی به سر نمود.

شهید قاری صاحب بعد از فراغت از حفظ قرآن عظیم الشان، برای فراگیری علوم قرآنی و نبوی کمر بست و عزم سفر به شهر کویته، پاکستان نمود. او پس از چند سال درسخوانی در دیار هجرت، به کشور خود برگشت. اما دید که کشورش از

سوی کافران اشغالگر و اسلام ستیز اشغال شده، کمر همت را در مقابل متجاوزین غربی بست و با رفقای خود به مبارزه آغاز نمود. او در سال های ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ مخفیانه در بین دشمن کار می کرد و چندین عملیات های جهادی انجام داد. هرگاه او افشا شد، نزد استاد انس، استاد مشهور ماین سازی می رود و درس های متفجرات را نزد او تکمیل نموده، عملیات های انفجاری را در برابر نیروهای اشغالگر آلمانی و غلامان شان شروع می کند. او چون در کارهای جهادی بسیار جدی بود، از سوی استاد انس به حیث مسئول متفجرات ولسوالی خواجه غار تعیین گردید. او بار دوم درس های نظامی را نزد استاد خالد در مناطق قبایلی کشور خواند و به حیث استاد ورزیده نظامی از طرف مسئولین امارت اسلامی شناخته شد.

سپس چندین عملیات های مخفیانه را در شهر تالقان، مرکز تخار بر ضد جواسیس مشهور از جمله نجیب وغیره به راه انداخت و مردم این شهر به ویژه علما و طلبای کرام را از شر آن ها نجات داد.

یکتن از انصار واقعه ای را بیان کرد که : یکبار در سرای سنگ تالقان بودیم، ناگهان عساکر و جواسیس دشمن بر مرکز آن ها یورش آوردند، همه اطراف را محاصره کردند و راهی برای نجات باقی نمانده بود. شهید معاذ به گونه ماهرانه ،گویا درین جا مزدور باشد خود را به طرف میدان هوایی کشید، چند ساعت پس نزد او رفتم، دیدم که پاهایش زخمی است، او را توسط موترسایکل به ولسوالی دشت ارچی ولایت قندوز انتقال دادم.

در سال های ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۲ در حالیکه هیچ ساحه مفتوحه در ولسوالی های خواجه غار (تخار) و امام صاحب و دشت ارچی (قندوز) وجود نداشت، او درین ولسوالی های سه گانه خدمات جهادی انجام می داد و مسئولیت متفجرات بدوش او بود.

یکتن از قومندان های پیشین جهادی ولسوالی دشت ارچی می گوید که : شهید معاذ از طرف روز مثل مزدور در خانه ما می بود و شب مشغول کارهای جهادی خود می شد. یکبار آلمانی ها بر خانه ما چاپه زدند و می خواستند قاری حبیب الله معاذ را دستگیر کنند. اما او بسیار ماهرانه خود را از محاصره آن ها نجات داد.

شهید معاذ در ساحات دور می رفت، مزدوری می کرد و ازان پول اسباب متفجرات را خریداری نموده بر ضد اشغالگران و مزدوران شان می رزمید. نیز در تابستان ها فعالیت جهادی می نمود و در زمستان ها به درس های خود دوام می داد.

این مرد جانانه بالاخره ساعت دوازده شب روز دوشنبه ۱۰ سرطان ۱۳۹۲ خورشیدی مصادف با ۲۲ شعبان المعظم ۱۴۳۴ هجری قمری در جریان عملیات بر اربکی های اجیر در ولسوالی خواجه غار با برادر مجاهدش شهید حکمت الله جان فدایی یکجا جام پر افتخار شهادت را نوش جان نمود.

بنده (قاری محمد طیب) آن زمان در محبس پلچرخی زندانی بودم، برایم زنگ آمد، مادر جانم گفت : حبیب الله و حکمت الله هر دوی شان شهید شدند.

هنوز ۳ ماه از شهادت آن ها گذشته بود که مادر جانم نیز در فراق فرزندانش از دنیای فانی رحلت نمود. انا لله و انا الیه راجعون.

شهید ملا عزیزالله بدر - تقبله الله - :

ملا عزیز الله مشهور به بدر الدین – تقبله الله - پسر نور محمد در زمستان سال ۱۳۷۱ خورشیدی در یک خانواده مجاهدپرور در قریه حاجی عبدالرسول در مربوطات ولسوالی خواجه غار ولایت تخار چشم به دنیا گشود. او درس های ابتدایی را نزد امام مسجد منطقه خواند و سپس سلسله تعلم را در لیسه سبحانیه در قریه مینگچقور ولسوالی خواجه غار دوام داد. او درس های دینی را مدتی نزد بابایش الحاج مولوی امان الله قرطبی در مدرسه مشهور رحمانیه، در قریه قورق ولسوالی خواجه غار ولایت تخار خواند.

او علاقه فراوان با مدرسه و علما و طلبا داشت و نماز پنجگانه را از ایام نوجوانی با جماعت ادا می کرد. هرگاه مجاهدین فعالیت های نظامی شان را برای آزادی کشور از پنجه های خون آشام امریکا و متحدان صلیبی آن در خواجه غار آغاز نمودند، شهید بدرالدین نیز دوشادوش مجاهدین در مقابل نیروهای مزدور و اربکی های شریر به مبارزه پرداخت. او چندین بار در جریان مبارزه مسلحانه زخمی نیز شد و درین اواخر به حیث سرپرست دلگی جهادی بنده (قاری محمد طیب) در خواجه غار خدمت می نمود.

شهید ملا عزیزالله مهارت خوبی در کنترول، نظم و انسجام مجاهدین داشت و خودش در خط های اول

جنگ حاضر می بود. او در چندین عملیات های بزرگ جهادی نقش عمده ای را ایفا نمود. از جمله ؛ در فتح ولسوالی خواجه غار در سال ۱۳۹۴ خورشیدی نقش بارز داشت. نیز در سال بعدی آن در منطقه تاش کوتل قهرمانانه جنگید و دشمن را از ساحه بیرون راند.

دران سال درگیری ها میان مجاهدین و عساکر رژیم مزدور در تخار شدت یافته بود، یکبار درگیری شدید بین مجاهدین و عساکر کماندوی دشمن در قریه شهید بدرالدین رخ داد. یکی از رفقا برایم خبر داد که توجه دشمن به طرف بدرالدین بسیار زیاد است، باید مجاهدین به کمک بروند. اما در همان اثنا صدای این مرد قهرمان از مخابره آمد که : «رفیقم قاسمی شهید شده است، کماندوها می خواستند تفنگ شهید را بگیرند، اما ما کمین گرفتیم و ۳ نفر کماندو را از بین بردیم». لحظاتی پس تر، او پیکر شهید و اسلحه غنیمت شده را با خود آورد.

شهید ملا عزیزالله در استعمال پیکا مسلکی بود و در راکت انداز نیز بسیار مهارت داشت. او در عملیات های خورد و عادی چنان جراتمندانه سهم می گرفت ، گویا اصلا برای جنگ روان نباشد. او سلاح های گروپ خود را خوب نگه می کرد و پس از پایان جنگ، روغن مالیده صاف می نمود.

شهید ملا عزیزالله در سال ۱۳۹۶ خورشیدی از سوی مسئول جهادی آن وقت ولایت تخار مولوی صاحب نورالدین و کمیسیون نظامی تخار به حیث مسئول قطعه نظامی وارد ولسوالی اشکمش گردید و پس از انسجام و آماده سازی مجاهدین، عملیات را بالای پوسته های قره تپه و اطراف آن آغاز نمود و پس از پیروزی با دستآوردهای زیادی به منطقه خود خواجه غار برگشت .

سپس در قریه جات ولسوالی خواجه غار با دشمن درگیری رخ داد و درگیری طول کشید. دشمن می خواست بدرالدین را زنده گرفتار کند. رفقایش آمدند و با تاسف گفتند که امیر به دست دشمن اسیر شد. اما قریب نماز عشاء بود که او با پیکای خود نزد مجاهدین رسید. او که ۲ ساعت در بین دشمن محاصره مانده بود، قصه کرد که : هرگاه دیدم امریکایی ها و کماندوی اجیر به نزدیکی من رسیده اند، من بالای بام یک خانه بلند شدم، یک ضربه قوی پیکا به طرف آن ها کردم و خود را زیر بام انداختم. از سوراخی دیوار دیدم که ۲ امریکایی با چندین کماندوها افتیده اند.

او چون در جریان جنگ ها از سائر گروپ ها مقدم می بود و با کمال شهامت می جنگید، دشمن از او بسیار هراس داشت. این از ویژگی های او بود که هیچگاه پیکر رفیق شهید او به دست دشمن قرار نگرفته است. شهید بدرالدین در اطاعت، شجاعت و تقوا در بین مجاهدین ولسوالی خواجه غار حیثیت امتیازی داشت و به مسئولان جهادی بسیار احترام داشت. روزی دیدم که در اثنای تهجد برای پیروزی مسلمان ها و شکست کفار گریه کنان دعا می نمود .

او در مورد تلفات مردم ملکی بسیار حساس بود و درین مورد مجاهدین را همواره توصیه می نمود. نیز رفقایش را تاکید می نمود که اموال دیگران را هرگز به خانه های خود نیاورند.

همان شبی که در جنگ فتح ولسوالی خواجه غار می رود و شهید می شود، موترسایکل شخصی خود را برای یک رفیق خود بنام ملا هارون که مجاهد مسافر است بخشش می کند و از همه مجاهدین معافی می طلبد.

مسئولین جهادی تخار در شب دهم محرم الحرام سال ۱۴۴۱ هجری قمری، تصمیم عملیات بر مرکز ولسوالی خواجه غار را می گیرند. او که در طرح این عملیات سهیم بود و مشوره خود را ارائه نموده بود، با رفقای مجاهد خود از طرف شمال شرق ولسوالی خواجه غار بر مرکز ولسوالی حمله می کند.

یکتن مجاهد همسنگر شهید بدرالدین می گوید : وقتیکه بالای پوسته های دفاعی ولسوالی حمله نمودیم، همه پوسته ها فتح شد، داخل بازار ولسوالی خواجه غار شدیم، در چهارراهی اخیر چند تانک دیده شد، تاریکی هم بود، همرای راکت لانچر و یک رفیق کلاشنکوف دار خود را به تانک دشمن نزدیک کرد. چند فیر قوی بالای دشمن شد و تانک آتش گرفت. مجاهدین با نعره های الله اکبر الله اکبر حمله نمودند و همان بود که شهر فتح شد.

برادرم ابوبکر می گوید : مایان همرای گروپ خود از طرف غرب ولسوالی در چند میتری قومندانی بودیم، صدای بدرالدین به گونه مسلسل از مخابره می آمد. پس از فتح ولسوالی همه جا خاموشی شد، خیلی زیاد صدا کردم بدر، بدر. اما هیچ جوابی نیامد. صدای او برای همیش خاموش شده بود. خواهرزاده ام بدرالدین با قاری خیبر، فرزند جانانه مولوی خال محمد صاحب دران عملیات کامیاب شهید شدند و به آرمان همیشگی شان رسیدند. اللهم تقبل شهادتهما و اجعل الجنة مثواهما.



اعلامیه ها و مواضع رسمی امارت اسلامی افغانستان

اعلامیه کمیسیون جلوگیری از تلفات ملکی در مورد راپور اخیر یوناما

نمایندگی سازمان ملل متحد «یوناما» شهادت ۴۰ نفر ملکی در بمباردمان امریکایی ها به تاریخ ۵ می سال جاری میلادی در ولایت فراه را تائید کرده است. از زمانیکه امریکایی ها و متحدین شان بر افغانستان هجوم آورده اند، هزاران گونه واقعات تلفات ملکی از سوی امریکایی های اشغالگر، متحدین شان و اداره کابل رخ داده است، که دران هزاران نفر ملکی به گونه ارادی و دست جمعی به شهادت رسیده اند.

کمیسیون جلوگیری از تلفات ملکی و سمع شکایات امارت اسلامی، از این حقیقت یابی و اعلان یوناما استقبال نموده، خواهان توجه بیشتر و بر وقت آن در مورد چنین واقعات دردناک تلفات ملکی است.

امارت اسلامی افغانستان

کمیسیون جلوگیری از تلفات ملکی و سمع شکایات

۱۴۴۱/۲/۱۱هـ ق

۱۳۹۸/۷/۱۸هـ ش ـ ۲۰۱۹/۱۰/۱۰م

اعلامیه امارت اسلامی به مناسبت هژدهمین سالروز تهاجم امریکا بر افغانستان

هژده سال پیش از امروز، امریکا بدون کدام حجت و دلیل موجه و با بهانه های بی جا بر حریم پاک کشور ما افغانستان تجاوز کرد.

امریکایی های اشغالگر آن زمان حادثهء سبتمبر را بهانه گرفتند، در حالیکه آن حادثه هیچ ربطی به افغانستان نداشت و نه هم تنظیم و انجام چنین کارها از خاک افغانستان ممکن بود.

امریکایی ها بجای اینکه از تعقل و درایت کار می گرفتند و پیشنهاد امارت اسلامی مبنی بر حل مسالمت آمیز معضل را می پذیرفتند، به تاریخ ۷ اکتوبر سال ۲۰۰۱ میلادی بسیار بی باکانه نخست از طریق هوا و سپس به همکاری بعض غلامان افغان نما از راه زمین بر افغانستان یورش آوردند.

امارت اسلامی نیز بنا بر مکلفیت دینی و ملی خود در برابر تهاجم امریکایی ایستادگی نمود و به نصرت الله متعال و همکاری ملت پر افتخار

خود بر ضد تجاوز امریکایی ها به جهاد آغاز کرد.

اینست هژده سال می شود که اشغال امریکایی هنوز ادامه دارد، مردم ما را می کشد، از زمین و هوا دست به وحشت می زند و می خواهد رژیم فاسد، ناکام و غلام خود را به زور بر افغان ها تحمیل کند.

اما دامنه جهاد و مبارزه در برابر اشغال به سراسر کشور گسترش یافت، ملت ما با قربانی ها و فداکاری در علیه امریکایی های اشغالگر و همکاران شان همانند دیوار پولادین ایستاده اند و الحمدلله تمام حربه ها، دسیسه ها، استراتژی ها و تلاش های نظامی دشمن را ناکام نموده است. اکنون جنگ افغانستان برای امریکا به ناسور تبدیل شده، ده ها هزار عسکر امریکایی درین جا کشته و زخمی و ملیاردها دالر خرج شده، اما هیچ هدف خود را در خاک افغانستان بدست نیاورده است.

ما و تمام جهان می دانیم که تهاجم و تداوم جنگ در افغانستان، بر علاوه از تلفات هنگفت جانی و مالی، حیثیت امریکا را نیز به شدت آسیب رساند، وجاهت سیاسی امریکا را در جهان از بین برده، جهان را از یک قطبی بودن بیرون کرده و پیمان بزرگ نظامی همچو ناتو را با رسوایی رو برو ساخته است.

مسئول این همه شرمندگی خود امریکا و به ویژه آن جنگ طلبان و جنرالانی هستند که می خواهند آتش جنگ را داغ نگه دارند، برای کیمنی های سلاح سازی خود بازار یابی کنند و پول های را که به نام کمک با افغانستان از جیب اتباع امریکایی کشیده شده بدزدند.

به دوام این وضعیت، مردم امریکا بیشتر زیان می بینند و ملت مسلمان و با افتخار افغانستان نیز دچار مشکلات می شوند.

امارت اسلامی به اساس موقف معقول و اصولی خود اکنون هم بر امریکایی های اشغالگر صدا می کند که همانند هژده سال گذشته دیگر باید فرصت ها را از دست ندهند، راه بی نتیجه زورگویی را ترک کنند، برای حل منطقی معضل باید گام های واقعی بردارند و دیگر خود را در جهان از شرم، خجالت و رسوایی نجات دهند.

امارت اسلامی افغانستان

۱۴۴۱/۲/۸هـ ق

۱۳۹۸/۷/۱۵هـ ش ـ ۲۰۱۹/۱۰/۷م



اعلامیه امارت اسلامی در مورد ناکامی انتخابات اداره کابل

ملت مسلمان و مجاهد افغانستان با عدم اشتراک در انتخابات فریبنده اداره کابل و ناکام ساختن این دسیسه یکبار دیگر ثابت نمود که اشغال و فرمایش های هیچ جهت اجنبی برای شان قابل پذیرش نیست.

امروز رژیم دست نشانده کابل پروسه جعلی انتخابات را به هدف مشروعیت بخشیدن کاذب خود به راه انداخت، اما لله الحمد از سوی اکثریت قاطع ملت تحریم و رد شد.

در شهرهای محدود به جز مامورین رسمی، معاش خوران و چند تن چهره های فریب خورده، اکثریت ملت با کمال دلاوری این پروسه تحمیل شده خارجی ها را رد و از اشتراک دران انکار نمودند.

امارت اسلامی از تمام ملت مسلمان و رنجدیده از صمیم قلب سپاسگذاری می نماید که به خواست امارت اسلامی لبیک گفتند، دسیسه بیگانه ها به نام انتخابات را رد نمودند، از برادران مجاهد خود حمایت گسترده کردند، به مجاهدین دست دادند و پیوند عمیق خود با مجاهدین را ثابت ساختند.

از ناکامی پروسه تحمیلی انتخابات، نکات ذیل به گونه واضح ثابت گردید:

۱ : اکثریت قاطع ملت ما خواهان پایان اشغال و حاکمیت نظام اسلامی در کشور هستند.

۲ : چهره های افغان نما که در اداره کابل مشغول هستند، دیگر باید خود را فریب ندهند، به پشتیبانی از اشغالگران با باورها و ارزشهای

اسلامی ملت بازی نکنند و با درک حقائق، از غلامی بیگانگان دست بکشند.

۳ : چنانچه رسانه های بی طرف و سازمان های ناظر نیز تائید کردند که گراف اشتراک مردم در انتخابات بسیار پایین بود، بناءً جهت اشغالگر نیز باید ازین مقاطعه سرتاسری ملت افغانستان درک کنند که افغان ها اشغال، پروسه و دسیسه های وارد شده از خارج را نمی پذیرند، مصارف بی جا، ترغیبات و ضیاع وقت به فایده هیچ جهتی تمام نمی شود، باید بدون فاصله به حقائق تن دهند، خواسته های ملت غیور افغان را پذیرفته، اشغال خود را پایان بخشند و از هر گونه مداخله در کشور ما خودداری کنند.

۴ : مجاهدین امارت اسلامی باید قدر ملت خود را بیشتر بدانند، همین ملت بود که امروز با دسیسه بزرگ دشمن مردانه وار مقابله نمود، با وصف پول های فراوان، تبلیغات، تشویق ها و فریبکاری ها خود را از چنگال آن ها نجات داد، از بدخشان تا ارزگان، از هرات تا ننگرهار، از قندوز و بلخ تا قندهار و پکتیکا، به یک صدا به خواست برادران مجاهد خود عمل نمودند و حربه بزرگ دشمن را ناکام ساختند. الحمدلله والمنة

امارت اسلامی افغانستان

۱۴۴۱/۱/۲۹ هـ ق

۱۳۹۸/۷/۶ هـ ش ــ ۲۸/۹/۲۰۱۹م



اعلامیه امارت اسلامی به مناسبت فرارسیدن ۶ میزان، ۲۳مین سالروز فتح کابل

۲۳ سال پیش از امروز به تاریخ ٦ میزان سال ۱۳۷۵ هجری شمسی پایتخت کشور عزیز ما «کابل» از سوی مجاهدین امارت اسلامی فتح گردید.

فتح کابل یکی از روزهای پر افتخار تاریخ معاصر ما است. درین روز، یک برگ سیاه تاریخ ما تمام شد و فصل تازه و مبارکی آغاز شد. درین روز، دوران فساد، فتنه ها، جنگهای ذات البینی و هرج و مرج پایان یافت و باشنده گان کابل و تمام هموطنان گرامی ما زندگی با عزت و با وقاری را زیر چتر حاکمیت شرعی امارت اسلامی آغاز نمودند.

حماسه ٦ میزان ازین سبب حائز اهمیت است که اگر خدانخواسته امارت اسلامی بر ضد جنگ های داخلی و هرج و مرج قیام نمی کرد و آن وضعیت ناگوار چند سال دیگر دوام می کرد، اکنون ما کشور متحدی به نام افغانستان نمی داشتیم. کشور ما که دارایی مادی و معنوی آن چور شده بود، با سقوط و تجزیه همه جانبه و ملت ما با زوال رو برو بود، به گونه که در سطح ملی، منطقوی و بین المللی کسی هم به فکر آن نبود و همگی تنها مشغول تماشای بدبختی های دردناک کشور ما بودند.

٦ میزان ازین لحاظ نیز روز تاریخی و مهم است که درین روز آرمان های جهاد ما بر ضد کمونیست ها برآورده و یک نظام مستقل واقعی و شرعی در کشور ما حاکم شد. نظامی که در تطبیق شریعت اسلامی، اعلای شعائر دینی و دفاع از ارزشهای ملی همچون تمامیت ارضی نقش قابل افتخاری را انجام داد.

ما باور داریم که تاریخ و نسل های آینده، این روز را همیش همانند روز استقلال به یاد می دارند، زیرا افغانستان در همین روز از آزمون خطرناکی نجات یافته و وجود سیاسی اش تثبیت شده است.

اما کشور ما اگر اکنون یکبار دیگر تحت اشغال قرار گرفته و استقلال کشور ما غصب شده است، امارت اسلامی افغانستان با الهام از ٦ میزان به هموطنان خود اطمینان می دهد که پس از هر تاریکی روشنی است. ان شاء الله آن روزی دور نیست که کشور و هموطنان ما از اشغال شوم کنونی نجات یابند و یکبار دیگر در روشنی نظام اسلامی و استقلال، زندگی با عزت و سعادت را آغاز نمایند. وَمَا ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ

امارت اسلامی افغانستان

۱۴۴۱/۱/۲۹ هـ ق

۱۳۹۸/۷/٦ هـ ش ــ ۲۸/۹/۲۰۱۹م

اعلامیه امارت اسلامی در مورد آغاز مجدد فعالیت های مؤسسه W.H.O

امارت اسلامی افغانستان در سطح جهان به خدمات بشری و مسائل مربوطه به مشکلات بشری متعهد مانده است و برای جلوگیری از مشکلات در برابر خدمات بشری، گام های جدی برداشته است.

امارت اسلامی در رابطه به هر گونه خدمات بشری تشکیلات، قوانین، لوائح و مقررات ویژه ای دارد که در روشنی آن نه تنها خودش دست به کار است، بلکه زمینه خدمات بشری را برای تمام سازمان های بین المللی بشری و مؤسسات غیر دولتی مساعد نموده و به حد توان خود برای پیشرفت، بهبود و شفافیت کارها با آن ها همکاری نموده است.

امارت اسلامی در ساحات زیر کنترول خود در چوکات تعهدات مقرره، امنیت همه جانبه این مؤسسات را تضمین نموده و در آینده هم به آن متعهد است. اما متاسفانه، در ماه اپریل سال جاری میلادی (۲۰۱۹) یک سلسله فعالیت های خودسرانه و مشکوک W.H.O (سازمان جهانی صحت) به ویژه بخش واکسن فلج اطفال (پولیو) سبب شد که تمام فعالیت های W.H.O از سوی امارت اسلامی به تعلیق درآورده شد و تعهدی را که امارت اسلامی در مورد امنیت و مصئونیت آن ها داشت نیز به تعلیق درآورد. اما خوشبختانه، مؤسسه W.H.O به عملکرد خود متوجه شد و پس از تماس های پیهم و بحث های مسلسل با هیئت مقرره از سوی امارت اسلامی، با تعهد به ماده های تحت الذکر اجازهء از سرگیری فعالیت های بشری و صحی خود را از امارت اسلامی بدست آورد.

امارت اسلامی افغانستان سازمان جهانی صحت را در صورت تطبیق مکمل ماده های تحت الذکر، اجازه فعالیت های صحی و بشری می دهد.

اول : W.H.O یا سازمان جهانی صحت مکلف است که در مورد تمام آن پرسونل خود که در مناطق زیر کنترول امارت اسلامی به کار می گمارد، به امارت اسلامی تضمین می دهد که آن ها تمام توانایی خود را به علاج بیماران و جلوگیری از اسباب بیماری ها به کار می اندازند و نمی توانند دیگر فعالیت های مشکوک انجام بدهند.

دوم : W.H.O یا سازمان جهانی صحت مکلف است که در مناطق زیر کنترول امارت اسلامی در استخدام تمام کارمندان خود موافقه رسمی کمیسیون صحت امارت اسلامی را بدست آورد، و بدون موافقه دو جانبه نمی تواند کسی را استخدام بکند.

سوم : پروسه واکسن فلج اطفال (پولیو) که از سوی W.H.O به پیش برده می شود، اگر چه پیش ازین در خانه به خانه و مسجد به مسجد به راه انداخته می شد، پس ازین تنها در کلینک ها اجرا می گردد.

امارت اسلامی افغانستان

۱۴۴۱/۱/۲۶ هـ ق

۱۳۹۸/۷/۳ هـ ش ـ ۲۰۱۹/۹/۲۵م



بزم شعر و ادب

گردآورنده: ابو عابد

مناجات پیر هرات خواجه عبدالله انصاری رحمه الله

الهی! خواندی تأخیر کردم. فرمودی تقصیر کردم.
الهی! عمر خود بر باد کردم و بر تن خود بیداد کردم.
الهی! اگر کار به گفتار است بر سر همه تاجم و اگر به کردار است به پشه و مور محتاجم.
الهی! بیزارم از طاعتی که مرا به عجب آرد. مبارک معصیتی که مرا به عذر آرد.
الهی! گناه در جنب کرم تو زبون است، زیرا که کرم تو قدیم و گناه اکنون است.
الهی! اگر یکبار گویی بنده من، از عرش بگذرد خنده من.
الهی! همه از تو ترسند و عبدالله از خود زیرا که از تو همه نیک آید و از عبدالله بد.
الهی! اگر دوستی نکردیم، دشمنی هم نکردیم. اگر چه بر گناه مصریم بر یگانگی حضرت تو مقریم.
الهی! در سر خمار تو داریم و در دل اسرار تو داریم و به زبان استغفار تو داریم.
الهی! اگر گوییم ثنای تو گوییم و اگر جوییم رضای تو جوییم.
الهی! بنیاد توحید ما خراب مکن و باغ امید ما را بی آب مکن و به گناه روی ما را سیاه مکن.
الهی! تقوایی ده که از دنیا ببریم، روحی ده که از عقبی برخوریم. یقینی ده که در آز بر ما باز نشود و قناعتی ده تا صعوه حرص ما باز نشود.
الهی! دانایی ده که از راه نیفتیم و بینایی ده تا در چاه نیفتیم. دست گیر که دستاویزی نداریم، بپذیر که پای گریزی نداریم.
الهی! ظاهری داریم شوریده. باطنی داریم در خواب. سینه ای داریم پر آتش. دیده ای داریم پر آب. گاه در آتش سینه می سوزیم و گاه از آب چشم غرقاب.
الهی اگر بدوزخ فرستی دعوی دار نیستم و اگر به بهشت فرمایی بی جمال تو خریدار نیستم. مطلوب ما بر آر که جز وصال تو طلبکار نیستم.
الهی! تو ما را جاهل خواندی از جاهل جُز خطا چه آید ؟ تو ما را ضعیف خواندی از ضعیف جُز خطا چه آید.
الهی! در جلال رحمانی، در کمال سبحانی، نه محتاج زمانی، و نه آرزومند مکانی، نه کس بتو ماند و نه به کسی مانی، پیداست که در میان جانی، بلکه جان زنده بچیزی است که تو آنی.
الهی! از پیش خطر و از پس راهم نیست، دستم گیر که جز تو پناهم نیست.
الهی! دستم گیر که دست آویز ندارم، و عذرم بپذیر که پای گریز ندارم.
الهی! ببرکت صدیقان درگاه تو، الهی ببرکت پاکان درگاه تو که حاجت این بیچارهٔ درمانده را و مهمات جمیع مومنین ومومنات را برآورده بگردانی و آنچه امید میداریم بعافیت و دوستکامی برسانی و پیش از مرگ توبهٔ نصُوح کرامت نمایی و ختم کار ها بکلمهٔ شهادت فرمایی، یا آله العالمین و خیر الناصرین بفضلک و کرَمک یا اکرم الاکرمین و یا ارحم الراحمین و صلی الله علی مُحمد و آله و اصحابه اجمعین. آمین

پرهار

ناست په شپه کې یم د خپل زړګي پرهار ته
دا ځراغ به رسومه آن سهار ته
د خوارانو له جونګړو لوګي خیږي
یا که سپاندې ورګوزار کړې چا انګار ته
دایي نېغ د برندو سترګو تور باڼه دي
که طالب راکټ سم کړی دی ګزار ته
د شین سترګو قافلې ته لارې ځاري
که زمری کمین نیولی دی کوم ښکار ته
یو خو نه دی ټول جهان منصور منصور دی
وخت به کوم یو منصور وخیژوي دار ته
ګوندې تللي زلمي بیا پرې راشي سیفه
غړومه مدام سترګې هغې لار ته

مرحوم سیف مومند



شعارهای انتخاباتی

هر وعده که دادند به ما باد هوا بود
هر نکته که گفتند غلط بود و ریا بود
چوپانی این گله به گرگان بسپردند
این شیوه و این قاعده ها رسم کجا بود ؟
رندان به چپاول سر این سفره نشستند
اینها همه از غفلت و بیحالی ما بود !
خوردند و شکستند و دریدند و تکاندند
هر چیز در این خانه بی برگ و نوا بود .
گفتند چنینیم و چنانیم دریغا ...
اینها همه لالایی خواباندن ما بود !
ایکاش در دیزی ما باز نمی ماند
یا کاش که در گربه کمی شرم و حیا بود !

ایرج میرزا

به دروغگوهای عصر

تا به کی با این همه انسان دروغ — چند زنی لاف فراوان دروغ

همدم و هم صحبت الحادیان — گشتی و دم از دین و ایمان دروغ

ژاله بم ریزی و فریاد توست — در پی آسایش انسان دروغ

رفتی و هم کیش صلیبی شدی — لاف تو از خون شهیدان دروغ

بهر ریاست طلبی های خود — میخوری سوگند به قرآن دروغ

حافظ کفری و هواخواه غرب — ظاهر حالی و مسلمان دروغ

رشوت و اخاذی شده پیشه ات — حافظ و حق خواه ضعیفان دروغ

ظاهرت آراسته به ایمان و دین — باطنت نیرنگ و پریشان دروغ

فکر تو حیوانی و راهت فساد — جلوه کنی در خوی انسان دروغ

ظاهر گوسفند به خویش بسته ای — گرگی و در صورت چوپان دروغ

زیر قبا بسته ای زنار کفر — بر سر منبر کنی آذان دروغ

بهر منافع خود ای راهزن — شکوه کنی از بد و نیکان دروغ

فکر تو آئین تو دالر شده — گر چه شدی زاهد دوران دروغ

تا که شکاری به دام آوری — میبری صد حیله به پایان دروغ

خواهش حامی است زتو ای جان من — بس دگر ای نور دو چشمان دروغ

شهید سلحشور



مسئولین قتل عام ننگرهار چه کسانی هستند؟

دیروز، روز مبارک جمعه بود و در این روز مسلمانان برای عبادت خاص نماز جمعه یکجا جمع می شوند. در ولسوالی هسکه مینه ولایت ننگرهار بر مسلمانان عامه در یک مسجد جامع از سوی داعشی ها حمله صورت گرفت که در نتیجه بیشتر از شصت تن از نمازگزاران مسلمان شهید و دها تن دیگر زخمی شدند.

این جنایت از سوی قاتلان بی رحمی صورت گرفت که از سوی حلقات مشخص خارجی و داخلی برای اهداف خاص آورده شده، پرورانده و اکمال می شوند. که می خواهند با گرم کردن آتش جنگ و کشتار، بهانه یی برای تداوم اشغال خود پیدا کنند.

ملت ما و همهٔ جهانیان شاهد حال هستند که داعش کدام پدیدهٔ افغانی نیست، بلکه این فتنه بسیار دورتر از افغانستان در کشورهای عربی قد علم کرد. اما اشغالگران و غلامانی که با شکست محتوم مواجه هستند، این فتنه را به اینجا آوردند، تا به گمان اینها را در مقابل مجاهدین امارت اسلامی و دیگر رقبای جهانی استعمال کنند.

افغان ها به یاد دارند که داعش با حمایت و همکاری اشغالگران و شورای امنیت ملی رژیم کابل در افغانستان جابجا شد. در طیارات برایشان اسلحه رسانده شد، رسانه ها برایشان تبلیغات وسیع کردند و برای تقویهٔ شان سرمایه گذاری گسترده صورت گرفت.

از آنجائیکه داعش یک گروه خونخوار است و دست هایشان به خون مسلمانان بیشمار سرخ است، امارت اسلامی افغانستان بر اساس مسئولیت دینی خود و به منظور دفاع از ملت مؤمن خویش، تلاش برای محو داعش را آغاز کرده است. تا حال این فتنه را از زابل، لغمان و جوزجان محو کرده است و اکنون تنها در ننگرهار باقیمانده اند که آن نیز در حال محو شدن است.

بالمقابل مقامات رژیم مزدور کابل هنوز هم از حمایت داعش دست نکشیده اند، در جوزجان و کنر همه شاهده بودند، هنگامیکه مجاهدین حلقهٔ محاصره بر داعشی ها را تنگ تر کردند مزدوران رژیم کابل هیلی کوپترهایی برای کمک شان ارسال نمودند و به داعشی ها پناه دادند. دلیل تداوم داعش در ننگرهار نیز همین است که مقامات رژیم مزدور خاصتا فضل هادی مسلمیار رئیس مشران جرگه مستقیما با آنها کمک و همکاری می کند و برایشان سلاح می رساند.

پس بناء، مسئولیت فاجعهٔ هسکه مینه، قتل عام ها و حملات بر مجالس مردمی، مساجد و اماکن عامه در کابل و دیگر شهرها همانطور که به داعش راجع است، به همان اندازه مقامات رژیم مزدور کابل نیز در آن مسئول هستند، که برای اهداف ناروای خود از داعشی های قاتل حمایت و پشتیابی می کنند.

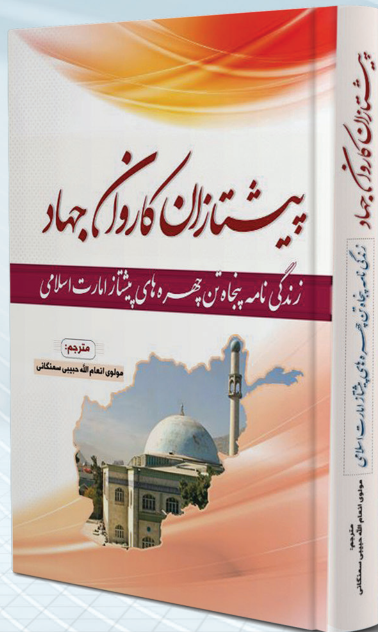
امارت اسلامی افغانستان که به منظور تامین عدالت و دفاع از ملت مؤمن قیام کرده است، وظیفهٔ ایمانی و جهادی خود می داند که قاتلان مؤمنین معصوم و مظلومین را به سزای اعمالشان برساند.

آنهائیکه برای سیراب کردن غرایز غیر انسانی و تحقق اهداف شیطانی خود، خون ملت مظلوم را جاری می کنند. باید جلو این ظلم گرفته شود، ملت ما باید این قاتلان را بشناسند و در کار محو کردن آن از مجاهدین امارت اسلامی حمایت قاطع نمایند.

(برگرفته از تبصرهٔ هفتگی سایت الاماره دری)

Haqiqat

Islamic, Political & Jihadi Bimonthly Magazine



معرفی کتاب:

کتاب ارزشمند پیشتازان کاروان جهاد، (در اصل توسط برادر محترم سمنگانی صاحب از پشتو به دری ترجمه شده که در آن) به زندگینامه و بیوگرافی ۵۰تن از پیشتازان جهاد مقدس فعلی و کاروان خوش نام و آوازهٔ امارت اسلامی (اعم از شخصیت های بنیانگذار، وزرا، علمای کرام، فرماندهان نظامی و مجاهدین که در یکی از مرحله ها نقش مهم و عمده ای ایفا نموده اند) پرداخته شده است، و زندگی آن ابرمردان را از زوایای مختلف به قلم کشیده و از مبارزه و جانفشانی بی مثال آنها در راه دین مقدس اسلام یاد نموده است، انداز کتاب قسمی است که خواننده را چنان دلچسب تمام می شود که با مطالعه هر ورق آن مشتاق ورق دگری می شود.



امارت اسلامی افغانستان
کمیسیون امور فرهنگی
بخش تألیف وترجمه